

مطابق با فتاوای

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات پزشکی

نویسنده:

آیت الله سیدمحمدعلی علوی گرگانی

ناشر چاپی:

فقیه اهل بیت علیهم السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات پزشکی

مشخصات کتاب

سرشناسه : علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پزشکی/علوی گرگانی.

مشخصات نشر : قم : فقیه اهل بیت(ع)، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۳۲۸ص.

شابک : ۱۰۰۰۰۰ریال:۹۷۸-۶۰۰-۸۳۶۳-۱۵-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : عنوان دیگر: استفتائات پزشکی مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی (مدظله العالی).

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : استفتائات پزشکی مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی (مدظله العالی).

موضوع : پزشکی -- فتواها

موضوع : Medicine -- Fatwas

موضوع : فتوا های شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : Fatwas, Shiites -- ۲۰th century

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : *Islamic law, Ja'fari -- Handbooks, manuals, etc.

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ع۷۸الف۵ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۴۰۷۵۲

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات پزشکی

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی دام عزه

فهرست

ص:۶

ص:۹...

احکام ویژه پزشکان

اشاره

...

...

آموزش پزشکی

۱.دانستن مسائل شرعی برای پزشکانی که در حین آموزش و کار با آن درگیر هستند تا چه حدّی لازم است؟

ج) دانستن مسائلی که پزشکان غالباً به آن ها نیاز دارند واجب است.

۲.با توجه به مراجعه زنان به پزشکان مرد و آثار روانی مرتبط بر آن، آیا بر زنانی که استعداد یادگیری علوم پزشکی مربوط به زنان را دارند، واجب است که این علوم را یاد بگیرند؟ اگر واجب است، چه نوع واجبی است؟ آیا واجب کفایی است؟

ج) وجوب یادگیری این علوم ولو به نحو کفایی ثابت نیست امّا در صورت مبتلا نشدن به گناهان دیگر بسیار خوب است که در این زمینه کسب علم کنند تا از مراجعه به نامحرم خودداری شود.

۳.تکلیف و وظیفه دانشجو چیست؟ آیا می تواند به دلیل مسائل شرعی از آموختن بسیاری از مسائل که در حالت عادی اشکال شرعی دارد، پرهیز کند. مثل نگاه به بدن نامحرم که در مواقعی

لازمه معاینه می باشـد. یا به دلیل اینکه نجات جان انسان لازم می باشـد، فراگیری مسائل این چنینی برای دانشـجو لازم است و اشکال ندارد؟

ج) اگر اضطرار شرعی به یادگیری این علوم داشته باشد و راهی غیر از انجام گناه برای او نیست و موجب انحراف اخلاقی او هم نمی شود به مقدار رفع ضرورت مانعی ندارد.

۴.آیـا می تـوان برای آمـوزش به علت کمبود جسـد و اسـتخوان (که بـدون آنهـا آموزش امکـان پـذیر نیست) به نبش قـبر غیر مسلمان اقدام نمود؟ اگر قبر مجهول الهویت باشد آیا مجاز به نبش قبر هستیم؟

ج) اگر غیر مسـلمان باشـد نبش قبر او جایز است و اگر مجهول الهویه باشـد، چنانچه در منطقه مسـلمان نشـین نباشد نبش قبر مانعی ندارد و الاّ جایز نیست.

۵.در صورت کمبود جسد و اسـتخوان، آیا می توان استخوان هایی را که در بیابان و قبرستان ها می یابیم و یا به وسیله عملیات حفّاری شهرداری ها در سطح خاک ظاهر می شوند، چه متعلق به مسلمان و چه غیر مسلمان، از آن برای آموزش استفاده کرده و بعد از اتمام کار، به مرکز آموزشی دیگری هدیه نماییم یا آن را دفن کنیم؟

ج) اگر مربوط به غیر مسلمان باشد مانعی ندارد و اگر متعلّق به مسلمان باشد جایز نیست.

۶.آیا لمس و نگاه مولاژ (مجسمه های آموزشی از جنس پلاستیک که شبیه اعضای بدن انسان ساخته شده) برای دانشجویان و اساتید جنس مخالف، بدون قصد لذت جایز است یا نه؟

ج) بدون شهوت مانعی ندارد.

۷.آموزش هایی که مستلزم لمس و نظر به نامحرم است و احتمال دارد در آینده برای حفظ جان فردی استفاده شود چه حکمی دارد؟

ج) اگر اضطرار شرعی باشد و راهی غیر از آن نباشد و موجب انحراف اخلاقی فرد هم نشود به مقدار ضروزت اشکال ندارد.

۸.گذراندن واحدهای زنان و زایمان برای دانشجویان پزشکی و پرستاری الزامی است، آیا این الزام، اجازه نگاه به عورت زن را برای آموزش می دهد؟

ج) جایز نیست مگر اضطرار شرعی باشد و راهی غیر از آن هم نباشد که به مقدار دفع اضطرار مانعی ندارد.

۹.در بیمارستان ها و مراکز آموزش پزشکی جهت یادگیری و آموزش دانشجویان پسر و دختر مبادرت به انجام زایمان، کورتاژ و... می نمایند نظر حضرت عالی در این خصوص چیست؟

ج) در حدّ امکان نباید این کار برای دانشجویان پسر انجام شود زیرا این اعمال از مختصّات دانشجویان و پزشکان خانم است.

۱۰. نگـاه به عکس هـای عریـان که در کتب پزشـکی هست اگر به قصـد آموزش باشـد، جـایز است یـا خیر؟ آیا بایـد به قـدر ضرورت اکتفا نمود؟ اگر ریبه آور باشـد، ولو برای آموزش جایز است یا خیر؟ اگر ریبه آور نباشد آیا بدون قصد آموزش هم جایز است یا خیر؟

ج اگر موجب ریبه و شـهوت شود به مقـدار ضـرورت اکتفـا شود و بیش از آن جـایز نیست و امـا اگر موجب شـهوت نباشـد حرمت ندارد گر چه ترک آن بهتر است.

۱۱.صـحبت کردن دانشـجویان دختر و پسـر نامحرم بدون قصد لذّت جایز است یا خیر؟ شوخی کردن اساتید زن با دانشـجویان مرد چه حکمی دارد؟ سخنرانی خواهران در مجالس دانشجویی که مردها هم حضور دارند، جایز است یا خیر؟

ج) صـحبت کردن با نامحرم اگر بدون قصد لذّت باشد و موجب ریبه و شـهوت نشود اشـکال ندارد. شوخی کردن با غیر هم جنس خالی از شبهه نیست.

۱۲.در صورتی که دسـتورات برخی از رؤسای بیمارسـتان های آموزشی یا آزمایشگاه ها برابر شرع نباشد، تکلیف دانشجویانی که موظّف به اجرای دستورات اساتید خود در امر معاینه هستند چیست؟ آیا باید از این اساتید پیروی کرد یا خیر؟

ج) اگر امکان دارد نباید انجام دهند ولی اگر امکان ندارد گناه آن به عهده دستور دهنده می باشد.

۱۳.در برخی از بیمارستان ها، دانشجویان به دلیل این که باید دوره ی آشنایی با کارهای پزشکی را به صورت عملی بگذارنند از بیماران معاینه به عمل می آورند و قصد آن ها تنها یادگیری امور درمانی است. در صورت عدم رضایت بیماران، آیا می توان آنان را به معاینه توسط دانشجویان وادار کرد؛ مانند این که پزشک درمان گر به بیمار بگوید: چنانچه مانع دانشجویان از عمل شود، او را درمان نخواهد نمود؟ آیا اقدام یاد شده در صورت ضرورت تعلیم اشکال ندارد، مورد و مقدار ضرورت را توضیح دهید؟

ج) رضایت بیمار لازم است اما اگر مخالفت بیمار در حدّی باشد که اگر این معاینات انجام نشود کار آموزش مختل می شود و موجب آسیب به بیمار هم نباشد آن مقدار معاینه بدون رضایت بیمار اشکال ندارد.

۱۴.برخوردهای بی پرده و نزدیک تر میان پزشکان و دانشجویان دختر و پسر و برداشته شدن حریم میان آنان در اثر برخوردهای نامشروع بیماران؛ مانند: نگاه و لمس، چه حکمی دارد؟

ج) هم نگاه و لمس حرام و برخوردهای میان پزشکان و دانشجویان هم از مصادیق ارتباط نامشروع و حرام است.

۱۵.اگر نظریه اساتید و پزشکان این باشد که بهترین درمان، کامل ترین آن است و چنین امری، لمس و نگاه در موارد غیر ضروری را در بر دارد؛ آیا عمل به چنین روشی شرعی است؟

ج: اگر درمان کامل شرعاً مستلزم لمس باشد اشکال ندارد والا جایز نیست و دکتر موظف است صرفا قسمتهایی را معاینه کند که مربوط به بیماری و نیاز عرفی برای درمان است.

۱۶.نگاه به اساتید زن برای دانشجویان مرد یا به عکس تا چه اندازه ای جایز است؟ برای مثال، اگر کمی از موی استاد زن بیرون باشد آیا نظر به چهره ی او برای فهمیدن درس جایز است؟

ج: در غیر حالت ضرورت و اضطرار جایز نیست و باید از نگاه حرام اجتناب شود

طهارت و نجاست

۱.چگونه می توان ظرف یا بدنی را که نجس شده و عین نجاست از آن برطرف گردیده است یا وسایل پزشکی را هنگام کار و در حالی که چیزی از رسیدن آب به آن جلوگیری می کند، تطهیر و پاک نمود؟

ج) فقط با آب می توان آن را تطهیر کرد.

۲.آیا لازم است نجس بودن وسایل مورد استفاده در مصارف پزشکی؛ مانند: تخت معاینه، الکل سفید مورد استفاده ی یونیت را با توجّه به امکان نجس شدن لباس و بدن بیمار به وی یادآوری نمود؟

ج) لازم نیست.

۳.این جانب مبتلا به نوعی آلرژی هستم، در هنگام تستِ بدن، آمپول را در داخل بدنم فرو می کنند و سپس بیرون می آورند، آیا سرِ سوزن آمپول پاک است؟

ج) اگر سوزن آلوده به خون است و خون دیده می شود نجس است و الا پاک است.

۴.حکم بیمارستان های خارج از کشور و تختی که بیمارانی روی آن استراحت می کنند از لحاظ طهارت و نجاست چیست؟

ج) معمولاً نجس است.

۵.آیا بخار ظرفی که آب آن کمتر از کُر است و با خون یا فراورده های خونی نجس شده پاک است؟ آیا فراورده های خونی؛ مانند: پلاسما و سُرم، نجس است؟ اگر با همین شرایط، به جای خون، ادرار باشد، چه حکمی دارد؟

ج) بخار چیز نجس تا تبدیل به آب و مایع نشده پاک است ولی اگر تبدیل به مایع شد نجس است. پلاسما و سرم که از فرآورده های خونی هستند نجس می باشند و حکم ادرار هم همانند خون است مگر استحاله صورت گرفته باشد.

۶.خونی که زیر ناخن یا پوست می ماند پاک است یا نجس؟

ج) اگر مراد از "زیر ناخن" ابتدای ناخن باشد که معمولا چرک در زیر آن جمع می شود نجس است و باید تطهیر شود و اگر مراد خون مردگی زیر ناخن و پوست باشد تا زمانی که روی آن باز نشده باشد پاک است و الا نجس است و اگر تبدیل به پوست خشک شده باشد نجس نیست

۷.آیا تماس با خون بدن، مانند خونی که در زیر ناخن است، باعث نجس شدن می گردد؟

ج) اگر مراد از "زیر ناخن" ابتدای ناخن باشد که معمولا چرک در زیر آن جمع می شود، نجس است و باعث نجس شدن می گردد.البته اگر خون به گونه ای باشد که عملا

دیگر خون نباشد و به صورت پوست خشک شده باشد تمس بدن با ان موجب نجاست نمی شود.

۸.خونی که هنگام تزریق آمپول یا سرُم یا کشیدن دندان بیرون می آید پاک است یا نجس؟ آیا می توان به وسیله ی پنبه ی الکلی محلّ آن را پاک کرد؟

ج) نجس است و به وسیله الکل پاک نمی شود.

۹.بخشی از بدن شخصی چند زخم بزرگ و کوچک دارد. وضعیت کنونی درمان چنین است که با کارهای درمانی؛ مانند: بخیه زدن، ضدّعفونی کردن و پانسمان، همه ی عضوی که زخم شده است متنجّس می شود و تنجّس آن به وسیله ی خون بیرون آمده از زخم نیست، بلکه خون به گونه ای غالب با داروهای ضدّعفونی زایل می شود. آیا زوال عین نجاست به شیوه ی نوشته شده مانند برطرف کردن آن از ته کفش، سبب طهارت می گردد یا لازم است با آب پاک شود؟

ج) فقط با آب پاک می شود.

۱۰.چنانچه در بخشی از محلّ وضو بریدگی ایجاد شود، آیا خون آبه ای که پس از شست و شو برطرف شدن خون، جای زخم را می گیرد پاک است؟ همچنین در صورتی که روی آن را پوسته ای بگیرد و به نظر برسد لکّه ای خونی در زیر آن است،

آیا برای وضو گرفتن باید پوسته را از روی زخم جدا کرد و خون زیر آن را پاک نمود و سپس وضو گرفت یا خیر؟

ج) اگر خون آبه همراه با خون بیرون آمده نجس است ولی آب زردی که از زخم بیرون می آید پاک است و اگر خون زیر آن زردآب وجود داشته باشد باید خون شسته شده و بعد وضو بگیرد. البته اگر مایع زرد رنگ به صورت پوسته ای روی زخم را گرفته باشد و خون زیر آن باشد، تطهیر ان لازم نیست.

۱۱.آیا انتقال خون از بدن انسان به انسانی دیگر یا از حیوانی به بدن انسان اشکال دارد؟

ج) اشکال ندارد.

۱۲.تزریق خونی که معلوم نیست خون زن است یا مرد و کافر است یا مسلمان چه حکمی دارد؟

ج) اگر مراد تزریق آن است تزریق آن اشکال ندارد ولو از زن باشد یا آن که از غیر مسلمان باشد.

۱۳.لمس کردن غیر هم جنس و نگاه کردن به او تا چه سنّی جایز است؟

ج) لمس غیر هم جنس اگر بالغ باشد حرام است مگر در حدّی که راه و چاره ای جز لمس در مقام معاینه نباشد.

۱۴.در بخش مراقبت ویژه که بیماران در حالت «کُما» بستری هستند، گاه به جداسازی بیماران زن و مرد اهمّیت داده

نمی شود و حتّی در پوشاندن آنان نیز توجّه معمول رعایت نمی گردد. در این گونه موارد، تکلیف چیست؟

ج) نگاه کردن و لمس آنها حتی در حالت کما هم جایز نیست گر چه شخص به کما رفته مسئولیتی در این زمینه ندارد.

۱۵.اگر زنی درد رحم شدید و حادّی داشته باشد و راه درمان نیز تنها مراجعه به پزشک متخصّص مرد می باشد و لازم است که پزشک، درون رحِم زن را معاینه کند، در این صورت، زن چه تکلیفی دارد؟

ج) اگر تنها راه مراجعه به متخصص مرد است در حدّ ضرورت اشکال ندارد.

۱۶.در زمینه ی درمان دندان، رجوع بیمار زن به دندان پزشک مرد و به عکس چه حکمی دارد؟

ج) به نظر ما جایز نیست مگر راهی جز رجوع به غیر همجنس نباشد.

۱۷.در صورت وجود پزشکان زن و مرد به اندازه ی کافی، آیا ملاک برای مراجعه ی بیماران، هم جنس بودن پزشک است یا حاذق بودن وی؟

ج) ملاک وجود پزشک همجنس است مگر امکان معالجه فقط با پزشک متخصص باشد که در این صورت وجود متخصص ملاک است.

۱۸.اگر در جامعه برای درمان بیماران، پزشک زن و مرد با تخصّص یکسان وجود داشته باشد، ولی بر پایه ی تجربه، عمل پزشک مرد بیش تر پذیرفته باشد و در جرّاحی برای بیمار اطمینان بیش تری می آورد، آیا در این صورت مراجعه به پزشک مرد اشکال دارد؟

ج) جایز نیست.

۱۹.تعیین حاذق بودن پزشک به عهده ی چه کسی است؟ بیمار یا مراجعان دیگر؟

ج) اگر خود بیمار توانایی تشخیص را دارد او باید حاذق بودن را تشخیص دهد و الّا خبرگان در این فن نظر دهند و یا به شهرت بین مردم عمل شود.

۲۰.آیا پزشک می تواند از معاینه ی بیمار غیر هم جنسی که به او مراجعه کرده است خودداری نماید؟

ج) اگر پزشک هم جنس وجود داشته باشد باید خودداری کند مگر آن که به لمس و نظر حرام محتاج نشود که در این صورت خودداری کردن جایز نیست.

خون و فرآورده های خونی

۱.فروش خون چه حکمی دارد؟

ج) به عنوان فروش جایز نیست چون عین نجس است امّا معامله آن به عنوان رفع ید از مالکیت آن در مقابل دریافت مبلغی مانعی ندارد.

۲.اگر ظرفی که آب آن با خون یا فرآورده های خونی نجس شده باشد و مقدار آن کمتر از کُرّ باشد، جوشانده شود؛ بخار آن پاک است؟ آیا فرآورده های خونی مثل پلاسما و سرم نجس است؟ اگر با همین شرایط به جای خون ادرار باشد، بخار آن پاک است یا نه؟

ج) بخار آن پاک است مگر مجدد تبدیل به مایع شود که آن مایع نجس است و همچنین بخار ادرار پاک است و فرآورده های خونی هم نجس است مگر استحاله شود و ماهیت خون تغییر یابد که پاک است.

۳.آیا انتقال خون از بدن انسان به انسان دیگر،یا از حیوانی به بدن انسان اشکال دارد؟

ج) اشکال ندارد.

۴.تزریق خونی که معلوم نیست خون زن است یا مرد، کافر است یا مسلمان، چه حکمی دارد؟

ج) مانعی ندارد.

۵.حکم استفاده از خون هایی که از کشورهای خارجی وارد می شود، چیست؟ آیا استفاده از خون فردی که مسلمان نیست و احتمال مصرف مال حرام در او وجود دارد، جایز است؟

ج) اگر دقّت شود که آلودگی نداشته باشد استفاده از آنها مانعی ندارد.

۶.در هنگام تست بدن، آمپول را در داخل بدن فرو می کنند و سپس بیرون می آورند، آیا سر سوزن این آمپول پاک است؟

ج) اگر آلوده به خون نشده باشد پاک است البته اگر رطوبت بدن همراه با سوزن است احتیاطا اجتناب شود.

۷.خونی که هنگام تزریق آمپول یا سرم یا کشیدن دندان بیرون می آید، پاک است یا نجس؟ آیا می شود به وسیله پنبه الکلی محل را پاک کرد؟

ج) نجس است و محل نجس با الکل پاک نمی شود.

معاینه و درمان بیمار نامحرم

۱.در صورت مراجعه بیمار نامحرم به پزشک، وظیفه پزشک چیست؟ آیا باید موازین شرعی را رعایت کند؟ حتی اگر در صورت رعایت، معاینه کامل صورت نگیرد وامکان تجویز اشتباه وجود داشته باشد. در صورت رعایت موازین شرعی و تجویز و درمان اشتباه چه کسی مسئول است؟ با توجه به این که پزشکان متخصّص و مجرّب، بدون احتیاج به معاینات کامل ممکن است بتوانند تشخیص صحیح بدهند، آیا لازم نیست بیمار را به پزشکان متخصص ارجاع بدهند؟

ج) در صورت امکان معاینه به مقدار ضرورت و اجتناب از گناه و رعایت موازین شرعی و یا امکان ارجاع بیمار به متخصص محرم باید این کار انجام گیرد و الاّ به مقدار تشخیص ضرورت شرعی و اطمینان از عدم اشتباه می توانند معاینه کنند.

۲.از آنجایی که تخصص های علوم پزشکی بسیار زیاد است و متخصصین خانم در هر رشته، معمولاً نادر می باشند، خانم های بیمـار به پزشـک مرد مراجعه می کننـد، در این صورت وظیفه پزشک مورد مراجعه چیست؟ اگر احتمال دهـد که می توانـد با معاینات مختلف و ضروری بیماری را تشخیص دهد و درمان کند، مکلّف به انجام چنین کاری است یا باید بیمار را به پزشک خانم ارجاع دهد؟ آیا در صورت ارجاع و تأخیر در تشخیص و درمان، مسئول کیست؟

ج) در صورت مراجعه خانم بیمار به پزشک مرد، پزشک به مقـدار تشـخیص ضـرورت شـرعی می تواند معاینه کند ولی اگر پزشک خانم متخصص را بشناسد باید تذکّر به بیمار دهد و در صورت قبول بیمار او را به پزشک زن ارجاع دهد و در صورت مراجعه زن به پزشک خانم مسئولیتی متوجّه مرد نیست.

۳.اگر خانم بیماری که جانش در خطر است به تنها پزشک مرد روسـتا مراجعه کند، آیا این پزشک مجاز است هر گونه معاینه ضروری در مورد بیمار انجام دهد؟ اگر جان بیمار در خطر نباشد وظیفه پزشک چیست؟

ج) پزشک مجاز است هرگونه معاینه ای را که ضـرورت تشخیص می دهد و شرعاً برای حفظ بیمار لازم می داند انجام دهد امّا اگر معاینه خاصـی را ضـرورت تشـخیص ندهـد و آن معاینه هم مسـتلزم نگاه و یا لمس حرام باشـد نباید آن معاینه را انجام دهد.

۴.آمپول زدن توسط مرد نامحرم چگونه است؟

ج) در صورت ضرورت شرعی و نبودن محرم اشکال ندارد.

۵.در برخی از بخش های مراقبت ویژه که بیماران کُمایی بستری هستند، به جداسازی مریض های زن و مرد مبادرت نمی شود و حتی در پوشاندن این بیماران نیز توجه نمی شود، نظر حضرتعالی در چنین مواردی چیست؟

ج) لازم است در محیط بیمارستان مسئولین و دکترها و پرستارها رعایت شئون شرعی را بنمایند و هر کس نیز طبق وظیفه شرعی خود و در حدّ توان باید رعایت موازین شرعی را بنماید.

۶.حکم تماس دست های پرستار زن با بدن بیمار مرد چیست؟

ج) در غیر موارد ضروری جایز نیست و لازم است در حدّ امکان دستکش داشته باشد.

۷.آیا جایز است دکتر مرد بیمار زن را جراحی کند، در حالی که باید بدن او را لخت کنند؟

ج) اگر اضطرار شرعی باشد و امکان معاینه بیمار توسط دکتر زن نباشد، به مقدار ضرورت اشکال ندارد و اگر امکان دارد باید دستکش داشته باشد.

۸.کادر پزشکی در بیمارستان چه موقعی باید بعد از مس فردی که در حالت مرگ است غسل نماید؟

ج) در زمانی که بدن فرد میت سرد شود و غسل انجام نگرفته باشد، بعد از مس بدن آن میت باید غسل مسّ میت انجام گیرد.

۹.معاینات پزشکی که مستلزم لمس و نظر به نامحرم است چه حکمی دارد؟

ج) در غیر موارد ضرورت شرعی جایز نیست.

۱۰.همان طور که مستحضر می باشید تخصّص های علوم پزشکی بسیار زیاد است و متخصّصین خانم در هر رشته معمولاً در حال حاضر در ایران به جز در برخی رشته ها نادر و کم می باشند. بنابراین در شهرهای کوچک و بزرگ نیز باید به خاطر تعداد زیاد بیماران، و تعداد کم پزشک، به پزشک مرد مراجعه کنند، در این صورت وظیفه پزشک مورد مراجعه چیست؟

آیا اگر بتواند و یا احتمال دهد که می تواند با معاینات مختلف و ضروری بیماری را تشخیص و درمان کند، مکلّف است چنین کاری را انجام دهد و یا باید وی را به خانم پزشک ارجاع دهد؟ در شرایطی که خیلی از بیماران به دلایل فوق قادر به این کار نیستند، آیا در صورت ارجاع و تأخیر در تشخیص و درمان بیماری وی، این پزشک مسؤول نیست؟

ج) اگر مراجعه به پزشک هم جنس به سهولت امکان داشته باشد باید ارجاع داده شود ولی اگر مشقّت فراوان دارد و برای پزشک غیر هم جنس امکان معاینات بدون لمس و نظر نباشد به مقدار نیاز اشکال ندارد که خود پزشک غیر هم جنس معاینه نماید.

۱۱.آیا معاینات پزشکی برای بچّه دار شدن؛ مانند سونوگرافی، تخمک گیری، کاشت جنین در موردی که پزشک زن نباشد و یا اگر باشد، در بعضی موارد مثل «میکروایکژشن» نیاز به تخصص و مهارت خاص دارد که پزشک مرد با اطمینان بیشتر انجام می دهد و یا زمان انجام این کار پزشک زن در بیمارستان نباشد و از نظر زمانی هم نمی شود، صبر کرد تا نوبت پزشک زن شود و باید در زمان معین انجام بگیرد، آیا معالجه دکتر مرد اشکال دارد؟

ج) فقط در موارد اضطرار جایز است ولی صدق اضطرار در برخی از این موارد که ذکر شد مشکل است مگر واقعا دکتر زن نباشد و یا صبر کردن برای او ایجاد مشکلات دیگر کند.

۱۲.قرار دادن «نور و پلانت»، توسط پزشک زن که فقط سطح خارجی بازو را مشاهده می کند، چه حکمی دارد و آیا در صورت پوشیدن دست کش و پوشش کامل زن به جز محلّ عمل حدود چند سانتی متر روی بازو، پزشک مرد می تواند به این کار اقدام کند؟

ج) اگر دستکش داشته باشد و ضرورتی هم در این کار باشد اشکال ندارد.

۱۳.در صورتی که در یک زوج بنا به ادلّه ای؛ همچون خلق فرزندان ناقص الخلقه داشتن بیماری های زمینه ای که باعث خطر جانی برای زوجه گردد، به تشخیص اطبّا بالاجبار باید از حاملگی پیشگیری کند و از طرف دیگر بهترین روش پیشنهادی اطبّا نیز مستلزم لمس یا نظر است، آیا این مورد از مصادیق اضطرار است؟

ج) اگر راهی جز این نباشد ممکن است مصداق اضطرار باشد.

۱۴.در صورتی که شکم بیمار توسّط دستیاران زن باز شود، آیا پزشک مرد می تواند با دستکش به عمل بستن لوله ها بپردازد؟ با توجّه به این که نظر به پوست و ظاهر شکم صورت نمی گیرد و بیشتر داخل شکم مشاهده می گردد؟

ج) اگر اضطرار باشد اشکال ندارد.

۱۵.جهت بستن لوله ی رحمی (TL) حین عمل هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانم ها وجود ندارد و عمل از طریق شکم صورت می گیرد، آیا انجام عمل توسّط پزشک مرد مانعی ندارد؟ (با توجّه به این که لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می گیرد).

ج) لمس و نظر حرام اختصاص به عورت ندارد بلکه شکم زن را هم نمی شود لمس و نگاه نمود.

۱۶.با توجّه به پوشیده بودن بدن بیمار در روش «لاپاراسکوپی» و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپی» از منفذهای نیم تا یک سانتی متری به داخل شکم بیمار و عدم لمس و نظر، آیا پزشک مرد (با توجّه به آماده کردن محیط عمل و پوشش کامل توسّط خانم ها) می تواند به این عمل اقدام کند؟

ج) اشکال ندارد.

۱۷.چون هنگام جرّاحی در اتاق عمل، مجبور هستیم دست هایمان را تا آرنج ضدّعفونی نموده و بشوییم و در این هنگام نامحرم

نیز فراوان است و راه گریزی هم نیست تا نامحرم نبیند این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج) اگر شما ناچار هستید برای شما گناهی نیست و نامحرمان نباید نگاه کنند و اگر نگاه کنند آن ها دچار حرام شده اند.

۱۸.برادری که به دستور پزشک باید شخص دیگری او را ماساژ دهد (گاهی به وسیله دستکش و گاهی باید بدون دستکش باشد) و این کار مستلزم نگاه کردن و دست زدن به عورتین یا اطراف می باشد این امر از نظر شرعی، چه حکمی دارد؟

ج) حرام است مگر اضطراری باشد.

۱۹.آیا معاینه افراد غیر بیمار برای کنترل سلامتی، در صورت لزوم تماس یا نگاه نامحرم جایز است؟

ج) جایز نیست.

۲۰.معاینات افرادی که بیمار نیستند و یا بیماری آشکاری ندارند و برای امور مختلف (استخدام، سربازی و کارهای پژوهش و...) به پزشک معرّفی می گردند، چه حکمی دارد؟ این مسئله در مورد افراد نامحرم چگونه است؟

ج) در معاینات غیر هم جنس جایز نیست.

۲۱.این جانب «پزشک قانونی» هستم؛ در شهریور ماه، تنها پزشک قانونی قم بوده ام و پاسخگوی تمامی مراجعین (مردها و زن ها

و اجساد که دارای معرّفی نامه از نیروی انتظامی یا مراجع دیگر بوده اند) بودم. بدیهی است، برای پاسخ صحیح به نامه ها نقاط مورد سؤال در بـدن نامبردگان را دیـده و معاینه می کردم. اگر در شـرایط فوق من برای پاسـخ گویی به نامه از نیروی انتظامی در مورد انجـام شـدن لواط یا ازاله بکارت، عورت یک انسان را معاینه و پاسـخ را اعلام کرده باشم، فعل حرام انجام داده ام یا فعل جایز؟

ج) اگر از نظر کاری مجبور به این کار بوده اید اشکال نداشته ولی اگر مجبور نبوده اید کار حرامی انجام شده است.

۲۲.پزشک در درمان بیماری تا چه اندازه می تواند معاینات خود را نسبت به بیمار غیر هم جنس گسترش دهد؟

ج) در حدّ ضرورت شرعی مانعی ندارد و بیش از آن جایز نیست.

۲۳.آیا نگاه کردن و لمس پزشک قانونی یا نگاه کردن و لمس ناحیه ی شـرم گاهی توسط او برای انجام دادن وظایف، سـبب جواز آن می شود؟

ج) حرام است مگر چاره ای جز آن نباشد و ضرورت شرعی هم اقتضاء کند.

اضطرار و تشخیص مورد آن

۱.حدّ اضطرار در امور پزشکی چیست؟

ج) اضطرار به مقداری است که اگر انجام نشود موجب ضرر و زیان فراوان برای بیمار می شود.

۲.چه کسی مرجع تشخیص حدّ اضطرار است: شخص بیمار، پزشک یا دیگران؟

ج) در بعضی موارد پزشک و در بعضی از موارد عرف.

۳.آیا کمبود امکانات مکانی، لوازم، کارکنان یا دقّت بیش تر بیمار، جزو موارد اضطرار است؟

ج) در بعضی از موارد ممکن است جزء موارد اضطرار باشد و تشخیص آن بر عهده عرف مردم و یا عرف متخصص است.

۴.آیا معطّل شدن بیمار برای دریافت خدمات درمانی اضطرار است یا خیر؟

ج) اضطرار نیست مگر در مواردی که موجب تشدید بیماری و یا خوب نشدن بیمار شود.

چگونگی برخورد با بیماران

۱.بـا توجّه به این که افراد و گروه هـای بسـیاری در جهـان در حـال تحقیق هسـتند و نتایـج کار خود را اعلام می کننـد، وظیفه پزشـکان عمـل به روش هـای جدیـد است یـا قـدیم؟ بـا این توضـیح که ممکن است این گروه هـا از لحاظ علمی یا اخلاقی یا صـداقت مورد تأییـد نباشـند و مرجع واحـدی برای تأییـد تحقیق ها وجود نـدارد که سـریعاً تأیید یا عدم تأیید آن را اعلام کند وظیفه پزشک در صورت عدم اطمینان چیست؟

ج) هر پزشـکی مکلّف است به طریقی درمان کند که مطمئن است آن طریق موجب شـفای بیمار می شود و استفاده از روش های جدید اگر موجب اطمینان پزشک نباشد، نباید به آن روش عمل کند.

۲.اگر تشـخیص بیماری به درستی صورت گیرد، ولی داروی مؤثر در دسترس نباشد و یا بسـیار گران باشد و بیمار قادر به تهیه ی آن نباشد، آیا پزشک معالج ملزم به تهیه ی آن دارو به هر طریق ممکن برای بیمار می باشد؟

ج) دکتر ملزم به تهیه دارو تحت هر شرایطی برای بیمار خود نیست لکن در صورت توان این عمل بسیار نیکو و دارای ثواب عظیم است.

۳.حکم طبابت برای شخص بهائی را از نظر فقهی ذکر کنید؟

ج) شرعاً اشکال ندارد مگر موجب تقویت دین و اعتقادات آنها شود و شفای بیمار منحصر به این دکتر هم نباشد.

۴.حکم پزشک زنی که مجبور به صحبت با پزشکان مرد و معاینه مردان و لمس آنها می شود، چیست؟

ج) به مقدار ضرورت شرعی اشکال ندارد.

۵.کار طبابت ایجاب می کند که پزشکان بعضی خانم های بیمار را با دقت معاینه کنند و چون در کشورهای اروپایی در آوردن لباسهای رویی به هنگام معاینه،معمولی است آیا پرداختن به شغل پزشکی در کشورهای اروپایی و به این صورت جایز است؟

ج) در صورتی که موجب انحراف اخلاقی و فکری او نشود طبابت برای کفّار مانعی ندارد.

۶.اگر پزشک دارویی را برای بیمار تجویز کرد ولی بیمار یا ولی او به هر دلیلی قبول نکردند، آیا پزشک می تواند بیمار را رها نماید؟

ج) اگر بیمار به سخن و معاینه دکتر توجّه نکند و راهی برای معالجه بیمار نباشد اشکال ندارد.

۷.آیا طبابت پزشکانی که به دلیل تجربه کم، باعث ضرر مالی و جانی می شوند، اشکال دارد؟

ج) در صورتی که سهل انگاری صورت نگیرد طبابت مانعی ندارد امّا در صورت وارد آمدن خسارت جانی و مالی به بیمار ضامن هستند مگر برائت از ضمان بگیرد و سهل انگاری هم صدق نکند.

۸.از بیمارستان ها دانشجویان به دلیل این که باید دوره آشنایی با طبابت را عملاً بگذرانند از بیماران معاینه به عمل می آورند و قصدشان هم تعلیم امور درمانی است، لطفاً بفرمایید:

الف) در صورت عدم رضایت بیماران، می توان آنان را به معاینه مجبور کرد؟ مانند این که پزشک معالج بگوید، اگر از معالجه دانشجویان ممانعت به عمل آوری، تو را درمان نخواهم نمود.

ج) در صورت عدم رضایت بیمار حقّ سپردن معالجه به دانشجویان و اجبار بیمار را ندارند الا در صورتی که مخالفت بیمار موجب اخلال در امر آموزش شود و آموزش دانشجویان هم موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در آن و یا موجب انجام کار حرامی نشود که در این صورت رضایت بیمار شرط نیست.

ب) اگر اقدام فوق در مورد ضرورت تعلیم، بدون اشکال است، مورد ضرورت را توضیح بفرمایید.

ج) اگر زیر نظر متخصص انجام گیرد و با نظارت متخصص باشد و برای تعلیم هم ضرورت وجود داشته باشد و موجب ضرر به بیمار نباشد اشکال ندارد.

۹.آیا لزومی دارد نجس بودن وسایل مورد استفاده در مصارف پزشکی را از قبیل تخت معاینه، الکل سفید مورد استفاده یونیت و ... با توجه به امکان نجس شدن لباس و بدن بیمار به وی تذکّر دهیم؟

ج) تذکّر به بیمار واجب نیست.

۱۰.الف: ما دانشجو هستیم و کار ما این گونه است که مربّی، دو یا سه مریض را در اختیار ما می گذارد و ما موظّفیم تمام کارهای مربوط به آنان را انجام دهیم، مثل گرفتن نبض، فشار خون و درجه حرارت. و گاهی نیز باید بر بعضی از کارها نظارت داشته باشیم، مثل سُوند گذاری برای ادرار. با توجّه به این که این کارها جزء درس ما محسوب می شود و بعد از فارغ التّحصیلی، مسئول بخشی از بیمارستان می شویم که با این گونه مریض ها سروکار داریم، و با توجّه به این که احتمال دارد بیماران ما از جنس مخالف و نامحرم باشند، وظیفه چیست؟

ج) تا حد امکان باید تمهیداتی برای رعایت مماثلت(بیمار با دکتر هم جنس باشند) صورت گیرد اما در صورتی که برای انجام وظیفه درآینده، نیاز به این گونه کارها داشته باشید و امکان تفکیک جنسیتی وجود نداشته و اضطرار به یادگیری عملی نیز باشد و همچنین نگاه به بدن نامحرم موجب تهییج شهوت نباشد حرمت ندارد.

ب: ارتباط ما با همکاران، چه در محیط درس که استاد خصوصی ترین مسائل زندگی هر فرد را تشریح می کند، و کلاس ها مختلط است و چه در محیط بیمارستان که دانشجویان با هم برای معاینه مریض حاضر می شوند و با توجّه به این که همه افراد از محیط کارشان تأثیر پذیری دارند، و این روابط باعث می شود که برخوردهای بین برادران و خواهران دانشجو بدون این که هیچ نیت سویی در بین باشد، نزدیک تر شود و افراد راحت تر با هم حرف بزنند و شاید مختلط بودن کارکنان بیمارستان و بیماران زن و مرد هم مزید بر علّت باشد، آیا روابط مزبور، بدون قصد تلذّذ حرام است؟

ج) هر کسی وظیفه دارد به مقدار توان خود مراعات حدود شرعی و مسائل شرعی را بنماید و این گونه اختلاطها نباید موجب سستی در رعایت جوانب شرعی شود و به مقدار ضرورت شرعی و برای رفع حوائج کاری برخوردهای غیر حرام که مستلزم لمس و نگاه حرام نباشد مانعی ندارد.

۱۱.بسیاری از اساتید ذکر می کنند که بهترین معاینه، کامل ترین آن است و عدم توجه به این موضوع در مواردی موجب اعتراض استاد به دانشجو می شود، در حالی که با تأمل در شرایط بیمار و لزوم عمل،دانشجو تشخیص می دهد که بسیاری از معاینات ضرورتی ندارد، تکلیف او در این صورت چیست؟ با توجه به این که معاینات کامل مستلزم لمس و نگاه بیشتر به بیمار است.

ج) دانشجو موظّف است در موارد غیر ضروری از نگاه و لمس به نامحرم خودداری کند و استاد و همچنین مدیریت دانشگاه و بیمارستان لازم است نکات شرعی را رعایت

کرده و تذکّر دهند امّا در صورت اجبار استاد به دانشجو برای معاینات کامل و ضرورت دانشجو به آن حرمت ندارد.

۱۲.آتانازی که در فارسی به قتل از روی ترحّم و بیمارکشی با ترحّم تعبیر می گردد و به منظور کوتاه کردن مدّت درد و رنج بیمار لاعلاج است که براساس علم کنونی پزشکی هیچ امیدی به شفا و یا بهبودیشان وجود ندارد استفاده می شود و بر سه قسم ذیل می باشد:

نوع فعّال: که با تجویز داروی کُشنده از طرف پزشک به زندگی بیمار خاتمه داده شود؛

نوع انفعالی: به صورت خودداری از ادامه مداوا و زنده نگه داشتن بیمار محتضر؛

نوع غیر مستقیم: با قراردادن داروهایی به مقدار زیاد در دسترس بیمار تا بیمار شخصاً به زندگی پررنج خویش پایان دهد.

با این توضیحات استفاده از کدام یک از راه های فوق الذّکر بلااشکال است؟

ج) قسم اول حرام است و در قسم سوم هم اگر بداند که این داروها کشنده است نباید آن را عمدا در اختیار او قرار دهد.

۱۳.بسیاری اوقات پزشکان حقایق دردناکی را در مورد بیمار کشف می نمایند با این توضیح آیا پزشک ملزم به دادن اطّلاعاتی است که در جریان معالجه به دست آمده است؟ اگر دادن اطّلاعات

موجب شود که دنبال درمان بگردند اشکال ندارد ولی اگر موجب از بین رفتن امید می شود جایز نیست؟ افشای این اسرار به افراد نزدیک او چگونه است؟

ج) اگر موجب فتنه نشود اشکال ندارد.

۱۴.پسر جوانی با دختری می خواهد ازدواج کند، آیا پزشکی که از بیماری او (غیر از مواردی که منجر به فسخ عقد ازدواج می شود مثل دیابت، سفلِس و...) اطّلاع دارد حقّ افشای بیماری او را دارد؟

ج) پزشک حقّ اطّلاع دادن را ندارد.

۱۵.شخصی سرطان دارد و طبیب می داند هرگونه اقدام در جهت معالجه او بی فایده است اگر دکتر به بیمار و اطرافیان وی اطّلاع دهد، گرچه ضربه روحی و صدمات روانی به آنان وارد می شود، امّا هزینه فراوانی هم برای معالجه صرف نمی کنند و طبیب هم مورد اعتراض به کتمان بیماری قرار نمی گیرد، بفرمایید: با توجّه به اصراری که بیمار و بستگانش در مورد دانستن واقعیت دارند تکلیف طبیب چیست؟

ج) گفتن واقعیت به اطرافیان اشکال ندارد.

۱۶.بیمار روانیی که هر زمان احتمال دارد دست به آدم کُشی بزند، آیا پزشک می تواند او را به مقامات پلیس معرّفی نموده تا او را به نوعی از مردم دور نگه دارند؟

ج) لازم است که به مقامات پلیس معرّفی شود.

۱۷.در زمینه بیماری «ایدز» اگر فرد مبتلا از طریق ارتباط نامشروع به ایدز مبتلا شده باشد، وظیفه پزشک معالج در قبال خانواده و یـا همسـر فعلی (اگر ازدواج کرده باشـد) و یـا همسـر آینـده (اگر ازدواج نکرده باشـد) چیست؟ بـا توجّه به قـانون مجـازات اسلامی، مادّه ۶۴۸ (فصل بیسـتم) که اگر اسـرار مردم را فاش کننـد، مشـمول جرائم مقرر، در قانون خواهنـد بود، آیا سـکوت نمایـد؟ یا با دیـده ترحّم به بیمار مبتلا نگاه کنـد و او را مساعـدت نماید؟ و یا خانواده و بسـتگانش را در جریان امر قرار دهد؟ تکلیف چیست؟

ج) اگر پزشک یقین دارد که موجب در خطر قرار گرفتن همسر مبتلا می گردد باید به او تذکّر داده شود.

۱۸.اگر پزشک بداند با افشای اسـرار مریضی، حقیقتی در جامعه برای محاکم قانونی روشن می شود و جلوی بعضی از ضررها در جامعه گرفته می شود- مثلاً اگر اعتیاد فردی را به محاکم اطّلاع دهـد شـبکه موادّ مخدّر کشف و منهدم می گردد- آیا می تواند اسرار مریض را در اختیار آن ها قرار دهد؟ آیا فرقی بین درخواست محاکم و عدم درخواست آن ها وجود دارد؟

ج) چنانچه بداند که اگر این واقعیت را برای مسئولین نگوید جامعه متضرر می گردد، لازم است که اطّلاع داده شود.

۱۹.آیا پرونده ای که اسرار بیمار در آن بایگانی می شود را می توان در اختیار پزشکان دیگر غیر از پزشک معالج یا بستگان مریض قرار داد؟

ج) اگر در جهت مداوا یا آموزش استفاده شود و به پزشک دیگر داده شود اشکال ندارد ولی به بستگان مریض داده نشود مگر ضرورتی اقتضا کند.

۲۰.اگر پزشک بداند اسرار بیماری به نحوی به گوش دیگران رسیده، آیا در این صورت مجاز به افشای اسرار مریض می باشد یا نه؟

ج) در صورتی که ضرورتی اقتضا نکند افشاء اسرار بیمار جایز نیست مگر به کسانی بگوید که بدانند آنها مطلع از قضیه هستند.

۲۱.اگر مریض نارضایتی خود را از افشای مرض خود اعلام نماید، لکن ضرورت درمان اقتضا کند که نوع بیماری برای بستگانش فاش شود، وظیفه ی پزشک معالج در این صورت چیست؟

ج) اگر ضرورت اقتضا کند باید به مقدار ضرورت اکتفا کند و دراین صورت اشکال ندارد.

۲۲.ارتباط و برخورد پزشکان با بیمارانی که به بیماری های بدخیم، از جمله سرطان مبتلا هستند، باید چگونه باشد؟

ج) با توجّه به مراتب بهداشتی باید برخوردها به طوری باشد که بیمار امید به زندگی را از دست ندهد.

۲۳.آیا پزشک می تواند بیمار روانی را که احتمال دارد دست به آدم کُشی بزند به مقامات پلیس معرّفی نماید تا او را به گونه ای از مردم دور نگه دارند تا جان انسانی در معرض خطر قرار نگیرد؟

ج: اگر اطمینان از به خطر افتادن جان مردم دارد این کار اشکال ندارد

۲۴. اگر پزشک بداند که اسرار فرد بیمار به گونه ای به دیگران رسیده است، آیا در این صورت، فاش کردن اسرار آن بیمار برای وی جایز است؟

ج: گفتن این اسرار به کسانی که هنوز مطلع نیستند جایز نیست اما به افرادی که اطلاع کامل دارند مانعی ندارد

گرفتن حق الزّحمه

۱.آیا اخذ اجرت برای پزشک در حرفه پزشکی و صناعات مانند آن جایز است؟

ج) جایز است.

۲.آیا دریافت حق طبابت، قبل از بهبود بیماری (طبق روش مرسوم) صحیح است؟

ج) شرعاً اشکال ندارد.

۳.با توجه به این که حقّ طبابت (همانند حق وکالت و مواردی از این قبیل) از لحاظ مادّی، غیر قابل تعیین می باشد، به نظر حضرت عالی بهترین راه تعیین میزان حق طبابت چیست؟ آیا مقداری که دولت تعیین می کند، در هر شرایطی قابل دریافت است و پزشک مدیون نخواهد بود؟

ج) باید دریافت حقّ طبابت منصفانه باشد و اگر به مقدار منصفانه باشد و بیمار متضرّر نشود و دکتر هم به حق خود براساس تخصّص خود برسد مانعی ندارد.

۴.به نظر حضرت عالی بهترین روش برای دریافت حق طبابت چیست؟

ج) به نظر می رسد که دولت باید برای حقّ طبابت بنابر حقّ طرفین از بیمار و پزشک حقّی را منصفانه معین نماید.

۵.اگر پزشک، سعی خود را در مداوای بیمار انجام دهد ولی بیمار بهبودی نیابد، آیا پزشک نسبت به هزینه درمانی که بیمار قبلاً پرداخته (حق ویزیت) مدیون است؟

ج) مدیون نخواهد بود.

۶.مبلغی که پزشکان به عنوان حق الزّحمه عمل جراحی (که به زیرمیزی مشهور شده) از بیماران می گیرند چه حکمی دارد؟ حلال است یا حرام؟

ج) اگر بر خلاف قانون باشد دریافت آن حرام است.

روش تشخیص و درمان پزشکی

۱.اگر بدانیم یا احتمال دهیم که بیماری در اثر بیماریی مانند: سرطان به زودی خواهد مُرد، آیا مجازیم فقط برای افزایش طول عمر وی (هر چند به مدت کوتاه) روش های درمانی خطرناک و بسیار پرعارضه ای همانند شیمی درمانی را که گاهی عوارض آن شدیدتر از بیماری اولیه است برای وی تجویز کنیم؟

ج) در صورتی که تشخیص داده شود این کار به افزایش طول عمر بیمار منجر می شود و با رضایت خود بیمار باشد مانعی ندارد ولی واجب نیست.

۲.گاهی در بیماری هایی مانند: برخی عفونت های نه چندان مهم، پزشک جهت تسریع در بهبودی یا اطمینان از این که داروی تجویزی وی بسیار قوی است و در مورد خیلی از عفونت ها می تواند مؤثر باشد و یا به خاطر این که از هزینه درمان بیمار و هزینه مراجعات مکرّر وی بکاهد، اقدام به تجویز داروهایی می کند که ضررهای آنها شدید است و این در حالی است که شاید بتوان از طریق داروهای دیگری که ضرر بسیار کمتری دارند، ولی ممکن

است هزینه بیشتری برای بیمار در بر داشته باشند برای معالجه بیمار استفاده نمود. حال با چنین فرضی، بهترین کار چیست؟ انتخاب راه سریع و پرخطر یا راه کم خطر و احیاناً نامؤثر؟

ج) باید این موضوع به بیمار تذکّر کامل داده شود و عوارض آن هم بیان شود و چنانچه خود بیمار به خاطر محدودیت مالی حاضر باشد راه پُر خطر را برود شرعاً تجویز آن برای دکتر مانعی ندارد.

۳.با توجّه به این که گروه های بسیار زیادی در جهان مشغول تحقیق هستند و نتایج کار خود را دائماً اعلام می نمایند و از طرفی افراد این گروه ها ممکن است برخی از لحاظ علمی، برخی از لحاظ اخلاقی و صداقت و برخی از لحاظ هر دو مورد، کاملاً قابل تأیید نباشند، و به عبارت بهتر، هیچ تضمینی نیست که نتیجه اعلام شده تحقیق با واقعیات کاملاً منطبق باشد و از طرف دیگر هیچ مرجع واحدی در مورد تأیید یا ردّ تحقیقات وجود ندارد و یا اگر هم موجود باشد، مدّت زیادی طول می کشد که نتیجه صحیح کار ارائه شود، و در چنین شرایطی اگر نتیجه تحقیقاتی که در رسانه ها و مجلّات حتّی معتبر اعلام می شود، با روش های قبلی ما که به فایده کامل و قطعی آن ها اطمینان نداریم، مغایر باشد و یا مکمّل آن ها باشد در این صورت وظیفه ما چیست؟ عمل به روش های قبلی یا جدید؟

ج) تا زمانی که ثابت نشده باشد که روش جدید مورد تأیید است به روش قدیم باید عمل شود.

۴.آیا مقرّرات و نظامات پزشکی، با توجّه به ضررها و ضعف هایی که عملاً دارا می باشند، در عقلایی بودن و عرفیت معالجه کافی است؟

ج) همین که این مقرّرات عقلیه می باشد در عمل به آن کفایت می کند.

۵.بیمار روانی که هر زمان احتمال دارد دست به آدم کُشی بزند در صورتی که بیماری دیگری هم پیدا کرد بفرمایید:

آیا جایز است برای این که جان افرادی توسّط وی به خطر نیافتد، از درمان بیماری جدید او اعراض نموده و او را مورد معالجه قرار نداد؟

ج) در صورتی که امید بهبودی شخص بیمار روانی نیست و بیماری جدید می تواند جلوگیری کننده از این حالات باشد اعراض از معالجه اشکال ندارد.

۶.اگر دو مصدوم را برای پزشکی جهت معالجه بیاورند که هر دو آنان در شرایط خطر جانی قرار دارند و هر دو آن ها عضو خانواده ای باشند که این پزشک، طبیب خانوادگی آنان است و اقدام پزشک برای معالجه هر یک از آن دو، مستلزم رها ساختن مصدوم دیگر می باشد که در نتیجه مصدوم دیگر خواهد مُرد بفرمایید: در این جا وظیفه طبیب پرداختن به معالجه کدام یک از این دو مصدوم است؟

با توجّه به این که طبیب هیچ گونه تعهّد شرعی نسبت به معالجه اعضای خانواده مصدومی که وی پزشک آنان است نداده باشد؟

در صورتی که تعهّد شرعی نسبت به معالجه اعضای خانواده یکی از آن دو داشته باشد، حکم چگونه است؟

در صورتی که مصدوم و مجروحی که وی پزشک خانوادگی آنان می باشد، حالش بسیار سخت، ولی احتمال خطر مرگش نسبت به مصدوم دیگر کم تر باشد در این صورت وظیفه طبیب چیست؟

ج) اگر هر دو مانند همدیگر هستند و احتمال خطر برای هر دو یکسان است پزشک مخیر است که هر کدام را معالجه نماید و تفاوتی بین تعهد و عدم تعهد نیست و واجب است که به معالجه بپردازد و در صورتی که احتمال خطر برای یکی بیشتر است باید اوّل آن فردی که خطر بیشتری متوجّه اوست مورد معالجه قرار گیرد.

۷.لطفاً نظرتان را در خصوص کاربرد علم «هیپنوتیزم» در علوم پزشکی و درمان بیماری های قابل علاج با این روش ابراز فرمایید؟

ج) اگر اضطراری به استفاده از این علم باشد اشکال ندارد و الا جایز نیست.

۸.با توجه به این که مقرّرات و قوانین نظام پزشکی، ضعف و زیان هایی در عمل دارد، آیا به گونه ی عقلایی و عرفی پرداختن به درمان با آن مقرّرات کافی است و تکلیفی بر عهده ی پزشک نمی آورد؟

ج) اگر پزشک بتواند وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد و مع ذلک مخالفت با قانون نظام پزشکی هم نداشته باشد باید انجام دهد.

۹.اگر دو مصدوم را برای درمان نزد پزشکی بیاورند و هر دو در معرض خطر جانی قرار داشته باشند، چنانچه یکی از آن دو، عضو خانواده ای باشد که این شخص پزشک خانوادگی آنان است و اقدام پزشک برای درمان هر یک از آن دو، مستلزم رها ساختن مصدوم دیگر است که در نتیجه، مصدوم دیگر خواهد مُرد.با این توضیح، پرسش های زیر به ذهن می آید:

وظیفه ی پزشک، پرداختن به درمان کدام یک از دو مصدوم است؟

ج) هر کدام که اهمیت بیشتری دارد باید او درمان شود.

۱۰.وظیفه ی پزشک در صورتی که نسبت به درمان اعضای خانواده ی مصدوم- که وی پزشک آنان است- هیچ گونه تعهّد شرعی نداده باشد چیست؟

ج) تعهد صورت مسأله را پاک نمی کند لذا اگر شخص بتواند معالجه کند باید درمان کند مخصوصا اگر فرد بیمار دارای اهمیت اجتماعی باشد.

۱۱.در صورتی که نسبت به درمان اعضای خانواده ی یکی از آنان دو تعهّد شرعی داده باشد، وظیفه ی وی چیست؟

ج) تعهد وظیفه دکتر را سنگین تر میکند اما در غیر این صورت هم اگر بتواند باید بیمار را معالجه کند.

۱۲.بـا توجّه به کمبود امکانـات در بیمارسـتان هـای کشور و محـدودیت تعـداد تخت هـا در بخش های ویژه ی بیمارسـتان ها، اشـغال تخت توسـط بیمـاری که شـانس کم تری برای بهبود دارد اگر باعث پـذیرش نشـدن و در نتیجه مرگ بیماری شود که احتمال بیش تری برای زنده ماندن دارد، چه حکمی دارد؟

ج) باید طوری انجام شود که بیماری که امکان نجات او بیشتر است مورد درمان و استفاده از تخت قرار بگیرد.

۱۳.تشخیص «زیان اهمّ» در امور پزشکی چگونه است؟

ج) به عهده متخصصین در آن فن می باشد.

۱۴.در فرمول برخی از شـربت هـای تقویتی یا سـینه ی بزرگ سالان و کودکان، الکل طبّی (مست کننـده) به کار رفته است. با توجّه به این که هیچ یک از آن ها چاره ی نهایی نیست، تجویز یا فروش آن در داروخانه چه حکمی دارد؟

ج) در صورتی که از مواد خمر و مست کننده استفاده شود تجویز آن در صورتی که منحصر به آن نباشد حرام است.

۱۵.«الکـل اتیلیـک» که از منـابع تخمیری، شـیمیایی و صـنعتی گرفته می شـود و در پزشـکی و داروسـازی به صورت موضـعی (زُداینـده، خشک کننـده، ضـدّعفونی کننـده) و خوراکی- اعم از این که خوردن آن جنبه ی دارویی داشـته باشـد؛ مانند: سـم زدایی متانول یا به صورت جزیی یا فرعی در یک فرآورده ی مایع دارویی به

عنوان حلّال یا محافظ وارد شده باشد- استفاده می شود، با توجّه به این که در تهیه ی مواد اوّلیه در بسیاری از موارد از الکل استفاده می شود، حکم مصرف آن چیست؟

ج) استفاده از الکل صنعتی که خاصیت مست کنندگی ندارد، اشکال ندارد.

۱۶.با توجّه به این که برخی از داروهای ضروری و حیاتی از منابع حرام یا نجس؛ مانند: اعضای انسان یا حیوان تهیه می شود و این گونه داروها به شیوه ی معمول از کشورهای خارجی و غیر مسلمان وارد می شود، حکم شرعی مصرف این گونه داروها و نیز معامله ی آن چیست؟ همچنین ژلاتین وارداتی، کپسول هایی که به گونه ی غالب از روده ی خوک یا گوسفند به ذبح غیر شرعی تهیه می شود، چه حکمی دارد؟

ج) اگر مصرف کننده در بازار مسلمانان خریداری می کند مصرف آن اشکال ندارد حتی اگر بداند که وارداتی است مگر یقین کند که از حیوان حرام گوشت تهیه شده است البته اگر معالجه منحصر به آن باشد استفاده آن از باب ضرورت اشکال ندارد.

۱۷.اگر بیمار برای درمان خود نیاز ضروری به خوردن و آشامیدن چیز حرام یا نجس داشته باشد، آیا خوردن و آشامیدن چنین چیزی برای او حرام است؟

ج) اگر منحصر در آن باشد اشکال ندارد.

ص:۵۵

آزمایشات و احکام آن

اشاره

آزمایش و آزمایشگاه

۱.بعد از انتقال تخم لقاح یافته تعدادی از آنها در آزمایشگاه باقی می ماند حکم استفاده از آنها برای زن و شوهر نازای دیگر و یا دور ریختن آنها یا انجام کارهای آزمایشگاهی دیگری مانند مطالعات ژنتیک بر روی آنها چیست؟

ج) چون غالبا صاحبات تخمک و اسپرم اعراض از اینها میکنند لذا نگهداری برای انجام کارهای آزمایشگاهی اشکال ندارد ولی برای زن و شوهر نازا استفاده جایز نیست.

۲.در بعضی از بیمارستان ها برای این که بفهمند انسان بچّه دار می شود یا نه از مرد می خواهند که با عمل استمناء مَنی خودش را در اختیار آزمایشگاه قرار دهد آیا این کار جایز است یا خیر؟

ج) این کار حرام است مگر با دست همسر این کار را انجام دهد یا اضطراری بر این کار باشد

۳.در کارآزمایی بالینی، ارزیابی اثرها و عوارض دارویی و یا روش های تشخیصی و درمانی و پیشگیری بر روی انسان ها، این چنین استنباط می شود که در مواردی که حفظ نظام و نیاز جامعه منوط به آن می شود، فرد مجاز است داوطلبانه یا در قبال دریافت وجوهی خود را در اختیار مراکز تحقیقات قرار دهد. نظر حضرت عالی در این مورد چیست؟

ج) اگر عرفاً این گونه کارها ضرر زدن به خود محسوب می شود، حرام است.

۴.معمولاً ـ روی انسان آزمایش های طبّی گوناگونی که گاه خطرناک هم می باشد برای کسب اطّلاعات بیشتر پزشکی در جهت تشخیص امراض و درمان آن ها انجام می دهند. بفرمایید:

اگر بیماری یقین داشته باشد که چنانچه خود را در معرض چنین آزمایش هایی قرار دهد به استقبال خطرهای جانی برای خود رفته است ولی از طرفی هم به پیشرفت علم پزشکی و هم به معالجه و مداوای جامعه مسلمانان در آینده کمک نموده است. آیا خود را در معرض چنین آزمایش هایی قراردادن جایز است؟

ج) جایز نیست.

اگر ضرر جانی محتمل باشد ولی کمک به علم پزشکی فوق الذّکر قطعی، آیا در این صورت می تواند خود را در معرض آزمایش قرار دهد؟

ج) اگر احتمال قوی به ضرر داشته باشد جایز نیست و الا مانعی ندارد.

اگر به ضرر جانی برای خود هیچ گونه آگاهی نداشته باشد و فایده آزمایش هم برای کمک فوق الذّکر محتمل باشد، چه حکمی دارد؟

ج) حکمی ندارد زیرا غافل است.

اگر فایده آزمایش ها به سود تمامی افراد بشر باشد، بفرمایید حکم خود را در معرض قراردادن در صورت علم به ضرر یا احتمال ضرر و یا عدم علم به ضرر چه خواهد بود؟

ج) اگر بشود از انسان کافر و مهدورالدّمی استفاده کرد باید از این فرد استفاده کرد.

در صورتی که آزمایش های فوق برای اهداف فوق الذّکر هیچ گونه ضرری برای بیمار نداشته باشد، آیا طبیب بدون اطّلاع به بیمار و بدون کسب اجازه از او می تواند چنین اقدامی نماید؟

ج) بنابر احتیاط بدون اطّلاع جایز نیست.

اگر در صورت ضرورت، انجام چنین آزمایش هایی جایز باشد، چگونگی آن ضرورت را بیان نمایید.

ج) به صورتی که اگر این آزمایش انجام نشود مرگ انسان معینی اتّفاق می افتد در این صورت امکان آزمایش آن هم در صورتی که به ضرر جانی نرسد اشکال ندارد.

۵.آزمایش هایی که جهت پیشرفت علم پزشکی بر روی حیوانات انجام می شود، و باعث مرگ آن ها می شود، صرف نظر از ضمان، آیا چنین کاری برای پیشرفت علم پزشکی جایز است؟

ج) اشکال ندارد.

۶.گاهی پیشرفت علم پزشکی منحصر به انجام آزمایش هایی بر روی انسان است که در برخی موارد خطرناک نیز می باشد، با توجّه به این نکته، حکم مسائل زیر چیست:

اگر بیمار یقین داشته باشد که با قرار گرفتن در معرض چنین آزمایش هایی به استقبال خطرهای جانی رفته، ولی از طرفی هم به

پیشرفت علم پزشکی و هم به درمان جامعه ی مسلمانان در آینده کمک نموده، آیا جایز است خود را در معرض چنین آزمایش هایی قرار دهد؟

ج) جایز نیست و باید از غیر مسلمان و مهدورالدم استفاده شود.

۷.اگر زیان جانی احتمال داده شود، ولی کمک به علم پزشکی یاد شده قطعی باشد. آیا در این صورت می تواند خود را برای انجام این آزمایش ها در اختیار پزشک قرار دهد؟

ج) اگر در حد احتمال کم باشد اشکال ندارد.

۸.اگر فایده ی آزمایش ها به سود همه ی افراد بشر- دوست و دشمن- باشد، آیا می تواند چنین آزمایش هایی را بپذیرد، با نظر به این دو فرض که آگاهی از زیان یا احتمال آن داشته یا آگاهی نداشته است؟

ج) در صورت آگاهی جایز نیست و باید از غیر مسلمان و مهدورالدم استفاده شود و در صورت عدم آگاهی فرد غافل است و غافل حکمی ندارد.

۹.در صورتی که آزمایش برای اهداف یاد شده هیچ گونه زیانی برای بیمار نداشته باشد، آیا پزشک بدون آگاهی وی و کسب اجازه از او می تواند چنین اقدامی نماید؟

ج) بنابر احتیاط جایز نیست.

۱۰.آیا آزمایش هایی که برای پیشرفت علم پزشکی بر روی حیوانات انجام می شود و باعث مرگ آن ها می گردد- صرف نظر از ضمان- جایز است؟

ج) اگر ضرورت پزشکی اقتضاء کند اشکال ندارد.

باروری، جلوگیری از زایمان

اشاره

تلقیح (باروری مصنوعی)

۱.آیا قرار دادن نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه فی نفسه جایز است؟ و آیا این عمل شبیه به عمل زنا نیست؟

ج) این عمل جایز نیست ولی حکم زنا را ندارد.

۲.در مواردی که مرد به علّتی قادر به تولید اسپرم نباشد آیا می توان از اسپرم مردی اجنبی جهت امتزاج نمودن با تخمک همسرش در آزمایشگاه استفاده نمود تا پس از تشکیل جنین آن را به رحم خانم بیمار منتقل کرد تا پس از وضع حمل مولود توسط بیمار و همسرش نگهداری شود؟ ضمناً آیا می توان اسپرم مرد اجنبی را با تخمک همسر بیمار در آزمایشگاه ممزوج نکرد بلکه مستقیما به داخل رحم همسر بیمار تلقیح نمود تا جنین در همانجا تشکیل شود؟

ج) چنین عملی از نظر ما شرعاً جایز نیست.

۳.چنانچه جنینی در حالت علقه یا مضغه به رحم زن دیگری منتقل شود فرزند متعلق به زن اوّلی است یا دوّمی و بر فرض اوّلی، زن دوّم در موارد غیر همجنس محرم است یا نه؟

ج) این جنین متعلّق به زن صاحب تخمک است (زن اوّل) و زن دوّم که جنین را پرورش داده است در حکم مادر رضاعی است.

۴.از آنجایی که در انجام لقاح آزمایشگاهی، جهت آبستنی مصنوعی، گرفتن اسپرم (نطفه) از شوهر و نیز برداشت تخمک از تخمدان زن ضرورت دارد، نظر مبارک حضرت عالی در موارد ذیل چیست؟

الف) برداشت تخمک از تخمدان زن با هدایت سونوگرافی (یعنی دستگاه تصویربرداری با کمک امواج ماوراء صوت) از طریق مهبل (واژن) زن، که این کار توسط متخصص زنان و در اتاق عمل تحت شرایط کاملاً استریل (بهداشتی) و با ضرورت نگاه به عورت زن انجام می پذیرد.

ج) خود عمل اشکال ندارد ولی نگاه کردن به عورت زن حرام است و لذا اگر می شود که نگاه نکنند و لمس هم انجام نشود اشکال ندارد.

ب) برداشت تخمک با هدایت سونوگرافی، ولی از طریق لاپاراسکوپی (یعنی بازکردن شکاف کوچک در جدار شکم (که مستلزم نگاه به عورت زن نمی باشد). شایان ذکر است در سال های اخیر به خاطر پرخطر و پرهزینه بودن، از این روش استفاده نمی شود.

ج) اگر خطرناک باشد جایز نیست.

۵.به نظر حضرت عالی انجام تلقیح مصنوعی از نظر شرعی چه صورتی دارد؟ و آیا چنین فرزندی به خانواده یاد شده ملحق می شود یا خیر؟ آیا در صورت ملحق شـدن، چنین فرزندی از ارث (ماترک متوفی) برخوردار می گردد یا خیر؟ با توجّه به این که پـدر خانواده یک روز قبل از انجام تلقیـح فوت نموده و نطفه یک روز بعـد از فوت منعقـد گردیده و نُه ماه بعد نیز متولّد شده است؟

ج) تلقیـح مصـنوعی اگر از شوهر به زن انجـام شود اشـکال نـدارد در صورتی که مسـتلزم لمس و نظر حرام نباشـد و تمـامی نسـبت ها و حقوق بین پـدر و مادر و فرزنـد وجود دارد و اشـکال نـدارد نطفه پدر بعد از فوت هم تلقیح شود ولی از پدر ارث نمی برد.

۶.عدّه ای از بیماران زن به علّت اشکال در تخمدان ها و یا موارد مربوط به آن قادر به تخمک سازی و یا آزاد نمودن تخمک جهت لقـاح نیسـتند و در نتیجه نـازا می باشـند، در حالی که رحم آن ها اشـکالی نـدارد و می توانـد جنین در آن قرار گرفته و رشـد نمایـد، آیا همسـر این خانم می تواند زنی را صـیغه کند و تخمک از این زن صـیغه ای گرفته و با اسپرم شوهرش ممزوج شود و جنین حاصله به رحم زن دائمی منتقل گردد و پس از زایمان توسط زن و شوهر دائمی نگهداری و بزرگ شود؟

ج) در صورتی که مستلزم لمس و نظر حرام نباشد اشکال ندارد.

۷.این جانب به طور مادرزادی فاقد رحم هستم. پزشکان گفته اند باید از رحم استیجاری استفاده نمایم، بدین نحو که: اسپرم همسرم را با تخمک من در آزمایشگاه ممزوج نموده و جنین حاصله را در رحم زن دیگری قرار دهند، می خواستم بدانم که اولاً: این کار از جهت شرعی معنی دارد یا نه؟ ثانیاً: حکم زنی که رحمش توان نگهداری جنین را دارد چیست؟ ثالثاً: آیا این زن باید دارای همسر باشد یا نه؟ رابعاً: آیا این زن، خواهر خودم یا خواهر همسرم می تواند باشد یا خیر؟ خامساً: آیا کودک به وجود آمده فرزند پدر و مادر محسوب می شود یا نه؟

ج) ۱. جایز نیست مگر این خانم دوّم همسر شوهر شما باشد.

۳ و ۴. جایز نیست گر چه در صورت انجام این عمل این خانم حکم مادر رضاعی را دارد.

۵. در صورتی که خانم دوّم همسر شوهر شما باشد فرزند به دنیا آمده فرزند شما و همسرتان و از نظر حکمی هم نسبت به آن خانم مادر رضاعی محسوب می شود.

۸.در کشورهای غربی بانک اسپرم وجود دارد که مَنی مردها را در مراکزی نگهداری می کنند و اگر مردی نازا باشد از مَنی مرد بیگانه به همسر او تزریق می کنند و آن ها صاحب فرزند می شوند، آیا این کار از نظر اسلامی اشکال دارد؟ اگر ممنوع است به چه دلیل؟ اگر مسلمانی ناآگاهانه مرتکب شود، فرزند او چه حکمی دارد؟ حکم آگاهانه چنین عملی چیست؟

ج) جایز نیست و باید مَنی همسر در رحم زن قرار بگیرد ولی اگر ناآگاهانه یا آگاهانه انجام شود فرزند به دنیا آمده متعلّق به مادر است و در صورتی که صاحب مَنی معلوم باشد پدر او هم این مرد است.

۹.وارد نمودن نطفه لقاح یافته پدر و مادر مجهول الهویه، در رحم زن مسلمان با رضایت شوهرش، چه حکمی دارد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۱۰.وارد نمودن مَنی مردی مجهول الهویه از طریق عمل جرّاحی و تلقیح مصنوعی به روش های پزشکی در رحم زن مسلمانی که شوهرش عقیم می باشد و شوهرش نیز راضی به این عمل است چه حکمی دارد؟

ج) جایز نیست.

۱۱. از نظر علمی هرگاه مردی فوت نماید تا مدّت محدودی می توان نطفه او را به رحم زنی منتقل کرد و وی را بارور نمود بفرمایید:

الف) انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه چه حکمی دارد؟

ج) تا قبل از تمام شدن عدّه زن اشکال ندارد البته به شرط آنکه موجب لمس و نظر حرام نباشد.

ب) احکام مربوط به ولد را از نظر طهارت و ارث و... بیان فرمایید؟

ج) از تمامی جهات فرزند متعلق به این مرحوم و این زن می باشد و فقط از پدر ارث نمی برد.

۱۲. انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زن اجنبیه چه حکمی دارد؟

ج) جایز نیست.

۱۳.در صورتی که نازایی زنی به خاطر رحم او باشد و پزشکان تصمیم بر تعویض رحم او بگیرند و چنین عملی صورت پذیرد و زن حامله و بچّه دار گردد حکم فرزند او چیست، در ضمن در صورتی که رحم همراه تخمدان تعویض گردد، حکم چیست؟

ج) بعد از آن که پیوند حاصل شد و بدن زن پیوند را قبول کرد جزء بدن او محسوب می شود و لذا نطفه منعقد شده در این رحم متعلّق به این زن و شوهرش می باشد و تمامی احکام از ارث و محرمیت و امثال آن بر آن مترتب می شود.

۱۴.آیا وارد نمودن اسپرم مرد بیگانه در رحم زن در صورتی که شوهر وی عقیم باشد حرام است؟

ج) جایز نیست.

۱۵. زنی به خاطر وجود اشکال در تخمدان، توان تخمک سازی یا آزاد نمودن تخمک برای لقاح را ندارد و در نتیجه نازاست، در حالی که رحم او اشکالی ندارد و جنین می تواند در آن رشد نماید. اگر شوهر او زنی را صیغه کند، آیا می توانند تخمک را از زن صیغه ای بگیرند و با اسپرم شوهر وی بیامیزند و جنین به دست آمده را به رحم زن دائمی او منتقل سازند و پس از زایمان، بچّه توسط زن و شوهر دائمی نگه داری شود؟

ج) با فرض فوق اشکال ندارد اگر از نظر لمس و نظر حرام مراعات گردد و بچّه متعلّق به شوهر است و زن صاحب رحم حکم مادر رضاعی او را دارد.

۱۶.پزشک متخصّص تشخیص داده است که تخمک زنی ضعیف است و باید با تخمک زنی دیگر تقویت شود تا بچّه دار شود. آیا تلقیح تخمک زن بیگانه به زن دیگر برای تقویت آن جایز است یا خیر؟ و اگر زن پس از تلقیح، بچّه دار شود، بچّه ی متولّد شده به کدام یک از این دو زن تعلّق دارد؟

ج) در صورتی که شوهر این خانم آن زن بیگانه را به عقد موقّت خود درآورد و بعد تخمک از او گرفته شود و با تخمک همسر خود تقویت شود اشکال ندارد. و بچّه متولّد شده به زن صاحب تخمک و رحم متعلّق است مگر یقین شود که از تخمک هر دو بچّه متولّد شده باشد که متعلّق به هر دو می باشد.

۱۷. وارد نمودن اسپرم مرد اجنبی که در «بانک اسپرم» نگه داری می شود؛ خواه زن و شوهر او را بشناسد و خواه نشناسند، از راه تلقیح مصنوعی در رحم زن مسلمانی که شوهر وی عقیم است با رضایت شوهر خود چه حکمی دارد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۱۸. وارد نمودن نطفه ی لقاح یافته ی پدر و مادر ناشناس در رحم زن مسلمان با رضایت شوهر وی چه حکمی دارد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۱۹.آیا بر پایه ی شریعت اسلامی، بارور کردن زن با اسپرم منجمد شده ی شوهر وی که فوت کرده است اشکال دارد؟ اگر زنی از

شوهر خود طلاق گرفته باشد امّا با مرد دیگری ازدواج نکرده باشد چطور؟

ج) قبل از اتمام عدّه اشکال ندارد ولی بعد از اتمام عدّه خلاف احتیاط است و اگر زن از شوهر طلاق گرفته باشد نمی تواند از اسپرم او برای بارداری استفاده کند.

۲۰.در صورتی که نازایی به خاطر رحم زن باشد و پزشکان تصمیم به عوض کردن رحم او بگیرند و چنین کاری صورت پذیرد و زن، حامله و بچّه دار شود، حکم فرزند او چیست؟ در ضمن در صورتی که رحم همراه تخمدان تعویض شود چطور؟

ج) با فرض مذکور در هر دو صورت بچّه متعلّق به این زن و شوهرش می باشد.

۲۱. شبیه سازی (کلوناسیون) با چه شرایطی جایز است؟ به عنوان نمونه، اگر از راه موادی از پوست خودِ زن باعث پیدایش جنینی در او شوند که از هر جهت شبیه به خود اوست- مانند کاری که روی حیوانات برای اولین مرتبه در انگلستان انجام شده- این کار جایز است؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۲۲. این جانب در صدد ترجمه ی کتابی برآمده ام که موضوع آن درباره ی راه انتخاب جنسیت فرزند است. در این روش که به «روش دکتر شیتلز» معروف است با استفاده از پیدا کردن زمان

تخمک گذاری زنان در اواسط چرخه ی قاعدگی- یعنی وقتی که سلول نطفه ی زن از تخمدان رها می شود و به سوی رحم روانه می شود- و سفارش به نزدیکی در همان زمان برای پسر شدن یا دو سه روز پیش از آن برای دختر شدن نتایج مطلوبی در حدود هشتاد تا نود درصد موارد به دست آمده است. با توجّه به این که در روایت ها و احادیث ائمّه ی اطهار: در زمینه انتخاب جنس فرزندان اشاره هایی آمده است دنبال نمودن چنین تحقیق و بهره گیری از آن حتّی در سطح عموم از نظر شرعی چگونه می باشد؟

ج) اشکال ندارد زیرا این امور قطعی نیست و احتمالی است.

۲۳.حکم رحم اجاره ای در مورد زنی که شوهر دارد چیست؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۲۴.آیا لقاح آزمایشگاهی در صورتی که اسپرم و تخمک از زن و شوهر شرعی باشد، جایز است؟

ج) در صورتی که موجب نظر و لمس حرام نباشد اشکال ندارد.

بر فرض جواز، آیا جایز است این کار توسّط پزشکان نامحرم صورت بگیرد؟ و آیا فرزندی که از این طریق به دنیا می آید ملحق به زن و شوهری است که صاحب اسپرم و تخمک هستند؟

ج) انجام این کار توسط نامحرم اگر موجب لمس و نگاه حرام باشد جایز نیست ولی فرزند ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است.

ج) اگر موجب نظر و لمس حرام باشد جایز نیست ولی بر فرض انجام این کار فرزند به دنیا آمده ملحق به صاحب تخمک و اسپرم است.

۲۵.گاهی بعضی از زوج ها به علّت عدم تخمک گذاری در زن که وجود آن برای عمل لقاح ضروری است، مجبور به جدایی شده و یا به علّت عدم امکان درمان بیماری و بچّه دار نشدن، با مشکلات زناشویی و روحی مواجه می شوند، آیا در این صورت جایز است که به روش علمی از تخمک گذاری زن دیگری برای انجام عمل لقاح با نطفه شوهر در خارج از رحم استفاده شود و سپس نطفه لقاح یافته به رحم آن زن منتقل گردد؟

ج) به نظر ما این کار مشروعیت ندارد مگر اینکه زن دیگر هم همسر این مرد باشد و موجب نگاه و لمس حرام هم نباشد.

۲۶.اگر نطفه از شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش لقاح شده و سپس به رحم او منتقل شود،

اولاً: آیا این عمل شرعاً جایز است؟

ج) اگر قبل از اتمام عدّه باشد و موجب نظر و لمس حرام نباشد اشکال ندارد.

ثانیاً: آیا کودکی که متولّد می شود فرزند آن مرد است و از نظر شرعی به او ملحق می شود؟

ج) بله ملحق به همان مرد است.

ثالثاً: آیا فرزندی که به دنیا می آید از صاحب نطفه ارث می برد؟

ج) ارث نمی برد.

۲۷.آیا تلقیح نطفه مردی نامحرم به همسر مردی که بچّه دار نمی شود، از طریق قراردادن نطفه در رحم او جایز است؟

ج) به نظر ما مشروعیت ندارد.

۲۸.اگر زن شوهرداری به علّت یائسگی یا غیر آن تخمک گذاری نکند؛

آیا جایز است تخمکی از زن دوّم شوهر بعد از تلقیح با نطفه شوهر به رحم زن اوّل او منتقل شود؟

ج) اگر موجب نظر و لمس حرام نباشد اشکال ندارد.

آیا در این مورد تفاوتی هست بین این که او یا زن دوّم، همسر دائم باشند یا موقّت؟

ج) تفاوتی نمی کند.

کدامیک از دو زن مادر کودک خواهند بود؟ صاحب تخمک یا صاحب رحم؟

ج) صاحب تخمک مادر طفل است و صاحب رحم حکم مادر رضاعی را دارد.

آیا این عمل در صورتی که نیاز به تخمک همسر دیگر به خاطر ضعف تخمک زن صاحب رحم باشد به حدّی که در صورت لقاح نطفه شوهر با آن، خوف این وجود داشته باشد که کودک معیوب متولّد شود، نیز جایز است؟

ج) اگر موجب نظر و لمس حرام نباشد جایز است.

۲۹.آیا در صورت های ذیل تلقیح زن با نطفه شوهرش که از دنیا رفته، جایز است؛

بعد از وفات شوهر ولی قبل از انقضای عدّه؟

ج) اشکال ندارد.

بعد از وفات او و بعد از انقضای عدّه؟

ج) جایز نیست.

اگر آن زن بعد از فوت شوهرش با مرد دیگری ازدواج نماید، آیا جایز است خود را با نطفه شوهر اوّلش تلقیح کند؟

ج) جایز نیست.

آیا در صورت فوت شوهر دوّم، جایز است خود را با نطفه شوهر اوّلش بارور کند؟

ج) جایز نیست.

۳۰.امروزه می توان تخمک هایی را که در خارج از رحم بارور شده اند در مکان های مخصوصی به طور زنده نگهداری کرد و در صورت نیاز آن ها را در رحم صاحب تخمک قرار داد، آیا این کار جایز است؟

ج) در صورتی که موجب لمس و نظر حرام نگردد اشکال ندارد.

جلوگیری از بارداری

۱.جلوگیری از بارداری به وسیله بستن لوله رحم چه حکمی دارد؟

ج) اگر جلوگیری با بستن لوله به صورت دائمی باشد شرعاً جایز نیست و الّا به صورت موقّت مانعی ندارد به این معنا که هر زمان خواسته باشند بتوانند لوله را باز نمایند حتی اگر عملا هیچ وقت نخواسته باشند آن را باز کنند ولی همین مقدار که امکان باز شدن باشد برای جواز کافی است.

۲.آیا شوهر می تواند زن را مجبور به حامله شدن کند؟

ج) اگر حامله شدن موجب عسر و حرج برای زن باشد جایز نیست که زن را مجبور به حاملگی نماید لکن زن نباید به گونه ای رفتار کند که حق مرد نیز ضایع شود لذا اگر زن هیچگاه تمایلی برای بچه دار شدن با وجود سلامت بدن نداشته باشد مرد حق اجبار دارد.

۳.نظر حضرت عالی در مورد نفس کنترل جمعیت و نیز شیوه های آن در شرایط کنونی جامعه اسلامی چیست؟

ج) به نظر ما وجاهت شرعی ندارد و از لحاظ فرهنگی و در دراز مدت نیز موجب تبعات منفی خواهد بود.

۴.زن هایی که به ضعف اعصاب و بیماری های گوناگون دچارند- که حاملگی باعث تشدید آن است- آیا می توانند «کورتاژ» کنند؟ آیا رضایت زن و شوهر برای جلوگیری از بارداری از هر راهی لازم است؟

ج) کورتاژ حرام است و برای جلوگیری از بارداری از راههایی که شرعاً جایز نیست رضایت زن و شوهر لازم است.

۵.کپسول هایی وجود دارد به نام «نور پلانت» که در زیر پوست کاشته می شود، که بیشتر زیر پوست قسمت خارجی فوقانی بازو کاشته می شود و این یکی از روش های جلوگیری از بارداری است آیا این عمل شرعاً جایز است؟

ج) اگر ضرر و زیان قابل توجهی نداشته باشد اشکال ندارد.

۶.پیشگیری از حاملگی و کنترل جمعیت راه های مختلف دارد؟ آیا افراد با اطّلاع از روش ها و عوارض هر یک از آن ها می توانند داوطلبانه انتخاب نمایند؟

ج) اگر موجب ضرر و زیان به اجتماع نشود و موجب لمس و نگاه حرام نامحرم هم نشود شرعا گناه ندارد اما توصیه نمی شود.

۷.با توجّه به این که بین پزشکان اختلاف است که ابزار درون رحمی (که برای جلوگیری از بارداری به کار می روند) ممانعت از انعقاد نطفه می کنند یا این که بعد از انعقاد نطفه (ترکیب سلول جنسی نر با سلول جنسی مادّه) در لوله های رحم از لانه گزینی آن در جدار رحم جلوگیری کرده موجب دفع نطفه می گردند بفرمایید:

اگر انسان یقین به کیفیت دوّم (دفع نطفه بعد از انعقاد) داشته باشد استفاده از آن ها چگونه است؟

ج) اگر موجب عقیم شدن دائمی شود جایز نیست و دیه دارد.

اگر انسان شکّ بین دو کیفیت فوق داشته باشد چطور؟

ج) اگر موجب عقیم شدن دائمی نشود و یا شک داشته باشد اشکال ندارد.

۸.چنین مرسوم است که زنان برای جلوگیری از بارداری ناخواسته و سقط جنین هایی که خطر مرگ دارد با رضایت شوهر از مواد و وسایلی مانند: قرص، آی - یو- دی و کلاهک دیافراگم و کرم و ژله، و آمپول که عمل آنان نهایتاً ممانعت از انعقاد نطفه می باشد، استفاده می کنند و مردان با رضایت همسران از کاندوم (پوشش پلاستیک) و روش عزل بهره می گیرند، مستدعی است حکم شرعی موارد مذکور را مرقوم فرمایید؟

ج) اگر موارد مذکور ضرر و زیان قابل اعتنایی نداشته باشد و موجب لمس و نظر حرام یا عقیم شدن دائمی نباشد اشکال ندارد گر چه در مجموع عمل پسندیده ای نیست.

۹.با توجّه به این که برای گذاشتن آی- یو- دی در حال حاضر لمس و نظر صورت می گیرد، آیا انجام این عمل توسّط پزشک زن جایز است؟

ج) جایز نیست مگر ضرورت و اضطراری اقتضا کند.

۱۰.آیا منظور از لمس، لمس مستقیم پوست با بدن بیمار است یا در صورتی که دست پزشک با دستکش طبّی پوشیده شده باشد، لمس محسوب نمی شود؟

ج) لمس محسوب نمی شود.

۱۱.زن هایی که با داشتن پنج تا دوازده فرزند برای جلوگیری از آبستنی تقاضای تجویز قرص های ضدّ حاملگی یا گذاشتن وسیله درون رحم می نمایند، آیا خوردن قرص و قراردادن وسیله، جایز است یا نه؟

ج) اگر موجب عقیم شدن دائمی نشود اشکال ندارد.

زن هایی که با داشتن پنج فرزند به بالا نمی توانند از وسایل عادی ضدّ حاملگی مثل قرص و... استفاده کنند، آیا می توانند با بستن لوله های رحم از آبستنی جلوگیری کنند؟

ج) اگر موجب عقیم شدن دائمی نشود و یا موجب لمس و نگاه حرام نشود اشکال ندارد و الا جایز نیست.

زن هایی که مبتلا به بیماری های مختلف مثل پارگی شکم، بیماری کلّیه و قلب هستند که با حاملگی منافات دارد و سبب تشدید بیماری آن ها می گردد، آیا می توانند با بستن لوله های رحم از حاملگی پیش گیری کنند؟

ج) اگر اضطرار صدق کند و مجبور باشند اشکال ندارد.

زن هایی که به ضعف اعصاب و بیماری های مختلف که حاملگی موجب تشدید آن ها است، دچارند آیا می توانند «کورتاژ» کنند آیا رضایت زن و شوهر برای جلوگیری از آبستنی به هر طریق لازم است؟

ج) کورتاژ جایز نیست ولو با رضایت شوهر ولی جلوگیری از حاملگی با رضایت شوهر اشکال ندارد.

۱۲.بعضی از مردان در موقع انزال، مَنی خود را درون رحم نمی ریزند و یا از کاندوم استفاده می کنند آیا شرعاً مسئولیت دارند یا نه؟

ج) اشکال ندارد گر چه اگر زن ناراضی باشد مکروه است.

۱۳.آیا برای جلوگیری از بارداری اذن شوهر لازم است؟ در صورت لزوم اگر وی متقاعد نشود و به هیچ وجه اجازه ندهد، چه باید کرد؟

ج) اجازه لازم است همچنان که شرعاً برای مرد هم لازم است که مراعات حال زن را بنماید و اگر حاملگی برای زن عسر و حرج شدید دارد و یا موجب تشدید بیماری و یا از بین رفتن سلامتی می شود مرد هم حق ندارد او را وادار به حاملگی کند.

۱۴.در صورتی که بچّه دار شدن موجب بروز خطراتی برای مادر باشد، زن می تواند با اذن شوهر از انعقاد نطفه جلوگیری کند؟

ج) اشکال ندارد.

۱۵.استفاده از وسایل ضدّ بارداری که انسان بداند یا احتمال صحیح بدهد که ضرر دارند؛ مثل قرص های ضدّ بارداری که مخرّب قلب و عروق است، چگونه می باشد؟

ج) اگر ضرر قابل اعتناء است استفاده از آن جایز نیست.

۱۶. هرگاه زن بدون اذن شوهر برای جلوگیری از حمل از قرص ضدّ بارداری استفاده کند با توجّه به این که این کار موقّتی است و موجب عقیم شدن نیز نمی شود، چه وجهی دارد؟

ج) اگر موجب تضییع حق شوهر شود و یا بخواهد به مدت مدید این کار را کند بدون رضایت شوهر جایز نیست.

۱۷.جهت بستن لوله های رحمی (TL) روش «لاپاراسکوپی» می تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ یعنی با برش های حدود یک تا نیم سانتی متر از روی شکم، این عمل فی نفسه چه حکمی دارد؟

ج) اگر موجب عقیم شدن دائم مرد می گردد که امکان باز شدن نباشد جایز نیست.

۱۸. اگر پزشکان به خانمی بگویند که حامله شدن برایش خطر جانی دارد، آیا زن می تواند لوله های خود را ببندد؟ آیا این از مصادیق اضطرار است؟

ج) اگر حاملگی برای زن خطر جانی دارد و راهی جز بستن لوله نباشد اشکال ندارد.

۱۹. خانمی است که به علّت بیماری تحت عمل جرّاحی قرار گرفته و شکمش باز شده است با توجّه به باز بودن شکم، حکم بستن لوله ها چگونه است؟ در صورتی که پزشک مرد، مسؤول جرّاحی مشکل اوّلیه بیمار باشد آیا باز مسأله لمس و نظر مطرح می شود یا خیر؟

ج) اگر امکان باز شدن لوله باشد ولو آن که نخواسته باشد آن را باز کند اشکال ندارد.

۲۰. آیا برای کاشت نوروپلاست نظر همسر شرط است؟

ج) شرط است مگر واقعا زن دچار بیماری خاصی باشد که حاملگی برای او ضرر دارد و ناچار به این کار باشد

۲۱. با توجّه به منابع علمی معتبر پزشکی طبق شرایطی اعلام شده است که زن حامله نشود زیرا در صورت حامله شدن در معرض خطرات جسمی قرار دارد یا مشکلاتی برای جنین پیش می آید. در این موارد آیا شخص مجاز به بستن لوله های رحمی می باشد؟

ج) اگر راهی جز بستن لوله های رحم نباشد اشکال ندارد.

عقیم کردن

۱.بستن لوله های زن و مرد که لازمه آن عقیم شدن است چه حکمی دارد؟ آیا رضایت طرف شرط است؟

ج) بستن دائمی لوله زن و مرد جایز نیست.

۲.در صورتی که بستن لوله های زن یا مرد اجازه داده شود حقّ تقدّم با کدام یکی است؟

ج) هرکدام که موجب عقیم شدن دائم نباشد مقدم است.

۳.در بانوانی که زمینه مساعد برای به دنیا آوردن فرزندان ناقص الخلقه دارند، به ویژه در مواردی که زایمان های پیشین نیز این موضوع را ثابت کند، آیا قطع دائم حاملگی جایز است؟

ج)اگر همراه با عقیم کردن و بستن لوله رحم باشد جایز نیست، اما مراقبت برای حامله نشدن اشکال ندارد.

۴. شیمی درمانی، در آقایان باعث عقیمی دائم می شود، با این توضیح آیا شیمی درمانی جایز است یا نه؟

ج) جایز نیست مگر ضرورت شرعی باشد.

۵.اگر پزشکی از طرف دولت موظّف شد برای کنترل موالید مردان و زنان را عقیم سازد تکلیف چیست؟

ج) حق انجام این کار را ندارد و مالی را که میگیرد حلال نیست.

۶.آیا جواز شرعی برای «وازکتومی» و بستن لوله ها جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیر متعارف جمعیت، عنوان حکم ثانویه (حکومتی) را داشته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟

ج) وازکتومی و بستن لوله ها شرعا حرام است و با این عناوین حرمت آن برطرف نمی شود.

۷. آیا انجام عمل «وازکتومی» که برای عقیم و نازا کردن مردان و با رضایت خود آن ها صورت می گیرد و تقریباً غیر قابل برگشت است، اشکال دارد یا نه؟ و آیا رضایت همسر شرط است؟

ج) این عمل شرعا حرام است و رضایت همسر تأثیری در حرمت آن ندارد

۸. لطفاً نظرتان را در رابطه با کسانی که چند فرزند دارند و به بستن لوله های خود مبادرت می کنند ولو این که موجب عقیم شدن دائمی آن ها شود، بنویسید؟

ج : بستن دائمی لوله رحم و عقیم کردن جایز نیست.

۹.در مورد بانوانی که زمینه ی مساعد برای به دنیا آوردن فرزندانی که نقص دارند؛ به ویژه در مواردی که زایمان های پیشین نیز این موضوع را ثابت کند، آیا قطع همیشگی حاملگی جایز است؟

ج) چنانچه بتوانند از طریق مراقبتهای ویژه حامله نشوند حق ندارند اقدام به عقیم کردن دائمی نمایند.

۱۰.آیا در صورتی که شیمی درمانی بر روی بیماران مرد باعث عقیمی همیشگی شود، امری جایز می باشد؟

ج) در صورتی که شیمی درمانی برای معالجه بیمار ضروری باشد اشکال ندارد.

۱۱.آیا کسانی که صاحب چند فرزند هستند می توانند به بستن لوله های خود اقدام کنند؛ در حالی که این عمل باعث عقیم شدن همیشگی آن ها می شود؟

ج) جایز نیست.

زایمان

۱.هنگام زایمان، در صورتی که زنی نباشد تا به ماما در وضع حمل کمک کند؛ آیا مرد می تواند کمک کند؟

ج) به مقدار اضطرار و ضرورت اشکال ندارد البته تا جایی که امکان دارد مرد از محارم باشد و تا جایی که امکان دارد نباید به آلت تناسلی زن نگاه کند.

۲.برخی از خانم های باردار که می توانند به روش طبیعی زایمان کنند اصرار دارند که سزارین شوند تا درد کم تری را تحمّل کنند، آیا این کار جایز است؟

ج) در صورتی که امکان روش طبیعی باشد سزارین جایز نیست.

جنین و سقط جنین

۱.آیا فروش داروهایی که منحصراً برای سقط جنین می باشند، جایز است؟

ج) جایز نیست و حرمت دارد.

۲.آیا جایز است برای معالجه سرطان پیشرفته زنی که حامله است و اگر معالجه نشود و صبر کنند تا پایان حاملگی، مادر از بین می رود، سقط جنین نمود؟

ج) اگر اطمینان عرفی به مردن مادر وجود دارد سقط اشکال ندارد.

۳.اگر طبیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می گردد، بفرمایید:

آیا از بین بردن جنین در شکم مادر جایز است تا مادر سالم بماند؟

ج) با فرض مذکور سقط و یا از بین بردن جنین در شکم مادر اشکال ندارد.

آیا می توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا بچّه سالم بماند و مادر بمیرد؟

ج) خلاف احتیاط است

اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، هم احتمال مرگ مادر و هم بچّه در کار باشد، تکلیف چیست؟ با این توضیح که احتمال مرگ و سلامتی برای هر دو مساوی است؟

ج) اگر احتمال سلامتی هم داده شود و احتمال قابل اعتنا باشد نمی توان هیچکدام را فدای دیگری کرد.

آیا حکم فوق نسبت به جنین قبل از «ولوج روح» و بعد از آن فرق دارد؟ لطفاً توضیح دهید.

ج) در مواردی که سقط جایز شد تفاوت نمی کند گرچه اگر سقط را قبل از ولوج روح انجام دهند با احتیاط نزدیکتر است.

۴.آیا بیرون آوردن جنین از رحم مادر زودتر از موقع و بزرگ نمودن او تحت مراقبت های ویژه و یا در دستگاه مخصوص (انکوباتور) جایز است؟

ج) اگر به مصلحت جنین و مادر باشد اشکال ندارد

۵. اگر طبیب احتمال دهد که والدین در صورت اطّلاع از وجود خطر برای مادر در صورت بقای جنین هر بار که فرزند پیدا کنند، اقدام به سقط وی خواهند نمود در این صورت وظیفه طبیب چیست؟

ج) طبیب حق سقط و از بین بردن فرزند را ندارد مگر خطر مرگ برای مادر قطعی باشد و پزشک در قبال عمل والدین مسئول نیست لذا اگر ضرورت تشخیص دهد اطلاع اشکال ندارد و الا اطلاع داده نشود.

۶. اگر طبیبی متوجّه شد که جنین، دارای نقص عضو می باشد که در صورت اطّلاع دادن به والدین احتمال زیاد می دهد آنان اقدام به سقط جنین نمایند و شاید هم در مقام معالجه باعث نقص عضوی در جنین شوند که احتمال بهبودی بسیار کمی دارد امّا اگر اطّلاع دهد در معرض شکایت والدین نسبت به عدم اطّلاع به آنان از وضعیت جنین قرار نخواهد گرفت، بفرمایید وظیفه طبیب چیست؟

ج: طبیب حق کشتن جنین را ندارد و در صورت تشخیص ضرورت. می تواند به والدین آنها اطلاع دهد

۷. زن بارداری در حدود ۵/۱ ماهه که مشخّص نبوده باردار می باشد؛ در دو نوبت مقابل اشعه عکس برداری رادیولوژی قرار گرفته که از نظر اشعه مورد ناراحتی خانوادگی گردیده و پزشکان می گویند مطمئناً و به طور یقین بر جنین اثر مستقیم گذاشته و پزشکان و مسؤول رادیولوژی احتمال قوی داده اند که جنین دارای نقص عضو و دیگر عوارض ناشی از این اشعه مضر خواهد بود، با توجّه به مطالب فوق آیا سقط جنین جایز است یا نه؟

ج)سقط جنین حرام است

۸.با توجّه به درمان های نازایی که صورت می گیرد، گاهی پیش می آید که حاملگی چند قلو (چهار قلو) رخ می دهد که اکثراً با

زایمان زودرس در ماه های ۵ و ۶ همراه می باشد و جنین ها به ثمر نرسیده و از بین می روند. یکی از روش هایی که امروزه در دنیا انجام می شود کاهش تعداد این جنین ها در ماه های اوّل حاملگی (در ۵۰ تا ۶۰ روز ابتدایی) می باشد تا بقیه جنین ها بتوانند رشد نمایند و حاملگی به ثمر برسد، آیا این روش درمانی از نظر شرع مقدّس جایز است یا خیر؟

ج) در صورتیکه این عمل قبل از دمیده شدن روح و به قصد رشد جنین های دیگر باشد اشکال ندارد

۹.با عکس برداری از جنین، معلوم شده که جنین ناقص الخلقه می باشد که پس از تولّد مانند تکّه گوشتی به کناری خواهد افتاد و هیچ گونه فعالیتی نمی تواند داشته باشد و فاقد هرگونه درک و شعور انسانی خواهد بود. با این وصف:

آیا جایز است در همان حال (قبل از ولوج روح یا بعد از آن) وی را از بین برد و جنین را سقط نمود؟

ج: این عمل حرام است

اگر این طفل به دنیا آمد و سپس مریض شد آیا جایز است که هیچ گونه اقدامی در مورد درمان وی انجام نداد تا زودتر بمیرد و چه بسا از درد و رنج هم راحت شود؟

ج: جایز نیست و باید تلاش برای درمان وی صورت گیرد.

۱۰.خانم بیماری که حامله بوده و نیاز به شیمی درمانی دارد، در صورت وجود ضرر برای کودک آیا جایز است شیمی درمانی شود یا نه؟ در صورت جواز، اگر کودک قبل از تولّد ناقص الخلقه تشخیص داده شود، می توان آن را سقط کرد یا نه؟

ضمناً رضایت شوهر شرط است یا نه؟

ج) اگر اجباری به شیمی درمانی دارد شرعاً مانعی ندارد و امّا سقط کودک شرعا حرام است و رضایت شوهر برای سقط جنین اعتبار ندارد.

۱۱.در تعیین موارد اضطرار، آیا در صورتی که پزشکان متخصّص زنان و زایمان برای جلوگیری از بارداری، در مورد خطرات احتمالی جانی و جسمی برای جنین به خانمی اعلام خطر کنند کفایت می کند؟

ج) سقط جنین فقط در صورتی جایز است که خطر مرگ برای مادر محرز باشد و در غیر این صورت سقط جایز است

۱۲.پزشکان می توانند جنین را از شکم زنی که نمی تواند آن را در رحم معیوب خود پرورش دهد و سقط می کند، خارج نموده و در رحم سالم زن دیگری قرار داده که در آن جا جنین به رشد خود ادامه داده تا به طور طبیعی متولّد شود، بفرمایید:

آیا اگر زن دوّم هم، همسر شوهر زن اوّل باشد (که نطفه متعلّق به یک شوهر می شود) این کار جایز است؟

ج) جایز است

در صورتی که زن دوّم با شوهر زن اوّل بیگانه و اجنبی باشد آیا این کار جایز می باشد؟

ج) به نظر ما جایز نیست

اگر انجام این کار قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح فرق دارد آن را بیان فرمایید؟

ج) تفاوت نمی کند.

۱۳.چنانچه جنین در حالی که به صورت علقه یا مضغه و یا بعد از دمیده شدن روح در آن به رحم زن دیگری منتقل شود و در آن رحم رشد و پرورش یابد و متولّد شود، آیا نوزاد فرزند زن اوّلی است یا دوّمی؟

ج)نوزاد زن اول می باشد.

۱۴.از آن جایی که می توان فرزند متولّد شده از زوجی دیگر را، به فرزندی قبول نمود و بر فرزند خواندگی توسّط شرع مقدّس صحه گذاشته شده است و سنّ مولود اهمیتی در فرزند خواندگی ندارد – یعنی مولود می تواند یک روزه باشد یا چند ساله می تواند نُه ماهه به دنیا آمده باشد یا هفت ماهه و یا حتّی زودتر – لذا این سؤال مطرح می شود که آیا می توان فرزند خواندگی را از دوران جنینی آغاز نمود؟ به عبارت دیگر آیا می توان جنین حاصل از نطفه شوهر (اسپرم شوهر) و تخمک همسرش را پس از انعقاد نطفه و تشکیل شدن جنین در همان

روز اوّل به فرزند خواندگی داد و زوج دیگری او را به فرزندی قبول نماید. اگر این مسأله جایز باشد، آیا می توان جنین تشکیل شده را در رحم مادر خوانده اش قرار داد که پس از تولّد او را بزرگ نماید؟

ج) جایز نیست

۱۵.اطبّا در آزمایشگاهی مَنی مرد (اسپرم) را با تخمک زن (اوول) در لوله آزمایش قرار داده و آن را رشد می دهند، بفرمایید:

آیا آن نطفه رشد یافته را می توان دور افکند یا این که حکم سقط جنین را پیدا می کند و باید تا طفل کامل و صاحب روح می شود از وی محافظت نمود؟

ج) بنابر احتیاط محافظت لازم است.

اگر دور افکندن آن جایز نباشد، آیا باید دیه ی سقط جنین پرداخت نموده و در صورتی که باید پرداخت شود به عهده کیست؟

ج) دیه احتیاطا باید پرداخته شود و کسی که عامل از بین رفتن است باید پرداخت کند.

آیا دور افکندن آن قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج فرق دارد؟ لطفاً بیان نمایید؟

ج) بعد از ولوج روح احتیاط لازم تر است ولی از بین بردن آن قبل از ولوج روح هم خلاف احتیاط است.

۱۶. اگر جنینی را که متعلّق به یـک مرد و زن است به رحم زن دیگر انتقال دهنـد، آیا اشـکال دارد؟ آن زن چه نسـبتی بایـد با مرد داشته باشد؟

ج) این کار جایز نیست و صرفا انتقال نطفه مرد به رحم زن خود در صورتیکه مستلزم نگاه و لمس حرام نشود جایز است

۱۷.حکـم سـقط جنین که انگیزه هـای دیگری غیر از اضـطرار و عسـر و حرج و... در میـان باشـد؛ از قبیـل حفـظ آبرو، حیـثیت خانوادگی و... چیست؟

ج)حرام است و کفاره دارد

۱۸.نگهداری جنین در آزمایشگاه به منظور آموزش دادن دانشجویان چگونه است؟

ج) تا قبل از ولوج روح اشکال ندارد اما اگر بعد از دمیده شدن روح در آن باشد محل اشکال است و باید ترک شود

۱۹.اگر خانمی با مراجعه به پزشک ادّعا نماید که در ضمن نکاح موقّت مبتلا به بارداری ناخواسته شده، در حالی که اقدام وی به نکاح موقّت با اجازه ی ولی و دور از انظار و بـدون اطّلاع سایر افراد خانواده و اطرافیانش بوده است، و اکنون افشای این امر در اثر بـارداری حیثیت اجتماعی خانواده و خودش را به شـدّت لکّه دار خواهـد ساخت و فرزنـد نیز در آینـده دچار مشـکلات روحی و اجتماعی خواهد شد، آیا سقط جنین او با تقاضای خودش برای پزشک جایز است؟ در صورت جواز تا چند ماهگی؟

ج: سقط جنین در این فرض جایز نیست و دیه و کفاره دارد

۲۰.در مواردی که پزشک باعث سقط جنین می شود، دیه ی لازمه باید توسط چه کسی پرداخت شود؟ و آیا اگر شرط کند که دیه به عهده وی نیست، آیا این شرط جهت رفع دیه کافی است؟ اگر با قبول این شرط، فردی که دیه بر او واجب است آن را پرداخت نکند، آیا در این صورت پزشک مدیون خواهد بود؟

ج: باید پزشک دیه را بپردازد و اگر سقط از موارد حرام باشد برائت معنایی ندارد

۲۱.زنی به وسیله ی طبیب سقط جنین نموده و از این موضوع زن و شوهر هر دو راضی هستند امّا نمی دانند که سقط شده، جنین است یا علقه، فقط می دانند که حمل مدّت ۵۵ روز بوده است. در این صورت دیه اش چقدر است و به چه کسی باید داد؟

ج)۵۵ روز علقه است و باید دیه را به ورثه بچه بدهند و خود پدر و مادر از دیه ارث نمی برند

۲۲.نطفه ای از مرد کافر در رحم زن کافره که هر دوی آن ها صاحب کتاب هستند منعقد شده است. اگر زن کافره به پزشک مراجعه کند و بخواهد بچّه را سقط کند، اوّلاً سقط کردن این بچّه برای این پزشک جایز است یا نه؟ ثانیاً اگر جایز نیست و پزشک مسلمان این عمل را انجام داد و مباشر سقط شد، دیه بر او واجب است یا خیر؟

ج) سقط جنین جایز نیست و دیه واجب است و اگر پدر و مادر هر دو کافر هستند پزشک باید دیه کافر را بدهد.

۲۳.زنی که با مرد اجنبی آشنا شده و مدّتی با هم رابطه داشته اند و یک بچّه هم از آن ها به وجود آمده که البته سقط نموده و بچّه های دیگری هم از شوهرش دارد، حالا می خواهد توبه کند و بداند که آن بچه نامشروعی را که سقط کرده دیه دارد یا نه؟ و اگر دارد دیه اش چه مقدار است؟

ج) سقط جنین دیه و کفاره دارد و بر اساس اینکه در چه ماهی او را سقط کرده باید دیه او را بپردازد.

۲۴. مادّه ۹۱ قانون تعزیرات که به تأیید فقهای شورای نگبان رسیده و لازم الإجرا است، مقرر می دارد: «اگر زنِ حامله برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً و عامداً، مباشرت به اسقاط جنین نماید، دیه جنین بر عهده اوست. و اگر روح در جنین دمیده باشد، باید قصاص شود و اگر او را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شود». نظر به این که فقهای شیعه در مورد جنین بین حلول روح و غیر آن فرقی قائل نیستند و در هر حال سقط جنین موجب ثبوت قصاص نمی شود، آیا مادّه قانونی مذکور منطبق با شرع می باشد یا خیر؟ در صورت منفی بودن با توجّه به عدم مخالفت شورای نگهبان با آن، تکلیف قاضی در صدور حکم چیست؟

ج) حکم به قصاص خلاف حکم فقهاست و قاضی حق حکم نمودن را ندارد.

۲۵.آیا دیه در دینار (طلا) متعین است یا می توان معادل ریالی آن را پرداخت؟ لطفاً نحوه معادل ریالی هر دینار را بیان فرمایید.

ج) دیه در مرحله اوّل به دینار یعنی طلای مسکوک محاسبه و تبدیل به ریال می شود.

۲۶.دخترم نزدیک چهار سال پیش با شخصی ازدواج کرده است و چند بار یک دیگر را به خاطر نداشتن تفاهم ترک کرده اند و دوباره با واسطه آشتی کرده اند. نزدیک یک ماه و نیم است که دخترم حامله است و چون قصد جدا شدن از شوهرش را دارد می خواهد سقط کند، آیا با این فرض، سقط جنین یک و نیم ماهه جایز است؟

ج) حرام است و حکم آدم کشی را دارد.

۲۷.در صورتی که روح در جنین دمیده شده باشد، حکم سقط کردن آن چیست؟

ج) حرام است.

۲۸.با پیشرفت های علم پزشکی، متخصّصان توانسته اند برای جلوگیری از بروز بیماری های ارثی و ژنتیک، روش تازه ای ابداع نمایند. در این روش، یکی دو روز پس از لقاح و پدید آمدن تخم، در همان مراحل اوّلیه ی رشد و پیش از جایگزین شدن در رحم، آن را از رحم بیرون می آورند و در آزمایشگاه بررسی می کنند و در صورتی که بیماری ژنتیک ویژه ای داشته

باشد از باز گرداندن آن به رحم جلوگیری می کنند و با این کار، مانع پدید آمدن بیماری ژنتیک و زایش نوزادان ناقص الخلقه می شوند و آن را در صورت سالم بودن به رحم مادر منتقل می کنند تا بقیه مراحل رشد را به طور طبیعی در رحم بگذارند. آیا پیش گیری ذکر شده و باز نگرداندن تخم به رحم جایز است؟

ج) اگر یقین دارند که موجب به دنیا آمدن نوزاد ناقص الخلقه می شود به رحم برنگردانند ولی باید دیه آن داده شود.

۲۹.در برخی موارد، مشکل بروز بیماری های ژنتیک نیست و افراد تندرست برای انتخاب جنس فرزند خود تقاضای انجام آزمایش های ژنتیک را دارند، حکم چنین آزمایش هایی چیست؟

ج) اگر این گونه آزمایشات ضرر و زیانی نداشته باشد اشکال ندارد.

۳۰.با توجّه به این که همسر این جانب دچار مرض قند است و نزدیک پنجاه روز است که باردار شده است، بنابر تشخیص پزشک قانونی باید سقط جنین کند و بنا به نظر پزشک دیگری باید مدّت هفت ماه استراحت کند، ولی با توجّه به داشتن چهار فرزند، فرض دوّم برای او مقدور نیست، تکلیف چیست؟

ج) سقط جنین حرام است مگر آنکه اگر سقط صورت نگیرد قطعا مادر جان می دهد که در این صورت سقط اشکال ندارد.

۳۱.برای درمان سرطان پیشرفته ی زن بارداری که اگر درمان نشود و تا پایان حاملگی صبر کنند مادر از بین می رود، جایز است جنین را سقط کنند؟

ج) اگر موجب مرگ مادر می شود می شود جنین را سقط کرد.

۳۲.با توجّه به این که شوهر اوّل همسر این جانب شهید شده است و فرزند او از همسر اوّلش نیز در اثر حادثه ای فوت نموده و اکنون دارای روحیات ویژه ای است و با پیش آمدن بارداری ناخواسته، دچار مشکلات روحی و افسردگی شده است و همسر یا جنین او به صورت قطعی آسیب می بینند، آیا برای حلّ مشکل می توان جنینی را که نزدیک به بیست و پنج روز از آن گذشته است، سقط نمود؟

ج) اگر وجود جنین موجب مگر مادر شود سقط جائز است و الا سقط جایز نیست.

۳۳.اگر پزشک تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین در رحم باعث مرگ مادر می گردد، حال بفرمایید:

آیا از بین بردن جنین در رحم مادر جایز است تا مادر سالم بماند؟

ج) با فرض مذکور جایز است.

آیا می توان مادر را به همان حال گذاشت تا جنین سالم بماند و مادر بمیرد؟

ج) مادر مقدّم است.

اگر در رها کردن مادر به همان حال، احتمال مرگ مادر و جنین باشد، تکلیف چیست؟

ج) اگر احتمال مرگ عقلایی باشد مادر مقدّم است.

۳۴.آیا سقط جنین در صورتی که برای مادر زیان داشته باشد جایز است؟ در صورت جایز نبودن، آیا مباشرت در چنین کاری گناه است؟

ج) حرام است مگر اطمینان به مرگ مادر در صورت بقای جنین وجود داشته باشد.

۳۵.سقط جنین پیش از چهار ماهگی مشروط به این که کمیسیون پزشکی با احتمال بیش از پنجاه درصد به معلولیت نوزاد نظر داشته باشد، چگونه است؟

ج) با این احتمالات نمی توان جنین را سقط نمود.

۳۶.اگر بنا به گفته ی پزشک درمانگر، جنین برای همیشه به صورت معلول به دنیا آید، آیا در این صورت سقط جنین جایز است؟

ج) سقط جنین جایز نیست.

۳۷.آیا بیرون آوردن نطفه از رحم مادر، زودتر از موعد مقرر و رشد آن زیر مراقبت های ویژه یا در دستگاه مخصوص (انکوباتور) جایز است؟

ج) اگر ضرورتی اقتضاء کند اشکال ندارد.

۳۸.به دستور پزشک درمانگر و مراجعه ی همسرم به سونوگرافی مشخّص شد که جنین دچار آسیب دیدگی شدید مغزی و به شدّت عقب افتاده است و حتّی نسج مغزی ندارد که در اصطلاح پزشکی به آن «آنانسفال» می گویند. بنا به تشخیص پزشک حتّی در صورتی که وضع حمل در زمان طبیعی صورت بگیرد، کودک صد در صد فوت می شود. حال با این فرض آیا می توان جنینی را که نزدیک هشت ماه دارد و با وضع حمل، مرگ آن حتمی است را با وسیله ای خارج نمود؟

ج) اگر این امر قطعی است و وجود آن موجب خطر جانی برای مادر باشد، سقط اشکال ندارد و الاّ جایز نیست.

۳۹.اگر جنین به جهاتی؛ مانند: معلولیت باعث مشکل تنفسی برای مادر گردد و موجب ایجاد خطر مرگ برای او شود و پزشکان هم درمان مادر و رفع خطر مرگ را به سقط جنین وابسته بدانند؛ با فرض این که سقط جنین باعث مرگ او نشود، بلکه چون شش ماهه است در دستگاه نگه داری می شود و ممکن است زنده بماند، آیا چنین درمانی جایز است؟

ج) با فرض مذکور اشکال ندارد.

۴۰.همسر این جانب به استناد آزمایش های مرکز پاتولوژی و ژنتیک و گواهی پزشک قانونی دارای جنین مبتلا به تالاسمی

ماژور است و تولّد آن جز عذاب برای خانواده و ضرر و زیان برای جامعه و اضافه شدن به بیماران تالاسمی کشور چیز دیگری در بر ندارد و بنا به صلاحدید پزشک درمان گر، بهتر است سقط جنین نماید، حکم شرعی این کار چیست؟

ج) سقط جنین حرام است.

۴۱.خانم بیماری باردار است و برای درمان خود به شیمی درمانی نیاز دارد. در صورت وارد شدن زیان چشم گیر به کودک، آیا جایز است مادر شیمی درمانی شود یا نه؟ در صورت جواز، اگر کودک پیش از تولّد، ناقص الخلقه تشخیص داده شود، می توان آن را سقط کرد یا نه؟ آیا رضایت شوهر نیز شرط است؟

ج) اگر ضرورتی فوری بر شیمی درمانی وجود ندارد شیمی درمانی با وصف مذکور جایز نیست ولی اگر ضرورت پیدا شده باشد جایز است ولی سقط جنین جایز نیست حتی اگر شوهر رضایت دهد.

۴۲.در تعیین موارد اضطرار، آیا کافی است پزشکان متخصّص زنان و زایمان در مورد حاملگی، خطرهای جانی، جسمی و مشکلات احتمالی جنین را به زن اعلام کنند؟

ج) اعلام اشکال ندارد ولی تصمیم بر اضطرار را از گفته های متخصّص، خود مکلّف می تواند به دست آورد.

۴۳.از آن جا که می توان فرزنـد زاده شـده از زن و مرد دیگر را به فرزنـدی پـذیرفت و اصل فرزند خواندگی در شـرع مقدّس اسـلام پـذیرفته شـده است و سن و سال اهمیتی در فرزنـد خوانـدگی ندارد، این پرسـش مطرح می شود که آیا می توان فرزند خوانـدگی را از دوران جنین آغاز نمود؟ به عبارت دیگر، آیا می توان جنین حاصل از نطفه ی شوهر (اسپرم و تخمک همسـر) را پس از نطفـه شـدن و تشـکیل جنیـن در همـان روز اوّل بـه فرزنـد خوانـدگی داد و زن و مرد دیگری او را به فرزنـدی قبـول نماینـد؟ اگر این مسـأله جـایز باشـد، آیـا می توان جنین تشـکیل شـده را در رحم مـادر خوانـده قرار داد تـا او را پس از تولّـد، پرورش دهد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۴۴.حکم سـقط جنین اگر انگیزه های دیگری غیر از اضـطرار و عُسر و حرَج در میان باشد یعنی برای مانند حفظ آبرو و حیثیت خانوادگی باشد چیست؟

ج) جایز نیست.

۴۵.نگه داری جنین در آزمایشگاه به منظور آموزش دانشجویان چه حکمی دارد؟

ج) اگر مستلزم کشتن جنین نباشد شکال ندارد.

۴۶.اگر خانمی با مراجعه به پزشک ادّعا نماید که در ضمن نکاح موقّت، دچار بارداری ناخواسته شده؛ در حالی که اقدام وی به نکاح موقّت با اجازه ی ولی و دور از دیدگان و بدون آگاهی افراد دیگر خانواده و اطرافیان وی بوده است و اکنون افشای این امر در اثر بارداری، حیثیت اجتماعی او و خانواده اش را به شدّت لکّه دار خواهد ساخت و فرزند نیز در آینده دچار مشکلات روحی و اجتماعی خواهد شد؛ آیا سقط جنین او با تقاضای وی برای پزشک جایز است؟ در صورت جواز، تا چند ماهگی جایز است؟

ج) سقط جنین جایز نیست.

۴۷.اگر پس از بسته شدن نطفه، زن و شوهر با توافق یک دیگر به پزشک مراجعه کنند و او آمپولی تجویز نماید و جنین در همان دو هفته ی اوّل سقط شود؛ آیا زن و شوهر گناه کار هستند؟ با توجّه به این که پزشک و کسی که آمپول را تزریق نموده است. علم به این موضوع (آمپول برای سقط) دارد، آیا باید دیه بپردازد؟

ج) سقط جنین حرام است و گناه دارد و پزشک باید دیه را بپردازد اما چون خود پدر و مادر امر به سقط کرده اند لذا پزشک حق دریافت خسارت از آنان را هم دارد.

۴۸.نطفه ای از مرد غیر مسلمان در رحم زن غیر مسلمان بسته شده است، اگر زن غیر مسلمان به پزشک مسلمان مراجعه کند و بخواهد جنین را سقط کند، سقط کردن جنین برای پزشک جایز است یا نه؟

اگر جایز نباشد و پزشک مسلمان این عمل را انجام دهد و در سقط دست داشته باشد، آیا دیه بر او واجب است یا خیر؟

ج) حرام است و دیه بر پزشک واجب است اما حق مراجعه به پدر و مادر جنین و دریافت دیه را از آنان دارد.

۴۹.زنی بر اثر رابطه ی نامشروع با مرد بیگانه حامله شده و بچّه ی نامشروع خود را سقط کرده است، آیا دیه دارد یا نه و دیه ی وی چه مقدار است؟

ج) دیه دارد و باید مدّت جنین را معین نمایید تا دیه آن مشخّص گردد.

۵۰.مادّه ی ۹۱ قانون تعزیرات که به تأیید فقهای شورای نگهبان رسیده و لازم الاجرا است مقرّر می دارد: «اگر زن حامله برای سقط جنین به پزشک یا قابله مراجعه کند و پزشک هم از روی آگاهی و عمد به اسقاط جنین بپردازد، دیه ی جنین بر عهده ی اوست و اگر روح در جنین دمیده باشد، باید قصاص شود و اگر وسایل اسقاط جنین را به او نشان دهد، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شود»، نظر به این که فقهای شیعه در مورد جنین، میان حلول روح و غیر آن فرقی قایل نیستند و در هر حال، سقط جنین موجب ثبوت قصاص نمی شود، آیا مادّه ی قانونی یاد شده منطبق بر شرع است یا خیر؟ در صورت منفی بودن پاسخ با توجّه به عدم مخالفت شورای نگهبان با آن، تکلیف قاضی در صدور حکم چیست؟

ج) قصاص در مقابل سقط جنین خلاف احتیاط است حتی اگر روح در آن دمیده شده باشد و قاضی نمی تواند حکم به قصاص دهد.

۵۱.ملاک تعیین ارش در جراحت ها چیست؟ در تعیین ارش، آیا نظر پزشک به تنهایی کافی است؟

ج) نظر پزشک مورد اطمینان قابل استناد است.

۵۲..اینجانب زنی باردار هستم با توجّه به وضعیت نامناسب جسمانی و ترس از تشدید کم خونی، ناراحتی معده و ضعف کلّی بدن مایل به سقط جنین هستم. لطفاً حکم شرعی را بیان کنید.

ج) با این موارد نمی توان حکم به جواز سقط جنین نمود و لذا جایز نیست.

۵۳.آیا سقط جنین بر اثر مشکلات اقتصادی جایز است؟

ج) حرام است و در قرآن می فرماید «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادكُمْ خَشْيَه إِمْلَاق». فرزندانتان را به خاطر سختی معیشت نکشید.

۵۴.پزشک بعد از معاینه در ماه های اوّل حاملگی به زن گفته است که استمرار بارداری احتمال خطر جانی برای او دارد و در صورتی که حاملگی ادامه پیدا کند، فرزندش ناقص الخلقه متولّد خواهد شد و به همین دلیل پزشک دستور سقط جنین داده است، آیا این کار جایز است؟ و آیا سقط جنین قبل از دمیده شدن روح به آن جایز است؟

ج) اگر واقعاً احتمال خطر جانی برای مادر زیاد است سقط قبل از دمیدن روح اشکال ندارد اما سقط جنین به بهانه ناقص الخلقه بودن فرزند جایز نیست.

۵۵.پزشکان متخصّص می توانند از طریق استفاده از روش ها و دستگاه های جدید، نواقص جنین در دوران بارداری را تشخیص دهند و با توجّه به مشکلاتی که افراد ناقص الخلقه بعد از تولّد در دوران زندگی با آن مواجه می شوند، آیا سقط جنینی که پزشک متخصّص و مورد اطمینان، آن را ناقص الخلقه تشخیص داده است، جایز است؟

ج) نقص خلقت دلیل نمی شود که یک انسان را از بین برد.

۵۶.آیا از بین بردن نطفه منعقد شده ای که در رحم مستقرّ شده، قبل از رسیدن به مرحله علقه که تقریباً چهل روز طول می کشد، جایز است؟ و اصولاً در کدامیک از مراحل ذیل سقط جنین حرام است: نطفه استقرار یافته در۱- رحم ۲ - علقه ۳ - مضغه ۴ - عظام (قبل از دمیدن روح).

ج) در هیچ کدام از ۴ مرحله جایز نیست مگر خطر مرگ برای مادر باشد.

۵۷.بعضی از زوج ها، مبتلا به بیماری های خونی بوده و دارای ژن معیوب می باشند و در نتیجه ناقل بیماری به فرزندان خود هستند و احتمال این که فرزندانشان مبتلا به بیماری های شدید شوند، بسیار زیاد است و چنین کودکانی از بدو تولّد تا پایان عمر، دائماً در وضع مشقّت باری به سر خواهند برد. مثلاً بیماران هموفیلی همواره ممکن است با کوچکترین ضربه ای

دچار خونریزی شدید منجر به فوت و فلج شوند. حال آیا با توجّه به این که تشخیص این بیماری در هفته های اوّل بارداری ممکن است آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟

ج) سقط جنین در این موارد جایز نیست.

۵۸.سقط جنین فی نفسه چه حکمی دارد؟ و در صورتی که ادامه بارداری برای زندگی مادر خطر داشته باشد، حکم آن چیست؟

ج) سقط جنین حرام است ولی در صورتی که خطر جانی برای مادر محرز باشد سقط اشکال ندارد.

۵۹.اگر زن بارداری مجبور به معالجه لثه یا دندان هایش شود و براساس تشخیص پزشک متخصّص نیاز به عمل جرّاحی پیدا کند، آیا باتوجّه به این که بیهوشی و عکسبرداری با اشعه باعث نقص جنین در رحم می شود، سقط جنین برای او جایز است؟

ج) سقط جنین حرام است و چنانچه امکان دارد باید صبر کند تا بعد از حاملگی انجام دهد و الا درهمان حال انجام گیرد.

۶۰.اگر جنین در رحم، مشرف به موت حتمی باشد و باقی ماندن آن در رحم به همان حال برای زندگی مادر خطرناک باشد، آیا سقط آن جایز است؟ حال اگر شوهر آن زن مقلِّد کسی باشد که سقط جنین در حالت مذکور را جایز نمی داند، ولی زن مقلِّد کسی باشد که آن را جایز می داند، تکلیف مرد در این حالت چیست؟

ج) اگر مرجع تقلید خانم اجازه سقط را میدهد زن می تواند جنین را سقط کند

۶۱.خواهشمند است نظر خود را در مورد سقط جنین قبل از چهارماهگی بیان فرمایید؟ مشروط بر این که نظریه کمیسیون پزشکی با احتمال بیش از ۵۰ درصد معلولیت نوزاد باشد.

ج) با این احتمالات نمی توان جنین را سقط کرد.

۶۲.اگر جنین به خاطر ناقصی و معلولیت سبب مشکل تنفسی برای مادر گردد و احتمال خطر مرگ برای او باشد با فرض این که سقطش سبب مرگ او نخواهد شد، بلکه چون شش ماهه است در دستگاه نگهداری می شود و ممکن است زنده بماند آیا چنین معالجه ای جایز است یا حرام؟

ج) با فرض مذکور سقط جنین اشکال ندارد.

۶۳.اگر نطفه ای بسته شود و زن و شوهر با توافق یک دیگر به دکتر مراجعه کنند و دکتر آمپولی تجویز نماید و در همان دو هفته اوّل سقط شود، آیا گناهی بر زن و شوهر هست؟ با علم به این که دکتر و آمپول زن هم علم به این موضوع (آمپول برای سقط) دارند، آیا این عمل کفّاره دارد؟ لطفاً مقدار آن را بیان فرمایید؟

ج) این کار حرام است و دیه دارد و بیست مثقال طلای ۱۸نخودی دیه این جنین است و مادر و پدر باید بدهند البته گر چه ذاتا دیه بر عهده مباشر است لکن درخواست پدر و مادر و اصرار آنها در حقیقت پذیرش ضمان شرعی آن نیز می باشد.

۶۴.مقدار دیه جنینی که دو ماه و نیم عمر دارد، در صورتی که عمداً سقط شود چقدر است و پرداخت آن بر عهده کیست؟

ج) دیه آن چهل مثقال طلا- است که با طلای موجود در جامعه، سی مثقال می شود و هرکس بچّه را سقط کرده باید پرداخت کند.

۶۵.چندی قبل با توجّه به عادت زنانگی همسرم متوجّه شدیم که مدّت سه ماه و پنج روز است از عادت زنانگی ماهیانه اش می گذرد و عادت عقب افتاده است. چند مرتبه به دکتر مراجعه کردیم و تزریقاتی انجام داد، امّا نتیجه ای حاصل نشد، تا این که بالاخره نزد پزشکی رفتیم. او گفت: با توجّه به تزریقات انجام گرفته بچّه شما فلج به دنیا خواهد آمد و ما چون دارای شش فرزند بودیم و من یک نفر کارگر هستم، تصمیم گرفتم نزد پزشک زنان برویم، خلاصه به پزشک متخصّص مراجعه کردیم و با رضایت طرفین جنین را که در حدود یک ماهه بود سقط کردیم، تکلیف ما چیست؟

ج) این عمل حرام است و باید دیه این بچّه را بپردازید که ۲۰مثقال طلای نخودی است که به برادر و خواهران این بچّه سقط شده می رسد.

جراحی و تغییر جنسیت

اشاره

جرّاحی

۱.اگر بیماری به علّت بیماری دیگری تحت عمل جراحی قرار گیرد می توان او را وازکتومی کرد؟ اگر اضطرار بود چطور؟

ج) وازکتومی جایز نیست مگر اضطرار شرعی وجود داشته باشد.

۲.شخصی که استخوان پایش شکسته است، چنانچه جرّاحی روی پای وی انجام ندهند تا پایان عمر زمین گیر شده و با درد و رنج باید به سر ببرد، و اگر عمل کند احتمال بهبودی داده می شود بفرمایید:

با چند درصد احتمال بهبودی تکلیف وی اقدام برای عمل می باشد؟

چنانچه عمل و شرایط به گونه ای است که احتمال مرگ هم بعید نباشد، با چند درصد احتمال مرگ دادن وظیفه ترک کردن عمل می باشد؟

ج: اگر احتمال داده شود که عمل جراحی برای او سودمند است باید انجام دهد و در فرض بعدی هم باید احتمال عقلایی قوی داده شود که امکان مرگ است که در این فرض نباید اقدام کند.

۳.بیماری که دچار ناراحتی شدید روانی است، جهت معالجه به پزشک مراجعه می نماید، پزشک هم احتمال خوب شدن وی را منحصراً در اقدام به عمل جرّاحی می داند امّا در صورت عمل کردن احتمال می دهد، حیات مغزی این بیمار از بین برود و برای همیشه بیمار فلج و یا به حال «اغما» درآید، آیا در این صورت طبیب می تواند به عمل جرّاحی دست بزند، تکلیف چیست؟

ج: باید احتمالات سنجیده شود هر کدام احتمال بیشتر دارد طبق آن عمل کند

۴.برخی از بیماران عاقل و بالغ که نیازمند عمل جرّاحی می باشند به علّت ترس یا هر توجیه دیگری حاضرند درد و رنج را تحمّل نمایند، ولی تن به عمل ندهند، حتّی همراهان بیمار نیز اجازه عمل نمی دهند و این در حالی است که پزشک می داند، در غیر این صورت بیمار به زودی خواهد مُرد یا دچار عوارضی خواهد شد که تا پایان عمر زمین گیر می شود، با این فرض آیا پزشک می تواند دست به عمل جرّاحی بزند؟ اگر علی رغم مخالفت بیمار بستگان وی چنین اجازه ای را صادر کنند، تکلیف طبیب چیست؟

ج) با فرض مذکور عمل جراحی برای پزشک واجب نیست و عمل جراحی بدون رضایت بیمار خلاف احتیاط است مگر اطمینان به مرگ بیمار در صورت ترک جراحی باشد.

۵.اگر برای تشخیص حیات یا مرگ مصدومی تنها راه موجود منحصر به شکافتن یکی از شریان های وی باشد، بفرمایید:

آیا انجام این کار جایز است یا خیر؟

آیا انجام این عمل در صورت ضرورت مستلزم پرداخت دیه می باشد یا خیر؟

اگر باید دیه پرداخت شود، به عهده کیست؟

اگر دکتر ناچار به انجام این کار باشد مانعی ندارد و دیه ندارد.

۶.پزشکی یقین دارد که عمل جرّاحی روی بیمار تأثیری در زنده ماندن او ندارد، طوری که بیمار چه عمل شود یا نشود پس از مدّت کوتاهی خواهد مُرد، آیا جایز است، بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولین بیمارستان اقدام به جرّاحی نماید یا نه؟

ج: جایز نیست مگر شرعا مجبور باشد.

۷.در مورد جرّاحی بینی که بعضی از خانم ها و حتّی آقایان به منظور زیبایی انجام می دهند، خواهشمند است حکم شرعی عمل جرّاحی بینی را بیان فرمایید؟

ج) جراحی برای زیبایی به نظر ما جایز نیست.

تغییر جنسیت

۸.برخی افراد در ظاهر مذکّر هستند ولی از جهات روحی و روانی ویژگی های جنس مونّث را دارند و در آنها تمایلات جنسی زنانه به طور کامل وجود دارد و اگر مبادرت به تغییر جنسیت نکنند به فساد می افتند. آیا معالجه آنان از طریق انجام عمل جراحی جایز است؟

ج) در صورتی که عمل جرّاحی موجب تغییر جنسیت شود جایز نیست و صرف این که تمایلات جنس مقابل را داشته باشد مجوّز تغییر جنسیت نیست.

۹.برای زنان و مردان و اشخاص خنثی که تغییر جنسیت در عمل برای آنان ممکن است تا آن ها را به «احدی الجنسین» ملحق کنند و هم چنین زنان و مردانی که آثار مرد یا زن بودن به روشنی در آن ها دیده می شود ولکن تمایل به تغییر جنسیت دارند -برای این که در خود بعضی از آثار جنس مخالف و از جمله حرکات و رفتار و سکنات جنس مخالف را مشاهده می کنند- با این توضیحات آیا تغییر جنسیت جایز است یا نه؟ و آیا تغییر جنسیت جایز است یا نه؟ لطفاً جواب را مشروحاً بیان فرمایید.

ج: تغییر جنسیت جایز نسیت ولی درخنثای مشکل برای روشن شدن وضعیت جنسیتی او عمل جراحی اشکال ندارد.

۱۰.اگر زنی که ازدواج کرده، پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، حکم ازدواج آن ها و پرداخت مهریه چگونه است؟

ج) ازدواج باطل است ولی مهریه را مرد باید بپردازد

۱۱.زن و مردی با هم ازدواج کرده اند، اگر مرد تغییر جنسیت دهد حکم ازدواج آن ها چگونه است؟ حال اگر هر دو تغییر جنسیت دهند چگونه است؟

ج: ازدواج آنها باطل است ولی مهریه را زوج باید بپردازد

۱۲.عمل جرّاحی در اعضای تناسلی با دو هدف انجام می شود:

تغییر جنسیت فرد، مانند تبدیل کردن مرد به زن و به عکس.

آشکار نمودن جنس واقعی.

با این توضیح کدام یک از آن ها جایز است؟

ج) به نظر ما صورت دوّم اشکال ندارد ولی صورت اوّل حرام است.

۱۳.زنی که ازدواج کرده است؛ چنانچه پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، حکم ازدواج و مهریه ی او چگونه است؟

ج) ازدواج او باطل است و اگر به او قبل از تغییر دخول شده است تمام مهر را می برد.

۱۴.زن و مردی با هم ازدواج کرده اند، اگر مرد تغییر جنسیت دهد، حکم ازدواج آن ها چگونه است؟

ج) ازدواج از زمان تغییر جنسیت باطل است و اگر قبل از تغییر با همسرش دخول کرده باید تمام مهر همسرش را بدهد.

۱۵.اگر زن و شوهر، هر دو تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج آن ها چگونه است؟

ج) اگر زمان تغییر جنسیت این دو همزمان نبوده ازدواج آن ها باطل است ولی اگر همزمان بوده احتیاط آن است که صیغه نکاح دوباره اجراء شود و زن فعلی حق ندارد که با کس دیگر ازدواج کند مگر آن که مرد فعلی او را طلاق دهد.

۱۶.آیا جایز است قلب یا کلّیه های بیماری که دچار مرگ مغزی نشده است ولی در آخرین لحظه های عمر به سر می برد و پزشکان درمانگر می دانند که دیگر زنده نمی ماند، با اجازه ی ولیّ او برای استفاده ی بیماران قلبی یا کلیوی برداشته شود و مورد استفاده قرار بگیرد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۱۷.اگر از نظر پزشکی این امکان فراهم گردد که مانند سایر اعضا بتوان تخمدان یک زن را به بدن دیگری پیوند زد، در این صورت، اگر زن دوّم در اثر ازدواج صاحب فرزند گردد با

توجّه به این که نطفه، حاصل لقاح مرد (اسپرم) با سلول های تخمدان (تخمک) زن اوّل است، به گونه ی طبیعی از نظر وراثت و خصوصیات شخصی، پنجاه درصد آن متعلّق به زن اوّل است. حال از نظر شرعی، مسأله ی محارم شوهر و زن دوّم و محارم فرزند چگونه است؟ آیا رابطه ی محارم با وابستگان زن اوّل برقرار است یا زن دوّم یا هر دو؟

ج) بعد از قبول پیوند و ملحق شدن به بدن زن دوم حکم عضو زن دوم را پیدا میکند و رابطه محارم نسبت به زن دوم برقرار است البته این عمل جایز نمی باشد.

۱۸.در صورت امکان، آیا جایز است سر انسانی را به انسان دیگری پیوند بزنند؟ در صورت جایز بودن، احکام سر بر آن جاری می شود یا احکام صاحب بدن یا شخص جدیدی است؟

ج) پیوند زدن سر انسان مسلمان جایز نیست مگر اضطرار شرعی باشد و راهی جز این نباشد و در صورت امکان حکم بدن فرد پیوند زده شده را دارد.

ص:۱۲۳

خرید ، فروش ،پیوند و تشریح اعضا

اشاره

پیوند اعضا

۱.اگر در عمل جرّاحی، عضوی از بدن را قطع کنند و به جای دیگری از بدن پیوند زنند، حکم عضو مقطوع از جهت نجاست و طهارت چیست؟

ج) بعد از پیوند و قبول پیوند توسط بدن، حکم طهارت را دارد امّا تا قبل از پیوند حکم نجاست را دارد.

۲.اگر پزشک احتمال دهد با برداشتن یک یا چند عضو از شخصی که زنده است، در آینده نزدیک یا دور، وی دچار عوارض خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به این کار باشد و مورد دیگری نیز در دسترس نباشد، آیا بدون آگاهی دادن از عوارض احتمالی به شخص پیوند دهنده، چنین کاری جایز است؟

حال اگر به وی اطلاع داده شود و با تمایل وی عضو پیوندی از بدنش خارج شود، در صورت ایجاد عارضه ای در وی، آیا پزشک مسؤول است؟

ج) جدا کردن عضو از بدن فرد مسلمان شرعاً جایز نیست خواه با رضایت او باشد یا بدون رضایت او باشد گرچه اگر بدون رضایت فرد باشد پزشک ضامن خواهد بود.

۳.آیا می توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد؟

ج) مانعی ندارد بعد از آن که پیوند توسط بدن انسان قبول شد حکم طهارت را دارد.

۴.اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که بدن بیمار پیوند عضو را رد خواهد کرد، آیا مجازیم با خوش بینی و به عنوان کمک به بیمار، از بدن فرد زنده یا مرده دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

ج) جدا کردن عضو از فرد مُرده مسلمان و یا اهدای عضو توسط فرد زنده جایز نیست

آیا می توان برای پیوند اعضا از اعضای حیوانات حرام گوشت یا حلال گوشت و یا نجس العین برای انسان استفاده کرد؟

ج) مانعی ندارد.

۵.اگر انسان نیازمند یا غیر نیازمند از حیوان مأکول اللحم یا حیوان نجس العین، عضوی را به خود پیوند بزنند، آیا صحیح است یا نه؟ حکم طهارت و نجاست آن را بیان نمایید.

ج: اشکال ندارد و بعد از گرفتن پیوند حکم بدن خود انسان را دارد

۶.آیا می توان عضوی از بدن انسان را به حیوان پیوند زد؟ حکم کلّی آن چیست؟

ج: جایز نسیت

۷.اگر شخصی که دهنده ی عضو است، کافر باشد و شخص گیرنده عضو مسلمان باشد، حکم عضو بُریده شده قبل و بعد از دمیده شدن روح در آن، چیست؟

ج: تا قبل از قبول پیوند نجس است ولی بعد از قبول پیوند حکم بدن انسان مسلمان را دارد

۸.آیا جایز است قلب یا کلّیه های بیماری که در آخرین لحظات عمر به سر می برد و پزشکان معالج می دانند که دیگر زنده نمی ماند را با اجازه ی ولی او برای استفاده بیماران قلبی یا کلیوی برداشته و مورد استفاده قرار دهند؟

ج: جایز نیست

۹.اگر جزئی از اجزای میت به ظاهر بدن انسان پیوند زده شود، چنانچه حیات در آن دمیده باشد، جزء بدن انسان محسوب می شود یا نه؟ و قبل از حلول حیات، چون انسان در حمل آن مضطر است، در حال نماز احکام ضرورت بر آن جاری است یا نه؟

ج: بعد از قبول پیوند و دمیده شدن روح حکم انسان زنده را دارد ولی قبل از آن نجس است و نماز خواندن با آن اشکال ندارد

۱۰.اگر احتمال دهیم با برداشتن یک یا چند عضو از شخصی که زنده است، در آینده نزدیک یا دور وی را دچار عوارض خفیف یا شدید خواهیم کرد و از طرفی نجات جان بیمار دیگر وابسته به همین کار باشد و مورد دیگری نیز در دسترس نباشد، آیا مجازیم بدون آگاهی دادن شخص دارنده عضو، چنین کاری را انجام دهیم؟ اگر به وی اطّلاع دهیم و با تمایل وی عضو پیوندی را از بدنش خارج کنیم چه حکمی دارد؟

ج) جایز نیست و حرام است

۱۱.اگر تخمدان زنی را به وسیله عمل جرّاحی به زنی که نازا است پیوند بزنند، و آن زن بچّه دار شود، آیا این عمل صحیح است یا خیر؟ و در صورت صحّت، بچّه متعلق به چه کسی می باشد؟

ج) این کار جایز نیست ولی اگر انجام شد بچه متعلق به زن قبول کننده رحم است.

سر را دارد گر چه احتیاط مناسب است.

خرید و فروش و اهدای اعضا

۱. آیا خرید و فروش کلیه انسان زنده یا مُرده، جایز است؟

ج) اگر کلّیه فرد مسلمان باشد خرید و فروش آن جایز نیست مگر به واسطه عوارض دیگر از بدن فرد جدا شده باشد که در این صورت به عنوان رفع ید می توان آن را به دیگری داد و وجهی دریافت کرد و اگر کلّیه فرد کافر باشد به عنوان رفع ید مانعی ندارد امّا خرید و فروش آن جایز نیست چون عین نجس است.

۲. آیا بیمارستان بدون اجازه یا وصیت میت، می تواند از اعضای بدن وی جهت حفظ جان انسان های مؤمن استفاده کند؟

ج) جایز نیست مگر آن که زنده ماندن این بیمار مخصوص به عضو این میت بستگی داشته باشد.

در صورت فقدان وارث چه حکمی دارد؟

ج) استفاده از اعضای بدن مسلمان مطلقاً جایز نیست مگر در صورت توقف حیات این بیمار.

در صورت وجود وارث و عدم اطلاع آنها چه حکمی خواهد داشت؟

ج) استفاده از اعضای بدن مسلمان مطلقاً جایز نیست خواه وارث راضی باشند یا خیر البته اگر حیات بیمار متوقف بر آن نباشد و راه دیگری هم متصور باشد.

۳. خرید و فروش عضوی از بدن انسان زنده برای پیوند به بیماران چه حکمی دارد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۴. آیا شخصی که قرار است اعدام شود، می تواند اعضای خود را بفروشد؟ و در این صورت آیا بین حد یا قصاص تفاوتی وجود دارد؟

ج) جایز نیست و تفاوتی نمی کند.

۵. آیا فروش یا اهدای اعضای بدن (مثل کلّیه) و جرّاحی آنان و پیوند به دیگری جایز است؟

ج) حرام است.

۶. آیا این کار برای استفاده از این اعضا بعد از مرگ خود شخص جایز است؟ (مانند فروش قلب و چشم).

ج) جایز نیست.

۷. آیا هدیه دادن یا فروش عضوی از اعضای بدن در صورتی که بدانیم در طول عمر شخص به صورت معمولی مؤثّر است و باعث کوتاه شدن عمر می شود، جایز است یا خیر؟

ج) جایز نیست.

۸. اگر شخصی وصیت کند که پس از وفات خود اعضای وی را به دیگران هدیه دهند، ولی سرپرست او پس از مرگ از این کار ناراضی باشد، آیا می توانیم این کار را بدون اجازه ی سرپرست او انجام دهیم؟

ج) به نظر ما این کار جایز نیست و وصیت باطل است حتی اگر اولیاء او هم اجازه دهند.

۹. آیا انسان می تواند در زمان حیات، رضایت خود را برای برداشت اعضای بدن خویش- در صورت عارضه ی مرگ مغزی- برای پیوند به انسان های مسلمان نیازمند با امضا اعلام نماید؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۱۰. آیا می توان اعضای جسد شخص ناشناسی که اعضای قابل پیوند دارد را به بیماری که نیازمند است پیوند زد؟ در صورت پیوند، اگر ولیّ مُرده یافت شود و به آن رضایت ندهد، چه باید کرد؟

ج) اگر زنده ماندن بیمار متوقف به پیوند این عضو باشد اشکال ندارد و باید اولیاء هم رضایت بدهند.

۱۱. اگر کسی وصیت به اهدای اعضا نکند، ولی اولیای او رضایت دهند که عضوی از بدن وی را پس از مردن به شخص نیازمند برای حیات یا غیر نیازمند پیوند بزنند، چه حکمی دارد؟

ج) به نظر ما پیوند عضو جایز نیست و لذا اگر اولیاء هم رضایت بدهند کفایت نمی کند مگر واقعا حیات بیمار متوقف بر این پیوند باشد و عضوی از فرد کافر هم یافت نشود.

۱۲. هم اکنون برای کمک به هم نوعان و هموطنان طرحی در حال اجراست که طی آن افراد علاقه مند، در زمان حیات خود به عضویت انجمن اهدای عضو؛ مانند: چشم و قلب در می آیند تا در صورت پیش آمدن حادثه یا مرگ طبیعی، بیمارستان ها مجاز باشند این اعضا را برای افراد نیازمند از شخص درگذشته به شخص نیازمند پیوند بزنند؛ نظر شرعی در این خصوص چیست؟

ج) به نظر ما این کار وجاهت شرعی ندارد.

۱۳. اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران ناراضی باشد، ولی پس از وفات، ولیّ وی مایل به آن باشد، آیا این کار جایز است؟

ج) جایز نیست.

۱۴. اگر کسی در طول زندگی خود نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضا نداشته باشد، آیا پس از مرگ وی می توان با اجازه ی ولی او به چنین کاری دست زد؟

ج) جایز نیست مگر حیات بیماری متوقف بر این کار باشد و راهی غیر از این پیوند نباشد.

۱۵. آیا میان مسلمان و غیر مسلمان از نظر نامشروع بودن جنایت بر جسد انسان- به صورت تکّه تکّه نمودن بدن که بی احترامی به درگذشته می باشد، تفاوتی وجود دارد؟

ج) از جهت جنایت بر میت چه مسلمان باشد یا غیر مسلمان دیه وجود دارد و هر دو از نهی دارد و جایز نیست ولی مقدار دیه مسلمان و غیر مسلمان متفاوت است.

۱۶. آیا تنها ضرورت نجات جان انسان نیازمند به پیوند عضو، برای جواز قطع عضو بیماران مبتلا به مرگ مغزی کافی است یا اجازه ی قبلی و وصیت صاحب عضو لازم است؟

ج) به نظر ما اگر حیات یک بیمار بر پیوند عضو متوقف باشد و عضو کافر هم یافت نشود برای پیوند عضو بیمار مرگ مغزی که شرعا مرده است کفایت می کند گرچه احتیاط در رضایت هم می باشد.

۱۷. اگر پزشک تشخیص دهد که فرد بیماری از دنیا خواهد رفت، آیا می توان با رضایت همسر، بیمار را از دستگاه جدا کرد تا مرگ زود و آسان برای بیمار پیش آید؟

ج) در صورتی که مرگ عرفاً به شخص جدا کننده دستگاه نسبت داده شود این کار جایز نیست.

۱۸. آیا زن می تواند برای امرار معاش و یا تهیه جهیزیه دخترش بدون اذن شوهر، اعضای بدن خود را (مثل کلّیه) به دیگران بفروشد؟

ج) این کار حرام است حتی با اجازه شوهر

۱۹. آیا می توان به اقوام نزدیک از اعضای رئیسه بدن (مثل چشم که موجب ایجاد نقص و عیب در شخص می شود) اهدا نمود؟ و آیا مادر می تواند اعضای بدن خود را در اختیار دخترش که ازدواج نموده است قرار دهد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۲۰. آیا کسانی که به دلایلی محکوم به اعدام هستند، می توانند اعضای بدن خود مانند: کلّیه و... را به دیگران بفروشند، یا هدیه دهند؟

ج) به نظر ما حرام است.

۲۱. آیا وصیت کردن به اهداء عضو بعد از مرگ صحیح است و آیا ورّاث حقّ اهداء عضو انسانی که به طور کامل از دنیا رفته یا دچار مرگ مغزی شده را دارند؟

ج) اگر فردی مرگ مغزی شده است نمیتوان اعضای او را اهدا کرد ولی اگر کسی فوت کرده و حیات انسان زنده ای متوقف بر اهدای عضو بدن میت باشد اشکال ندارد.

۲۲. خرید و فروش کلّیه در زمان حیات و چشم بعد از فوت جایز است یا نه؟

ج) به نظر ما جایز نیست در هر دو مورد چه در زمان حیات و چه بعد از فوت.

۲۳. اگر فردی به اعدام محکوم شود و بخواهد عضو یا اعضای بدن خود را به اشخاص مضطر بدهد تا در قبال آن از حاکم شرع تخفیفی بگیرد، آیا حاکم شرع می تواند، حکم اعدام او را تخفیف دهد؟ اگر حاکم شرع تخفیف از اعدام را به «محکوم» شرط نماید، آیا این شرط صحیح است؟

ج) این شرط شرعیت ندارد لذا موجب تخفیف در حکم نمی شود.

۲۴. آیا انسان می تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشت اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی، جهت پیوند به انسان های مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

تشریح

۱.آیا کسی که جسد مسلمانی را تشریح کرده، باید دیه بدهد؟

ج) تشریح بدن مسلمان جایز نیست و دیه هم دارد مگر ضرورت شرعی اقتضا کند مثل اینکه نجات جان یک بیمار متوقف بر این کار باشد و راه دیگری نباشد و یا احقاق حقی متوقف بر این باشد که باید به مقدار ضرورت شرعی اکتفا کرد.

۲.در سالن تشریح، گاهی از اجساد متعلّق به ایرانیان مسلمان استفاده می شود، آیا قطعه قطعه کردن آنها اشکالی ندارد؟

ج) جایز نیست.

۳.آیا تشریح جسد مُرده جایز است؟ اگر خودش وصیت کرده باشد چطور؟ آیا با اذن ورثه می توان جسد مُرده را تشریح نمود؟ اگر جان فرد دیگری در خطر باشد و با پیوند قسمتی از جسد مُرده؛ مثل قلبش به بدن بیمار، وی نجات یابد، آیا می توان بدن مُرده را تشریح نمود؟ در کل در چه صورتی می توان بدن مُرده را تشریح نمود؟

ج) به طریق اولیه جایز نیست حتّی اگر خودش وصیت کرده باشد و یا ورثه اذن بدهند هم جایز نیست.

ج) اگر نجات جان این بیمار متوقّف به تشریح و پیوند از این میت باشد اشکال ندارد. و لذا اگر ضرورت شرعی اقتضاء کند تشریح جایز است.

۴.اگر جسدی مجهول الهویه که اعضای قابل پیوندی دارد، در دسترس باشد، آیا می توان این اعضا را به بیماری که محتاج است، پیوند زد؟

ج) اگر در مناطقی باشد که عادتا مسلمانان هستند و حکم به اسلام جسد مجهول شود تشریح و پیوند اعضاء او جایز نیست مگر واقعا ضرورت شرعی اقتضا کند.

در فرض مسأله فوق که نجات جان بیمار مسلمان وابسته به پیوند عضو می باشد، اگر بعداً ولیّ متوفّی پیدا شود و از این کار ناراضی باشد، چه باید کرد؟

ج) اگر نجات جان بیمار مسلمان متوقف بر این پیوند باشد و راه دیگری هم متصور نباشد و جسد مرده کافر هم در بین نباشد اشکال ندارد و بعداً باید از ولیّ رضایت گرفت.

۵.اگر انسانی وصیت نکند، امّا اولیای میت بخواهند عضوی از بدن میت را به شخصی نیازمند یا غیر نیازمند پیوند بزنند، آیا می توانند چنین کاری را بکنند؟ اگر بفروشند حکمش چیست؟

ج) جایز نیست و اعضاء میت را نمی توان فروخت.

۶.اخیراً در ارتباط با یک طرح تحقیقاتی که مشغول انجام آن هستیم، مجبور شده ایم از سر نوزادان و بچّه هایی که مُرده به دنیا می آیند (و بعضاً بیش از چهار ماه از عمر جنین آن ها

می گذرد) نمونه برداری کنیم و برای این کار اجباراً وسط سر آن ها را باید به اندازه ۱ تا ۲ سانتی متر بشکافیم و با این مشکل رو به رو شده ایم که «تشریح» جسد مسلمان حرام است، لذا خواهشمندیم نظر صریح خود را در این مورد بفرمایید، ضمناً یادآور می شویم که این نمونه برداری ضروری و واجب است و اغلب در این صورت ممکن است به میکروب مورد نظر دسترسی پیدا کنیم و بتوانیم تا حدودی جلوی مرگ و میر نوزادان را در شکم مادر و یا اوّلین روزهای حیات بگیریم، و آیا دست زدن به بدن این بچّه غسل مس میت دارد؟

ج) اگر ضرورتی برای تشریح این میت باشد که عرفاً این نحوه تحقیق لازم باشد اشکال ندارد و الّا جایز نیست. و دست زدن به بدن این بچه غسل مسّ میت دارد.

۷.هم اکنون در نظام جمهوری اسلامی، برای کمک به هم نوعان و هم وطنان کشور طرحی در حال اجرا است که طی آن افراد علاقه مند، در زمان حیات خود به عضویت انجمن اهدای عضو از قبیل چشم، قلب، کلّیه و... در می آیند، تا در صورت بروز حادثه یا مرگ طبیعی، بیمارستان ها مجاز باشند، اعضای شخص متوفّی را به شخص نیازمند پیوند بزنند و او را به زندگی امیدوار کنند؟ نظر حضرت عالی در این خصوص چیست؟

ج) به نظر ما این کار شرعیت ندارد.

۸.اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران ناراضی باشد، امّا پس از وفاتش ولیّ وی مایل به این کار باشد، آیا پیوند اعضایش جایز است؟

ج) به نظر ما اگر خود متوفّی هم راضی باشد جایز نیست مگر حیات فردی متوقف بر این کار باشد.

۹.اگر شخصی در طول زندگی اش نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشته است، آیا پس از مرگش می توان به اجازه ولی وی چنین کاری را انجام داد؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

۱۰.اخیراً برای تشخیص مرگ های ناگهانی و سکته ای و یا کسانی که علّت مرگشان مشکوک است، به پزشک قانونی مراجعه می کنند و گاهی برای تشخیص کیفیت موت، مُرده را کالبد شکافی می کنند، تقاضامندیم نظر مبارک را در خصوص عمل کالبد شکافی مرقوم فرمایید؟

ج) اگر برای روشن شدن وضعیت فوت باشد و این کار از جهت احکام قضایی ضروری باشد اشکال ندارد و الّا تشریح بدون ضرورت جایز نیست.

۱۱.آیا تفاوتی بین اهل تسنن و اهل تشیع در عدم جواز تشریح جَسَد وجود دارد؟

ج) تفاوتی نیست و این حکم در مورد هر مسلمانی جاری است.

۱۲.آیا می توان جَسَد افراد به ظاهر مسلمان- مسلمان شناسنامه ای را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق موادّ مخدّر، مسائل سیاسی و... اعدام شده اند، تشریح نمود؟

ج) اگر مرتد باشند اشکال ندارد ولی باقی موارد جایز نیست.

۱۳.اگر ندانیم جَسَدی که در اختیار ماست، جَسَد یک مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب آیا مُجازیم آن را تشریح نماییم؟

ج) اگر در بلد یعنی کشور و یا منطقه مسلمانان است جایز نیست ولی اگر جسد در بلد غیر مسلمان باشد اشکال ندارد.

مرگ مغزی

۱.تعـدادی از بیمـاران به دلیـل ضایعـات مغزی غیر قابـل بـازگشت، به تحریکات داخلی و خارجی پاسـخ نمی دهنـد، و بـدون دستگاه فاقد تنفّس می باشند در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مورد اشاره، مطلقاً وجود ندارد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی «مرگ مغزی» نامیده می شود. با این توضیحات آیا در صورت احراز شرایط فوق می توان از اعضای مبتلایان به «مرگ مغزی» برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟

ج) به نظر ما این افراد تا زمانی که بدنشان سرد نشده مُرده نیستند و لذا جایز نیست.

۲.آیا صـرف ضـرورت نجات جان مسـلمانان نیازمنـد به پیوند عضو، برای جواز قطع عضو بیماران مبتلا به «مرگ مغزی» کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو لازم است؟

ج) تـا شـخص نمرده باشـد حتّی در صورت توقّف جـایز نیست اعضاء مسـلمان برداشـته شود حتّی با رضایت ولیّ و ما مرگ مغزی را مرگ تلقّی نمی کنیم.

۳.شخصی در اثر آسیب مغزی درک و شعور و شنوایی و بینایی و حسّ خود را از دست داده است؛ فقط قلب او می زند، حال بفرمایید:

چنین شخصی از نظر احکام اسلام زنده است یا خیر؟

ج) احکام زنده را دارد.

آیا کسی این شخص را در این شرایط بکُشد باید دیه کامل بپردازد؟

ج) بعید نیست که دیه داشته باشد گرچه قصاص ندارد.

در چنین وضعی آیا می توان عضوی از اعضای وی را برداشت؟

ج) به نظر ما جایز نیست.

در صورتی که با صرف هزینه های بسیار سنگین چنین بیمارانی را بتوان برای مدّتی زنده نگاه داشت، آیا انجام این کار واجب است؟

ج) اگر موجب عسر و حرج باشد لازم نیست.

در صورت واجب بودن تا چه مقدار از اموال وی را باید صرف این کار نمود و آیا اجازه وارث این شخص شرط است یا خیر؟ و در صورت داشتن وارث صغار چه باید کرد؟

ج) اگر یقین دارند که زنده نمی ماند لازم نیست هزینه ای بنمایند.

آیا می توان این بیمار را به همان حال باقی نهاد تا قلب او هم از کار بیفتد؟

ج) اگر عرفا معالجه او امکان ندارد و هزینه بالایی دارد رها کردن او تا اینکه قلب از کار بیفتد اشکال ندارد.

۴.اگر در مورد بیماری، پزشک تشخیص دهد که بیمار از دنیا خواهد رفت، آیا می شود بنا به رضایت همسر، بیمار را از دستگاه جدا کرد تا مرگی سریع و راحت داشته باشد؟

ج) اگر با جدا کردن دستگاه مرگ محقق می شود به گونه ای که عرفا مرگ به فرد جدا کننده دستگاه مستند می شود جایز نیست ولی اگر بیمار به حالت طبیعی درحالت احتضار و مرگ قرار دارد و مرگ مستند به شخص بردارنده دستگاه نباشد اشکال ندارد.

ص:۱۴۵

ضمان و دیه

اشاره

تشخیص و تجویز دارو

۱.در هر سال، یا ماه و یا حتّی هر روز، کشفیات یا نتایج تحقیقات جدیدی در جنبه های مختلف علوم پزشکی اعلام می شوند که روش های تشخیصی یا درمانی جدید، داروهای جدید و یا مواد غذایی مؤثری را برای انواع بیماری ها پیشنهاد می دهند و برخی روش ها یا داروها یا مواد قبلی کاملاً غیر مؤثر، مضر و بی فایده معرّفی می شوند.

آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه های بیهوده ناشی از روش هایی که در گذشته مطرح بوده اند مسئول می باشد؟

ج) اگر در کسب اطلاعات جدید سهل انگاری نکرده است مسئول نیست.

۲.اگر به خاطر عدم وجود امکانات کافی اطلاع رسانی، اطلاعات جدید به پزشک نرسد و وی هیچ گاه مطّلع نگردد، آن گاه مسئولیت بی فایده بودن روش های قبلی بر عهده کیست؟

ج) مسئولیتی ندارد.

نظر به این که، به خاطر سپردن کامل همان روش های قبلی نیز در دوران دانشجویی امکان پذیر نیست، چه رسد به روش های جدید، آیا پزشک می تواند به روش های قبلی اکتفا نماید تا فقط در حدّی که وقت دارد به فراگیری آن ها بپردازد؟ در این صورت اگر متوجّه مسائل مهم جدید نشود، آیا مسئولیتی بر عهده اوست؟

ج) اگر عرفا امکان اطّلاع گیری جدید نباشد ضمان ندارد ولی اگر بتواند از علوم و شیوه های جدید درمان اطلاع کسب کند ولی سستی کند و به همان روش سابق اکتفا کند و موجب خسارت یا هزینه اضافی و بیهوده شود بعید نیست که ضامن باشد.

۳.اگر پزشک روش یا دارویی را تجویز کند و بگوید این دارو برای فلان بیماری مفید است یا بگوید درمان فلان بیماری در گرو فلان دارو است، بدون آن که بیمار را وادار به مصرف آن دارو کند، آیا در صورت عدم تأثیر یا عوارض دارو، پزشک مسؤول یا مدیون است؟

ج) اگر پزشک در امور معاینه و امثال آن سهل انگاری نکرده باشد مسئول و ضامن نخواهد بود گرچه احتیاط در مصالحه است.

در فرض فوق اگر بیمار یا ولیّ او، شرط را قبول نکردند، آیا پزشک حقّ رها کردن بیمار را دارد؟

ج) می تواند مریض را رها کند.

۴.اگر قبل از عمل جراحی، بیمار مجبور به امضای شرایطی باشد که در صورت هرگونه ناموفق بودن جراحی، وی هیچ گونه حق و حقوقی بر کادر درمانی و بیمارستان ندارد، آیا در صورت هرگونه اختلال در جراحی، می توان با توجّه به امضای قبلی بیمار مدّعی شد، کادر درمانی هیچ مسئولیت شرعی بر عهده ندارند؟

ج) اگر ثابت شود که پزشک و یا تیم پزشکی در کار طبابت سهل انگاری کرده اند ضمانت دارد حتی اگر امضاء هم بگیرند.

در فرض فوق اگر بیمار کاملاً بی هوش باشد، آیا می توان از خویشان بالغ وی اجازه گرفت و یا شروط فوق را با آنها گذاشت؟

ج) بایداجازه از ولیّ گرفته شود و اگر ممکن نباشد از خویشان بالغ که عرفا برای کارهای بیمار به او مراجعه می شود اجازه گرفته شود.

۵.اگر بیمار، کاملاً بی هوش باشد و در حال حاضر هیچ شخص بالغ یا نابالغی که خویشاوند وی باشد جهت اجازه و امضای شروط در دسترس نباشد و در خطر فوری باشد، آیا می توان طبق وظیفه پزشکی هرگونه اقدام ممکنی را بدون اجازه انجام داد؟ و اگر پزشک به علّت ترس از عدم تأثیر درمان و کمک به تسریع مرگ و مدیون شدن، هیچ کاری انجام ندهد، مسئول خواهد بود؟ (زیرا گاهی مشاهده شده است اجل شخصی فرا رسیده است، ولی علّت مرگ را به غلط به پزشک معالج وی نسبت می دهند).

ج) اگر اقدام دکتر به درمان و یا تأخیر در مرگ کمک میکند انجام آن اشکال ندارد و الا اگر پزشک تشخیص داده که درمان تأثیر ندارد مسئول نخواهد بود.

۶.اگر پزشکی به طور کلی قبل از انجام هر عملی به بیمار خود یا ولیّ او متذکّر شود که این روش ها ممکن است بی فایده باشند و یا عوارضی برای او داشته باشند، و با ذکر این مطالب، پزشک، قبل از هرگونه معاینه، دستور، روش های تشخیصی، درمانی و تجویز دارو، کاملاً از خود در قبال خسارات و عوارض احتمالی سلب مسئولیت کند و بیمار به هر دلیلی قبول نماید، آیا پزشک در صورتی که سهواً اشتباهی را انجام دهد در برابر هزینه های بیهوده، و یا عوارض ناشی از روش های تشخیصی و درمانی، مسئول است؟ (در صورتی که وی حداکثر تلاش خود را نیز بکند).

ج) با این فرض چنانچه در درمان سهل انگاری نکرده است مسئول نیست.

۷.پزشکان برای تشخیص اکثر بیماری ها دستور انجام رادیوگرافی، سی تی اسکن و... را می دهند که مطمئناً برای برخی افراد مضر می باشند، امّا ممکن است این آزمایشات باعث تشخیص قطعی نشوند امّا همیشه کمک کننده هستند ضمناً در خیلی از موارد، گر چه گاهی ممکن است این آزمایشات باعث تشخیص قطعی نشود؛ امّا می تواند همیشه کمک کننده باشد، در این صورت آیا پزشک در قبال عوارض آزمایش ها مسئولیتی دارد؟ تا چه میزان؟

ج) اگر راه های بی ضرر وجود ندارد و لازم است که این گونه دستورات انجام شود ضمانت ندارد.

۸.گاهی اوقات، پزشک تنها به دلیل احتیاط و یا اطمینان حاصل کردن از تشخیص یا ردّ بیماری دستور به رادیوگرافی می دهد، تا یک بیماری مخفی احتمالی را کشف کند. در این صورت که تأیید و یا ردّ بیماری نیاز به رادیوگرافی دارد، آیا پزشک در ایجاد عوارض احتمالی و هزینه بیهوده درمان مسئول است؟

ج) ضامن نیست.

۹.با توجّه به این که پس از پیوند، شیمی درمانی ضروری به نظر می رسد امّا این کار باعث عوارض خفیف یا شدید در بیمار می گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار به دلیل عدم ردّ پیوند می باشد، در ایجاد عوارض آن، مسئول است؟

ج) در صورتی که راه منحصر باشد مسئول عوارض آن نیست.

۱۰.اگر پزشک از بارداری بیمار سؤال نکند و وی هم متذکّر نشود، مسئولیت عوارض احتمالی به عهده کیست؟

ج) به عهده ی خود بیمار است مگر آن که بیمار اصلاً نداند که ممکن است عوارضی برای بارداری او داشته باشد که باید پزشک سؤال نماید.

۱۱.اگر پزشک نداند و یا فراموش کرده باشد که دارو یا روش تشخیصی وی برای خانم های باردار یا شیرده مضر است، مسئولیت پزشک در صورت ایجاد عارضه در جنین یا مادر در چه حد است؟

ج) در صورتی که به بیمار یا جنین خسارت وارد شود ضامن است.

۱۲.اگر پزشک دارو یا روش درمانی را که در حال حاضر کاملاً غیر مضر شناخته شده به خانم بارداری توصیه کند امّا بعداً مشخص شود این اعمال برای مادر یا جنین کاملاً مضر بوده اند، آیا پزشک در قبال عوارض حاصله مسئولیتی به عهده خواهد داشت؟

ج) اگر تقصیری نداشته است ضامن نیست.

۱۳.گاهی اوقات مطمئن هستیم که یک بیماری، به زودی باعث مرگ بیمار خواهد شد. از طرفی می دانیم با یک عمل جرّاحی ممکن است یا بیمار بهبودی پیدا کند یا زودتر از موعد از دنیا برود، وظیفه ما در چنین مواردی چیست؟ اگر با این کار به تسریع مرگ بیمار کمک کنیم، آیا مدیون هستیم؟ اگر اقدام نکنیم چه؟ (با توجّه به این که گاهی نتیجه کار کاملاً نامشخّص است.)

ج) اگر احتمال داده شود که بیمار بهبود پیدا میکند عمل جرّاحی اشکال ندارد و در صورت آن که بیماری بهبود پیدا نکرده و در مرگ تسریع شده پزشک ضامن نیست.

۱۴.برای درمان برخی بیماری ها مانند: فشار خون بالایی که به علّت عوامل ناشناخته ای ایجاد شده اند یک یا چند دارو به کار برده می شوند و در صورت عدم تأثیر، داروهای دیگری به کار برده می شوند، حال با توجّه به این که این داروها در افراد مختلف همگی مؤثر نیستند و ممکن است در شخصی درمان های اوّلیه و در شخص دیگری درمان های بعدی مؤثر

باشـند و از طرفی هر یک از داروها دارای عوارض خاصّی هسـتند، آیا پزشک معالـج در قبال هزینه اضافی یا عوارض داروها مسؤول است؟

ج) هیچ گونه مسئولیتی برای پزشک معالج در این گونه امور نیست.

۱۵.در صورتی که داروهـای کاملاً مؤثّر، به هر علّتی در دسترس نباشـند، آیـا پزشک می توانـد داروهایی که احتمال می دهد مؤثر باشـند را تجویز کنـد؟ در صورت عدم موفقیت، آیا پزشک در قبال عوارض احتمالی این داروها و یا هزینه بیهوده ای که بر بیمار تحمیل شده مسئول و مدیون است؟

ج) اگر احتمال عقلایی داده شود که این داروها می تواند در بهبود بیمار مؤثّر باشد مسئولیتی برای پزشک متصوّر نیست.

۱۶.اگر در اثر کمبود امکانـات، تشـخیص بیمـاری ممکن نگردد، و در نتیجه مـداوای لازم صورت نگیرد و بیمـاری تشدیـد یا منجر به مرگ شود، آیا پزشکِ معالج مسئول است؟

ج) در صورتی که راهی جز همان راهی که پزشک معالج طی کرده، نبوده است پزشک معالج مسئولیتی ندارد.

۱۷.اگر پزشک به خاطر گستردگی موضوع، انواع و علائم بیماری ها را فراموش کنـد و بیماری بیمار را تشـخیص ندهـد و لذا نداند داروی مناسب برای این بیماری چیست و در نتیجه

اصلاً دارویی تجویز نکند، در صورتی که بیماری تشدید و یا منجر به مرگ گردد، پزشک در چه حدّی مسؤول است؟

ج) اگر امکان جستجو برای او نبوده و تشدید بیماری و یا مرگ به او نسبت داده نمی شود مسئولیتی ندارد.

۱۸.با توجّه به گستردگی بسیار زیاد علوم پزشکی که واقعاً امکان فراگیری و به خاطر سپردن تمامی بیماری ها، داروها، و عوارض آن ها وجود ندارد، اگر پزشک به علّت فراموشی، بنا به حدس خود، چه در موارد اورژانس و چه غیر اورژانس، جهت نجات جان یا تسکین آلام بیمار، سهواً اقدام به تجویز دارویی غیر مؤثر نماید که بیمار را متحمّل هزینه ی بیهوده یا عوارض جانبی کند، در این صورت آیا پزشک مسئول و مدیون است؟

ج) در صورتی که راهی جز این کار برای پزشک وجود ندارد و احتمال تأثیر در دارو را هم بدهد معذلک دارو تأثیری نداشته باشد پزشک مسئولیتی ندارد

۱۹.اگر پزشک بنا به اصرار بیمار، دارویی را تجویز نماید یا اقداماتی را انجام دهد که مضر است، در صورت ایجاد عارضه، مسئول کیست؟

ج) پزشک نباید در مورد اصرار بیمار تسلیم شود ولی اگر تسلیم شد و به عهده ی خود بیمار گذاشت مسئولیت ندارد و الا مسئول خواهد بود.

۲۰.اگر دارویی، نه برای نجات جان بیمار بلکه برای تسکین و مداوای بیماری هایی که باعث آزار بیمار می شوند (مانند: تب، خارش، درد، زخم و...) مصرف شود و احتمال دهیم که این داروها مؤثّرند ولی با توجّه به این که اکثر داروهای مؤثّر، در کوتاه مدّت یا دراز مدّت دارای عوارض زیادی می باشند، که گاهاً این عوارض از بیماری اولیه هم بدتر می باشند آیا در صورت بروز عوارضی در بیمار پزشک مسئولیتی به عهده خواهد داشت؟

ج) باید در این گونه موارد عوارض ناشی از مصرف این دارو برای بیمار توضیح داده شود و اگر پذیرفت تجویز گردد.

۲۱.اگر احتمال دهیم که نجات جان بیمار وابسته به مصرف دارو یا داروهای خاصّی می باشد که مضرّند و با تجویز پزشک، شخص دچار یک یا چند مورد از این عوارض شود، آیا پزشک مسئول است؟

ج) همه داروها معمولاً عوارضی دارد و پزشک مسئول عوارض نیست.

۲۲.اگر فرصت و امکان آزمایش وجود داشته باشد؛ امّا به دلایلی مانند: هزینه بالا، کمبود وقت و کمبود امکانات، آزمایشات لازم صورت نگیرد و شخص دچار عارضه شود، در این صورت آیا پزشک مسئول است؟

ج) اگر انجام نگرفتن آزمایشات باعث شود که عرفا این عوارضی که بیمار دچار گردیده از سهل انگاری های پزشک محسوب شود پزشک مسئول خواهد بود.

۲۳.با توجّه به این که ممکن است جان بیمار در خطر باشد و زمانی جهت تعیین حسّاسیت فرد به دارویی خاص وجود نداشته باشد، اگر با تجویز دارو، بیمار به آن حسّاسیت پیدا کند و دچار عوارض شدید یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض، مسئولیتی خواهد داشت؟

ج) چون معمولاً این عوارض بدون هیچ گونه سابقه ای چه بسا انجام می شود پزشک ضمانتی ندارد.

۲۴. اگر بیمار در اثر خطای پزشک از دنیا رفته یا ناقص العضو شود آیا پزشک ضامن است یا خیر؟

ج) ضامن است.

۲۵. بعضی از شربت هایی که فقط جنبه تقویتی دارند، همچنین بعضی از شربت های سینه بزرگسالان و حتّی اطفال، در فرمول آن ها الکل طبّی (مست کننده) به کار رفته است تجویز آن ها به وسیله پزشکان یا فروش آن ها در داروخانه چه حکمی دارد؟ با توجّه به این که هیچ کدام از آن ها چاره منحصر به فرد نمی باشد.

ج) در صورتی که عرفاً شراب (خمر) در آن به کار نرفته باشد فروش و تجویز آن حرام نیست

نظر به این که تجویز دارو بر طبق قانون (به استثنای داروهای بدون نسخه)، به عهده داروساز یا متصدّی داروخانه نمی باشد، چنانچه بیماری، به حال اضطرار

مراجعه کنـد - با توجّه به فوریت - در صورت ندادن دارو، منجر به نقص، جرح و یا فوت بیمار گردد، آیا داروساز در عواقب فوق، متّهم به قصور است؟

ج) اگر طبق قانون عمل کند مقصّر نیست.

۲۶.بـا توجّه به این که تشـخیص بیمـاری و تجویز دارو به عهـده ی پزشک معالـج واگـذار شـده و طبق قوانین موجود داروساز موظّف به تحویـل داروی تجویزی می باشـد، آیـا داروساز نسـبت به عوارض یا عواقب مضـرّه ناشـی از تجویز غیر علمی یا غیر ضروری و احیانـاً تجویز بر اسـاس سودجویی و غیره، شـرعاً ضامن است؟ آیا با توجّه به شـرح فوق و با توجّه به اطّلاع علمی از عوارض مترقّبه بعدی بری الذمّه می باشد؟

ج) اگر پزشک معالج تجویز نموده، پزشک داروساز مسؤولیتی ندارد.

۲۷. چنـانچه بیمـار یـا ولی بیمـار به طبیب حاذق و متخصـص اجازه معالجه داده باشـد، آیا در صورت تلف شـدن بیمار، طبیب ضامن است؟

ج) اگر تلف شدن بیمار به پزشک منتسب باشد و قبلًا ابراء نکرده باشد ضامن است.

۲۸.اگر به واسطه تشخیص نادرست طبیب حاذق، آسیبی به بیمار وارد شود، آیا طبیب ضامن است؟

ج) در صورتی که قبلًا ابراء نکرده باشد و سهل انگاری هم نکرده باشد ضامن است.

چنانچه پزشک در تشخیص سهل انگاری نموده باشد، حکم آن چگونه است؟

ج) ضامن است.

۲۹.اگر طبیب حاذق نسخه را غلط بنویسد، با توجّه به این که شیوه معالجه و درمان همین گونه است که نسخه را می نویسند و به بیمار می دهند و او دارو را تهیه و استفاده می کند. در نتیجه اگر صدمه ای به بیمار وارد شود، بفرمایید:

آیا باید دیه ای پرداخت شود؟ در صورت مثبت بودن جواب دیه به عهده کیست؟

ج) اگر ابراء ذمه نکرده باشد و تقصیر هم متوجّه پزشک باشد ضامن دیه است.

۳۰.اگر دارو یا داروهایی، نه برای نجات جان بیمار، بلکه جهت تسکین و مداوای دردی که باعث آزار بیمار می شوند؛ همانند تب، خارش، درد، زخم، و... مصرف شوند و بدانیم یا احتمال دهیم که این داروها مؤثّرند، و با توجّه به این که اکثر داروهای مؤثّر، در زمانی کوتاه یا دراز مدّت داری عوارض زیادی می باشند، در صورت تجویز پزشک و ایجاد عارضه که گاهی بدتر از بیماری است، آیا پزشک مسؤولیتی به عهده خواهد داشت؟ شایان ذکر است که شایع ترین و بیشترین تجویز دارو در چنین مواردی صورت می گیرد و لذا اهمیت فراوانی دارد.

ج) لازم است دکتر این موارد را به بیمار خود تذکر دهد و با رضایت بیمار دارو را تجویز کند و اگر بیمار پذیرفت تجویز شود.

۳۱.بـا توجّه به این که در کشف و توسـعه داروهـای جدیـد، یکی از مراحـل نهـایی، قبـل از ورود دارو به بازار، آزمایش روی انسان های داوطلب سالم یا بیمار به منظور ارزیابی اثر و عوارض آن دارو می باشد و همچنین در مورد داروهای رایج نیز بعضاً به منظور بررسـی و تحقیق اثرهـای جدیـد لازم است روی انسان ها انجام شود، چنانچه این امر منجر به عوارض نامطلوب روی این افراد گردد، آیا علی رغم داوطلب بودن افراد تحت آزمایش ذمّه ای بر عهده محقّقان است؟

ج) اگر تمامی تلاش خود را محققان به کار برده اند و داوطلب را هم از عوارض احتمالی آگاه کرده باشـند ذمّه ای به عهده محققان نیست.

۳۲.اگر بـا توجّه به علوم امروزی، امکـان تعیین حسّاسـیت یک دارو وجود نداشـته باشـد، آیا پزشک در صورت ایجاد عارضـه مسئول است؟

ج) مسئول نیست.

۳۳.به طور کلّی و با توجّه به علوم امروزی، اگر بدانیم یا احتمال بدهیم که نجات جان بیمار وابسته به مصرف داروهای خاصّی است که مضـر هستند و این مضرّات به احتمال قوی برای همگان وجود خواهد داشت و با تجویز پزشک، شخص دچار یک یا چند مورد از این عوارض شود، آیا پزشک مسئول است؟

ج) اگر نجات جان بیمار به استفاده از این دارو می باشد پزشک مسئول نخواهد بود.

۳۴.در برخی بیماری ها همانند فشار خون بالاـ به علّت عوامل ناشناخته ایجاد کننده آن، طبق روش معمول که اجرای آن براساس علوم روز ضروری است، یک یا چند دارو به کار برده می شود و در صورت عدم تأثیر، داروهای دیگری به کار برده می شود با توجّه به این که این داروها در افراد مختلف همگی مؤثّر نیستند و ممکن است در شخصی، برای درمان های اولیه و در شخص دیگری برای درمان های آخر مؤثّر باشند، و از طرف دیگر، هر یک از داروها دارای عوارض خاصّی هستند، آیا پزشک معالج که در حقیقت داروهای مختلف را به ترتیب در مورد بیمار آزمایش می کند، در قبال هزینه اضافه یا عوارض داروها مسئول است؟

ج) اگر عرفا راهی برای معالجه بیمار و یا به دست آوردن نتیجه تأثیر این آزمایشات نیست مسئولیتی برای پزشک متصور نیست.

۳۵.در صورتی که داروهای کاملاً مؤثّر به هر علّتی در دسترس نباشند، آیا پزشک می تواند داروهایی را که احتمال می دهد مؤثّر باشند تجویز کند؟ در صورت عدم موفقیت، آیا پزشک در قبال عوارض احتمالی این داروها یا هزینه بیهوده ای که بر بیمار تحمیل شده، مسئول و مدیون است؟

ج) در صورتی که راهی جز تجویز این داروها نیست پزشک مسئولیتی ندارد.

۳۶.اگر طبیب حاذق دستور داروی اشتباهی را برای بیمار به پرستار بدهد و پرستار هم آن دارو را به بیمار بدهد و بیمار آسیب ببیند بفرمایید:

آیا ضمانی باید پرداخت شود؟ در صورتی که باید داده شود به عهده کیست؟

در صورت سهل انگاری نسبت به مورد فوق حکم چیست؟

ج) هر کسی که عرفا اشتباه مستند به او باشد واین عمل به او نسبت داده شده ضامن است و با فرض گفته شده خواه سهل انگاری صدق کند یا سهل انگاری در کار نباشد پزشک ضامن می باشد مگر ابراء ذمه کرده باشد و سهل انگاری صدق نکند.

۳۷.اگر پزشک با توجّه به گستردگی موضوع نداند و یا فراموش کرده باشد که دارو یا روش تشخیص وی برای خانم های باردار یا شیرده مضر است، مسئولیت پزشک در صورت ایجاد عارضه برای جنین یا مادر در چه حد است؟

ج) باید قبل از تجویز دارو به کتب مربوطه مراجعه نماید و در صورت عدم مراجعه و وارد آمدن خسارت به بیمار پزشک ضامن خواهد بود.

۳۸.اگر پزشک دارو و یا روش تشخیصی را که در حال حاضر کاملاً غیر مضر شناخته شده به خانم بارداری توصیه کند، امّا بعداً مشخّص گردد برای مادر یا جنین کاملاً مضر بوده، همان طور که

این مورد در تاریخ پزشکی رخ داده است، آیا پزشک در قبال عوارض حاصل از این موارد، مسئولیتی بر عهده خواهد داشت؟

ج) پزشک با فرض مذکور ضمانتی ندارد.

۳۹.به طور کلّی آیا جواب منفی خانم بیمار در مورد پرسش پزشک از حاملگی وی- چه خود بداند که باردار است و به هر علّتی نگوید و چه نداند که باردار است- از پزشک معالج در قبال عوارض احتمالی داروهای تجویزی رفع مسئولیت می کند؟

ج) ضمانتی ندارد.

۴۰.چنانچه بیمار یا ولیّ بیمار به پزشک ماهر و متخصص اجازه ی درمان داده باشد، آیا در صورت درگذشتن بیمار، پزشک ضامن است؟

ج) اگر سهل انگاری در امر پزشکی نکرده باشد و برائت ذمه گرفته باشد ضامن نیست.

۴۱.اگر به واسطه ی تشخیص نادرست پزشک ماهر، به بیمار آسیبی وارد شود، چنانچه پزشک در تشخیص سهل انگاری نموده باشد، حکم آن چگونه است؟

ج) ضامن است.

۴۲.اگر پزشک ماهر یا غیر ماهر به اشتباه یا از روی سهل انگاری، نسخه ی اشتباه و زیان آوری بنویسد و بیمار، دارو را تهیه و مصرف کند و به وی صدمه ای وارد شود، آیا باید دیه بیمار

پرداخت شود؟ در این صورت، دیه بر عهده ی کیست؛ پزشک یا داروخانه؟

ج) اگر پزشک سهل انگاری کرده باشد و صدمه وارده عرفاً به پزشک نسبت داده شود باید دیه را او پرداخت کند ولی احوط مصالحه کردن است زیرا خود بیمار عمداً دارو را مصرف کرده است.

۴۳.اگر با توجّه به دانش پزشکی، امکان تعیین حسّاسیت برخی از داروها وجود نداشته باشد، در صورت پدید آوردن عارضه در بیمار، آیا پزشک مسؤول است؟

ج) با فرض مذکور پزشک ضامن نیست.

۴۴.با توجّه به دانش امروز، اگر بدانیم یا احتمال بدهیم که نجات جان بیماری وابسته به مصرف داروهای ویژ ه ای است که زیان بار است و این زیان ها به احتمال زیاد برای بیش تر بیمارانی که از آن داروها مصرف می کنند نیز وجود دارد، با این توضیح، اگر پزشک تجویز کند و شخص دچار عوارض مختلفی شود، آیا پزشک مسئول است؟

ج) با فرض مذکور که نجات جان بیمار وابسته به این دارو باشد عوارض جانبی دارو برای پزشک ضمانت آور نیست خصوصاً اگر ابراء ذمّه کند.

۴۵.در صورتی که داروهایی که اثربخشی کاملی دارند. به هر علّتی در دسترس نباشد، آیا پزشک می تواند داروهایی را که احتمال

می دهـد کمی اثربخش است را تجویز کنـد؟ در صورت عدم موفقیت، آیا پزشک در برابر عوارض احتمالی این گونه داروها یا هزینه ی بیهوده ای که بر بیمار تحمیل شده است مسئول و بدهکار می باشد؟

ج) با فرض مذکور مسئول نمی باشد.

آزمایش و تزریقات

۱.با توجّه به این که تشخیص بسیاری بیماری ها یا اختلالات به وسیله ی آزمایش امکان پذیر است و از طرفی امکان اشتباه در آزمایشگاه و تفسیر آزمایش ها همیشه وجود دارد، در صورت اشتباه آزمایشگاه و در نتیجه معالجه اشتباه پزشک، مسئول خسارات و عوارض احتمالی کیست؟

ج) اگر آزمایشگاه و یا طبیب در وظیفه خود قصور کرده باشند هر کدام که قصور کرده اند مسئول هستند ولی اگر قصوری نبوده باشد، ضمانتی نیست.

۲.اگر برای معالجه انسان لازم باشد ادرار انسان از طریق دهان یا نوعی تزریق استفاده شود آیا جایز است.

ج: در صورت ضرورت اشکال ندارد

۳.اگر آمپولی به بیماری تزریق شود و بیمار به واسطه آن فوت کند، بفرمایید: در مورد ضمان یا عدم ضمان فردی که باید دیه بپردازد در وجوه ذیل حکم چگونه است؟

تزریق آمپول توسط شخص آشنا به نحوه تزریق صورت گرفته و او در تزریق اشتباه کرده باشد.

ج) دیه شخص متوفی را باید شخص تزریق گر بدهد.

آمپول توسط شخص غیر آشنا به نحوه تزریق انجام گرفته باشد.

ج) دیه شخص متوفی را باید شخص تزریق گر بپردازد.

تزریق توسط طبیب حاذق بوده، ولیکن سهل انگاری در کار بوده است.

ج) دیه را پزشک باید بپردازد.

۴.در بسیاری از بیماری ها و اختلالات جسمانی، پزشک دستور عکس برداری، سی تی اسکن و... می دهد که مطمئناً به خصوص برای برخی افراد مضر می باشد. ضمناً در خیلی از موارد، گرچه گاهی ممکن است این آزمایش ها باعث تشخیص قطعی نشوند، امّا می توانند همیشه کمک کننده باشند، به هر حال در فرض فوق، مسئولیت پزشک در صورت ایجاد عوارض آزمایش ها تا چه حدّی است؟

ج) اگر این عکس برداری ها و امثال آن برای بیمار ضرورت داشته مسئولیتی متوجّه پزشک نیست.

۵.در بسیاری از بیماری ها، پزشک دستور عکس برداری، سی تی اسکن و... می دهد که برای برخی افراد مضر است، اگر روش

معالجه به غیر از این طریق نباشد و بیمار هم بیهوش باشد، آیا می توان از خویشان بالغ وی اجازه گرفت و یا با آن ها شرط نمود؟

ج) اگر ضرورت داشته باشد و اجازه هم بگیرند دیگر مسئولیتی متوجّه پزشک نیست.

۶.اگر فرصت و امکان آزمایش، وجود داشته باشد؛ امّا به دلایل دیگری، مانند هزینه ای که به بیمار تحمیل می شود (و احیاناً وی حاضر به تحمّل آن هزینه نیست)، امکاناتی که برای ما وجود ندارد و یا وقتی که از بیمار می گیرد، آزمایش های لازم صورت نگیرد و شخص دچار عارضه شود، در این صورت آیا پزشک مسئول است؟

ج) اگر پزشک آزمایشات را ضروری و لازم می دانسته و معذلک اقدام نکرده است و خسارت به بیمار وارد شده است ضامن است ولی اگر خود بیمار توان آن را نداشته و پزشک هم چاره ای نداشته است ضمانتی برای پزشک نیست.

جراحی و قطع اعضا

۱.اگر واگذاری و هدیه اعضای بدن موجب تسریع در مرگ شود، چه وجهی دارد؟ آیا می توان وصیت کرد بعد از مرگ مغزی، اعضای بدن شخص را به دیگران بفروشند یا هدیه دهند؟ در صورت مرگ مغزی، فروش اعضای بدن شخص مورد نظر چه حکمی دارد؟

ج) به نظر ما جایز نیست حتّی وصیت آن هم در مرگ مغزی جایز نیست.

۲.آیا برداشتن عضو از بدن فرد زنده جهت پیوند، مستلزم پرداخت دیه می باشد؟

ج) حرام است و مستلزم دیه می باشد.

۳.آیا بریدن سر میت و یا قطع اعضا، یا وارد نمودن جراحت بر وی دیه دارد؟

ج) در همه موارد دیه دارد.

۴.جدا نمودن بعضی از اجزای بدن مسلمان محتضر و پیوند آن به بدن انسان زنده چه صورتی دارد و آیا دیه به آن تعلّق می گیرد یا خیر؟ و در صورت تعلّق دیه، نسبت به اجزا فرق می کند یا خیر؟

ج) جدا نمودن اجزاء بدن مسلمان هرچند در حال احتضار باشد حرام است و دیه یا چه بسا قصاص دارد.

۵.درباره ی سهل انگاری طبیب در عمل جرّاحی، که موجب وارد شدن آسیب به بیمار شود، بفرمایید:

آیا طبیب ضامن پرداخت دیه است؟

ج) چنانچه سهل انگاری محقق شود ضامن است.

اگر به واسطه ی سهل انگاری در عمل جرّاحی قبلی نیاز به عمل جرّاحی و درمان مجدّد برای بیمار پیدا شود، آیا طبیب سهل انگار باید هزینه ی آن ها را بپردازد یا همان دیه کافی است؟

ج) همان دیه کافی است.

اگر سهل انگاری طبیب منجر به فوت بیمار شود، قتل، چگونه قتلی خواهد بود؟

ج) شبه عمد است و دیه دارد.

۶.در مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی دولتی، دستیاران به ویژه در سال های نخست باید با حضور و راهنمایی اساتید خود

اقدام به عمل جرّاحی نمایند. در صورتی که دستیار با اجازه استاد خود، یا با این امید که استاد گفته است: شما کار را شروع کنید، من هم می آیم، عمل جرّاحی را شروع کنند ولی استاد حاضر نشود و در اثر عمل جرّاحی آسیبی به بیمار وارد شود که ناشی از عدم حضور استاد است، مسئول کیست؟

ج) ابتدائاً پزشک جرّاح ضامن است و اگر عرفاً عدم حضور استاد موجب ایجاد این آسیب باشد ایشان هم ضامن است.

۷.طبیبی حاذق و ماهر، بدون سهل انگاری اقدام به عمل جرّاحی بیماری کرده است و در ضمن عمل، آسیبی به بیمار وارد گردیده است. لطفاً موارد ضمان یا عدم ضمان طبیب را در وجوه ذیل بیان فرمایید:

۸.طبیبی حاذق و ماهر ، بدون سهل انگاری اقدام به عمل جراحی بیماری کرده است و در ضمن عمل ، آسیبی به بیمار وارد گردیده است. لطفا موارد ضمان و عدم ضمان طبیب را در وجوه ذیل بیان فرمایید:

بدون اذن از بیمار یا بستگان وی اقدام به عمل نموده باشد.

ج) ضامن است.

از اذن گرفتن غفلت کرده باشد.

ج) ضامن است.

بیمار در حال اغما باشد و برای اذن دسترسی به بستگان بیمار نداشته باشد و تأخیر هم موجب به خطر افتادن جان بیمار شود.

ج) اگر سهل انگاری نداشته باشد ضامن نیست.

در مورد فوق، اگر تأخیر موجب نقص عضو و یا تعطیل شدن عضوی از بیمار گردد، حکم چیست؟

ج) ضامن نیست.

۹.اگر در موارد فوق دیه باید داده شود بر عهده چه کسی است؟

اگر در موارد فوق باید دیه به بیمار داده شود، آن دیه به عهده ی کیست

ج) به عهده پزشک جرّاح است.

۱۰.در مواردی که برای معالجه بیمار باید اذن گرفت تا ضمان متوجّه طبیب نشود، مانند جایی که اذن نگرفتن به خاطر تعارف در اذن گرفتن و بناء بر استیذان موجب بی مبالاتی و تقصیر گردد، بفرمایید:

آیا اذن از ولیّ طفل ممیز کافی است یا باید از طفل هم اذن گرفته شود؟

آیا اذن از ولی طفل ممیز کافی است یا باید از طفل هم اذن گرفته شود؟

ج) بعد اذن از ولیّ، اذن از خود طفل ممیز لازم نیست.

در مورد عمل جرّاحی روی بیمار مغمی علیه، از کدام یک از کسانِ بیمار باید اذن گرفت. آیا ترتیب یا اولویتی در کار است؟

ج) ترتیب آن بر اساس همان ترتیب اولیاء در اجازه امور میت است.

در مورد بیمار مغمی علیه یا طفل صغیر مصدوم که مشخّص نیست آیا ولیّ دارد یا نه و دسترسی به حاکم شرع هم برای گرفتن اذن وجود ندارد و عدول مؤمنین هم حاضر نیستند و معالجه هم فوری باید انجام شود، تکلیف چیست؟

ج) بعد از اعلام برائت طبیب باید عمل جرّاحی را انجام دهد و نباید سهل انگاری در طبابت داشته باشد.

۱۱.گاهی اوقات مطمئن هستیم که یک بیماری، فرد بیمار را به زودی از پا در خواهد آورد از طرفی می دانیم که با یک عمل درمانی مثل جرّاحی ممکن است یا بیمار بهبود نسبی پیدا کند و یا حتّی زودتر از موعد از دنیا برود. وظیفه ما در چنین حالتی چیست؟ اگر با این کار به تسریع مرگ بیمار کمک کنیم، آیا مدیون هستیم؟ همچنین اگر اقدام به درمان نکنیم، آیا مسئول نیستیم؟ با توجّه به این که گاهی نتیجه کار کاملاً نامشخص است.

ج) اگر واقعاً نتیجه عمل به این صورت نامشخص است وظیفه ای نسبت به عمل جرّاحی ندارند و مدیون نیستند.

۱۲.با توجّه به این که بعد از پیوند اعضا، شیمی درمانی ضروری به نظر می رسد و همین عمل باعث عوارض خفیف یا شدید در بیمار می گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم ردّ پیوند است، در ایجاد عوارض آن مسئول است؟

ج) اگر ضرورت ایجاب نموده باشد، مسئول نیست.

۱۳.اگر مریض در بیمارستان در اثر سهل انگاری و یا بی توجّهی پزشکان از دنیا برود، آیا دیه به عهده آن هاست یا خیر؟ و اگر جواب مثبت است، مقدار دیه مرد و زن چه مقدار است؟

ج) اگر عرفاً نسبت قتل به پزشک یا پزشکان داده شود دیه به عهده آن فرد یا افراد است و مقدار دیه ۱۰۰ نفر شتر در مرد و نصف آن در زن است.

۱۴.آیا در مورد جواز قطع اعضا، دیه ثابت است یا ساقط می شود؟

ج) دیه ساقط نیست و باید دیه آن پرداخت شود مگر قطع آن عضو به حق باشد مثل قصاص.

۱۵.آیا برداشتن عضوی از بدن فرد زنده جهت پیوند، مستلزم پرداخت دیه است؟

ج) این عمل جایز نیست ولی اگر خود فرد دهنده عضو راضی باشد و درخواست دیه نکند دیه به عهده پزشک نیست.

۱۶.در صورتی که در یکی از مراکز درمانی در اثر بی دقّتی و سهل انگاری باعث از کار افتادگی یا قطع یکی از اعضای فرد بیماری

شونـد یا در اثر اشـتباه در اتاق عمل عضوی از اعضای بیماری را اشـتباهاً قطع کنند، آیا دیه دارد؟ بفرمایید دیه اعضا چه مقدار است؟

ج) دیه وجود دارد و باید مشخص شود که چه عضوی قطع شده تا دیه آن را مشخص نمائیم.

۱۷.در صورتی که پزشک و یا شخصـی در اثر سـهل انگاری یا به عمـد باعث از کار افتادن چند عضو کسـی گردد، حکم آن چگونه است؟

ج: ضامن است و دیه دارد.

ج) اگر سهل انگاری باشد دیه دارد و اگر به عهده باشد قصاص دارد.

۱۸.اگر پزشکی، از روی سهل انگاری باعث، فلج کردن و از کار انداختن عضو بیماری شود، آیا دیه دارد؟

ج) دیه دارد.

متفرّقه دیه و ضمان

۱.گاهی برای به هوش آوردن بیمار لازم است شوک ها و دردهای زیادی به وی وارد ساخت - مثلا گاهی به وی سیلی می زنند یا دندان او را بدون بی حسّی میکشند و یا به استخوان او امپول تزریق میکنند - آیا چنین اعمالی موجب ضمان و اثبات دیه می شود؟

۲.گاهی برای به هوش آوردن بیمار لازم است شوک ها و دردهای زیادی به وی وارد ساخت - مثلاً گاهی به وی سیلی می زنند یا دندان او را بدون بی حسّی می کشند و یا به استخوان او آمپول تزریق می کنند - آیا چنین اعمالی موجب ضمان و اثبات دیه می شود

ج) در صورت وجود اضطرار، دیه ندارد.

۳.در حالت انجماد قرار دادن انسانی که مبتلا به بیماری لاعلاج است، و احیای مجدّد او پس از کشف درمان بیماریش بعد از چندین سال، چه حکمی دارد؟

ج) مشکل است زیرا عرفا صدق مرگ مصنوعی میکند و جواز آن مشکل است.

۴.دیه زن و مرد چه تفاوتی با هم دارد؟

ج) دیه زن و مرد تا به یک سوم دیه کامل نرسیده مانند هم است ولی اگر از ثلث دیه زیادتر شد دیه زن نصف دیه مرد می شود.

۵.موارد مصرف دیه گرفته شده - از بیمار یا پزشک - در پیوند اعضای میت به فرد نیازمند به آن عضو کدام است؟

ج) باید در مورد خود میت با اجازه اولیاء او مصرف شود.

۴.بیماری مبتلاـ به بیماری مسری و مهلکی مانند ایدز است و پزشک معالج را عمداً یا غفلتاً از آن مرض آگاه نمی کند و پزشک در جریان معالجه، مبتلا به آن بیماری شود و فوت کند. آیا بیمار مسئولیتی دارد؟

ج) اگر با این نیت پزشک را آگاه نمی کند ضامن است همچنین اگر عرفا بداند که بیماری او موجب سرایت به پزشک می شود و او را خبردار نکند باز هم ضامن است.

۵.در صورت هدیه اعضای بدن، آیا دیه به آن اعضا تعلّق می گیرد؟ و اگر دیه تعلّق می گیرد، چه کسی باید آن را بپردازد؟

ج) هدیه اعضای بدن به نظر ما جایز نیست و اگر اعضاء را جدا کنند باید دیه بدهد و فرد مباشری که اعضا را جدا کرده ضامن است مگر دیگری او را امر به این کار کرده و مباشر بدون اختیار ناچار بوده است که فرد آمر به این کار باید دیه را بدهد.

هزینه درمان

۱.اگر تشـخیص بیماری به درستی صورت گیرد، ولی داروی مؤثّر در دسترس نباشد و یا بسـیار گران باشد و بیمار قادر به تهیه آن نباشد، آیا پزشک معالج ملزم به تهیه آن دارو به هر طریق ممکن برای بیمار می باشد؟

ج) وجوبی برای تهیه دارو توسط پزشک نیست.

۲.نوشتن داروی بیمار در دفترچه بیمه دیگری خلاف قانون است، اقدام به این کار از سوی پزشک چه حکمی دارد؟

ج) شرعاً جایز نیست.

دارو

اشاره

...

...

مصرف دارو

۱.آیا الکلی که برای ضدّ عفونی، پس از تزریقات به کار برده می شود، نجس است؟

ج) الکل صنعتی که غالبا برای ضد عفونی به کار می رود پاک است و الکلی که دارای خاصیت مست کنندگی است نجس و حرام است.

۲.بیمار، پمادی را که با الکل سفید ساخته می شود را با تجویز پزشک به صورت می مالد و با آن نماز می خواند. آیا نمازش صحیح است؟

ج) اگر الکلی است که جهت خوراکی استفاده می شود نجس است و نماز خواندن با آن جایز نیست.

۳.آیا استفاده از دهان شوهای محتوی الکل برای برطرف نمودن بوی بد دهان و نیز کُشتن میکروب های دهان و لثه ها بلا اشکال است یا خیر؟ (با این توضیح که دهان شوهای مذکور از نظر پزشکی برای تمیز کردن دهان است و فرو بردن آن ها مضر است؟

ج) اگر دارای خاصیت مست کنندگی نباشد و صرفا برای شستشوی دهان است پاک می باشد.

۴.آیا الکل طبّی (نه الکل صنعتی) که برای تزریقات استفاده می شود پاک است؟

ج) اگر همان الکلی است که خوراکی است و مست کننده است نجس و حرام است و الا پاک است.

۵.آیا استفاده از داروهایی که با مقداری الکل مخلوط شده اند (مثلاً ۱۰٪) جایز است؟

ج) اگر در آن از الکلی استفاده می شود که جهت خوراک استفاده می شود و طبع آن مست کننده است حرام و نجس است.

۶.حکم استفاده از داروهای تقویتی که از ژلاتین طبیعی یا مصنوعی (کپسول) ساخته شده اند چیست؟

ج) اگر از حیوان حرام گوشت و یا حیوان حلال گوشت که ذبح شرعی ذبح نشده استفاده شده حرام می باشد.

۷.مادّه انسولین که در معالجه بیماری قند تزریق می شود احیاناً از بنکربایس خوک، گرفته می شود آیا استعمال آن جایز است؟

ج) اگر استحاله نشده باشد استفاده آن حرام است.

۸.استفاده از داروهایی مانند: «کورتیکو استرئید» و یا «زیدودین» یا «سیکلو سپورین» برای بهبودی موقتی یا رفع درد که مرگ را به طور قابل ملاحظه ای جلو می اندازند چه حکمی دارد؟

ج) اگر به صورتی است که عرف کارشناس این داروها را به طور مطلق خطرناک می داند استفاده آن جایز نیست.

۹.بیماری مبتلا به بیماری سختی است که درد کُشنده و غیر قابل تحمّلی را به همراه دارد و دکتر وی توصیه کرده است برای آرامش روزی دو بار ویسکی (شراب) با چای بخورد که باعث تخفیف دردش می شود. حال با وجود آن که نوشیدن شراب حرام است امّا مسکّن درد بیمار است آیا نوشیدن آن جایز است؟

ج) حرام است.

۱۰.بنا به دستور پزشک، دارویی را به صورتم میزنم که دارای الکل است ولی این دارو با دارویی دیگر محلول شده که قابل خوردن نیست؛ آیا این دارو نجس است؟

ج: اگر الکل به کار رفته در ان خوراکی نیست و دارای خاصیت مست کنندگی نیست پاک است.

ج) هر الکلی نجس نیست اگر یقین کند که از الکلی که جهت خوراک استفاده شده و مست کننده هم می باشد حرام و نجس هم می باشد.

۱۱.آیا دارویی که در بازار مسلمین بیع و مصرف می شود و مصنوع دست آن ها است محکوم به طهارت است؟

ج) محکوم به طهارت است.

۱۲.حرمت و نجاست استفاده از «الکل اتلیک» را که از منابع تخمیری، شیمیایی و صناعی گرفته می شود و در طب و داروسازی به صورت موضعی (زداینده، خشک کننده، ضدّعفونی کننده) و خوراکی، اعم از این که خوردن آن جنبه دارویی داشته باشد، مثل سم زدایی متانول و یا به صورت جزئی و یا فرعی در یک فرآورده

دارویی مایع به عنوان حلّال یا محافظ وارد شده باشد، تعیین فرمایید؟ لازم به توضیح است که در تهیه موادّ اوّلیه نیز در بسیاری موارد الکل مصرف می شود؛ یعنی تماس با الکل وجود دارد.

ج) الکل به خودی خود نجس و حرام نیست ولی عرفاً چیزی که مست کننده باشد حرام و نجس است و تفاوتی هم نمی کند که در چه مواردی مصرف می شود.

۱۳.با توجّه به این که برخی از داروهای ضروری و حیاتی از منابع حرام یا نجس مثل اعضا یا دفعیات انسان یا حیوان تهیه می گردند و معمولاً این گونه داروها از کشورهای خارج و غیر مسلمان وارد می شوند، حکم شرعی مصرف این گونه داروها در انسان و نیز معامله بر روی آن ها چیست؟ همچنین ژلاتین وارداتی کپسول ها معمولاً از روده خوک، یا گوسفند ذبح غیر شرعی تهیه می شود، حکم آن چیست؟

ج) اگر بدانید که از حیوانات حرام گوشت و یا حیوان حلال گوشت که ذبح شرعی نشده تهیه می شود استفاده از این داروها حرام است مگر اضطرار حکم به جواز کند و الّا جایز نیست و خوردن آن ها حرام است.

۱۴.اگر بیماری جهت مداوای خود نیاز مبرم به خوردن یا آشامیدن چیز حرام یا نجس داشته باشد، آیا خوردن و آشامیدن چنین چیزی برای او حرام است؟

ج) اگر مداوای او متوقف بر خوردن و یا آشامیدن این شئ حرام باشد اشکال ندارد و الّا حرام است

احکام ویژه بیماران

اشاره

...

طهارت و نجاست

۱.کندن پوست یا زخم یا کشیدن دندان و یا امور مشابه آن ها چه حکمی دارد؟ آیا این گونه پوست ها نجس اند؟

ج) اگر پوست کَنده شده دارای جان است یعنی هنگام کَندن ایجاد درد می کند نجس است.

۲.دستی که بریده شده و دهانه زخم آن باز است و لای آن قرمز است (خونی است)، آب کشیده می شود، لکن خون لای آن از بین نمی رود، آبی که از روی آن خون بر می گردد، چه حکمی دارد؟

ج) اگر از باطن بدن حساب می شود پاک است.

۳.در توضیح المسائل فرموده اید: خونی که از لای دندان ها بیرون بیاید و در آب دهان مستهلک شود، پاک است.

آیا این حکم شامل دیگر خون های دهان- نظیر زبان و قسمت داخلی گونه ها- نیز می شود؟

ج) شامل تمامی این موارد می شود.

۴.از دهـانم وقتی که خواب هسـتم، آب زرد رنگی بیرون می آیـد که متکّا را خیس و زرد می کنـد، آیا این آب نجس اسـت (چون زردی آن مثل خون است)؟

ج) اگر یقین ندارید که خون داخل آن است پاک است.

۵.لای دهانی که به واسطه خون دهان یا نجاست بیرون از آن نجس شده، با خوردن آب کُر یا جاری پاک می شود؟

ج) پاک می شود.

۶.دنـدان مصـنوعی اعم از ثـابت و غیر ثـابت و نیز موادّی که با آن دنـدان را پُر می کننـد، آیا جزء باطن است که با برخورد با نجاست نیاز به تطهیر ندارد، یا آن که در صورت برخورد با خون یا غیر آن باید تطهیر شود؟

ج) احتیاطا در دندانی که قابل بیرون آوردن است تطهیر لازم است.

۷.اگر به واسطه زخمی که در سر هست، تمام بدن نجس شود آیا می توان از گردن به پایین را تطهیر کرد؟

ج) مانعی ندارد.

۸.اگر از بـدن انسـان جـایی بُریـده و یـا زخم شود، پس از آب کشـیدن آن، آیا روی زخم و محلّ بُریـدگی (که بسـته شـده و خشک می شود، و گاه قهوه ای یا قرمز رنگ است و یقین به

خون بودن آن نیست) نجس است؟ اگر در همان حال خشکی، مجدداً آن را آب بکشیم پاک است؟

ج) اگر یقین نداشته باشد که خونی در آن هست، پاک است.

۹.اگر جایی از بدن انسان خراشیده، یا پوستی از آن جدا شود که موجب سوزش گردد، محلّ آن چه حکمی دارد؟ پاک است یا خیر؟

ج) محل آن پاک است مگر یقین کند که خون بیرون آمده باشد.

۱۰.این جانب که اکثر موهای جلوی سرم سوخته است، جهت ترمیم و استفاده از موی مصنوعی به دکتر مراجعه نموده ام، با توجّه به این که موها از خارج می آیند، پاک هستند یا نجس؟

ج) پاک است.

۱۱.کف بیمارستان که با آجر یا سنگ مفروش شده، اگر با بول یا ... نجس شود، پس از آن که آب شیلنگ به آن وصل شد پاک می گردد؟ یا نیاز است که غساله آن جمع شود؟ تطهیر مورد مذکور به وسیله آب قلیل چگونه است؟

ج) اگر با آب کر تطهیر شود با رسیدن آب شلنگ به آن پاک می شود و جمع کردن آب غساله لازم نیست اما اگر با آب قلیل شسته شود باید این آب داخل چاه ریخته شود.

۱۲.اگر ته عصا، پای مصنوعی، و لاستیک های چرخ ویلچر نجس باشند، آیا به وسیله ی زمین پاک می شوند یا نه؟

ج) پاک می شود.

احکام وضو

۱.شخصی که دستش زخم شده، و یا هر دو دستش شکسته، و یا هر دو دستش را در جنگ از دست داده است، حکم وضو و تیمّم و نماز خواندنش چگونه است؟

ج) اگر دو دست او شکسته یا زخم شده باید تیمم جبیره ای کند و اگر اصلاً دست ندارد باید کمک بگیرد تا دیگری او را تیمّم یا وضو دهد.

۲.شخصی دست راست خود را بر اثر شکستگی گچ گرفته است، لذا نمی تواند پای راست و سر خود را مسح کند، آیا می تواند سر خود را با دست چپ و پای راست را هم با دست چپ مسح کند یا این که باید نایب بگیرد؟

ج) با دست چپ مسح کند و لازم نیست نائب بگیرد.

۳.شخصی بعد از این که وضو می گیرد در اطراف نشیمن گاه خود بادی احساس می کند و مرتّب وضو می گیرد، تا جایی که برای هر نماز چند مرتبه وضو می گیرد، آیا این گونه مسائل و تلقین، باعث بطلان وضو نمی شود؟

ج) این گونه بادها در روایات به نفحات شیطان تعبیر شده است و لذا به این بادها توجّه نکنید و این گونه حرکات موجب بطلان وضو نمی شود.

۴.این جانب که از جانبازان قطع نخاعی هستم، به دلیل وضعیت خاص، بعد از وضو و اشتغال به نماز احتمال قوی می دهم که ادرار به طور قطره قطره خارج می شود، اگر خروج آن را متوجّه نشوم حکم وضو و نماز من چیست؟

ج) اگر این حالت همیشگی است و امکان فهمیدن را ندارد با همان حال نماز بخواند و کفایت می کند و یک وضو برای هر نماز باید بگیرد.

۵.کسی که نمی تواند باد معده اش را کنترل کند، نمازش چگونه است؟ (مثلًا گاه نماز مغرب را خوانده، در وسط نماز عشاء وضویش باطل می شود) لطفاً به صورت ساده و کامل تکلیف را بیان نمایید.

ج) اگر امکان دارد که برای هر نماز یک وضو بگیرد باید وضو بگیرد و نماز را بخواند ولی اگر به طوری است که هیچ گاه نمی تواند یک نماز کامل بخواند و باد معده در هر نماز خارج می شود باید اگر امکان دارد در بین نماز وضو بگیرد ولی اگر امکان ندارد برای هر نماز یک وضو بگیرد و همین مقدار کفایت می کند.

۶.اشخاصی که دست یا پای خود را از دست داده اند برای نماز خواندن چگونه باید وضو بگیرند؟ لطفاً نظر خود را بفرمایید.

ج) هر مقدار از دست که قطع شده شستن آن ساقط است و مقدار باقی مانده را باید بشوید و در مسح پا هم اگر قطع شده مسح آن ساقط است.

۷.جوانی دست خود را از مچ ندارد، و شخص دیگری دستش را از آرنج ندارد، این دو نفر باید به چه صورتی وضو بگیرند؟ همچنین شخص دیگری از زانو پا ندارد باید مسح پایش را از کجا بکشد؟

ج) کسی که از آرنج دست ندارد شستن آن دست ساقط است و برای شستن دست دیگر از بالا به پایین دست را زیر آب بگیرد و با همان یک دست مسح سر و پا کند و کسی که از مچ دستش قطع است باقی آن را باید بشوید و کسی که پایش قطع شده مسح آن پا ساقط است.

۸.کسی که دو دست او تا مچ یا آرنج قطع شده باشد، تکلیف او در مورد وضو و تیمّم چیست؟

ج) برای وضو همان مقدار باقی مانده را باید بشوید و با سر دست مسح پا و سر کند و در تیمّم اگر هر دو دست از مچ قطع شده باشد اوّل باید صورت را به خاک بمالد و بعد با احتیاط ذراع (مچ تا آرنج) را به خاک بمالد و با آن صورت را مسح نماید و بعد ذراع راست را با ذراع چپ و بعد هم ذراع چپ را با ذراع راست مسح کند.

۹.پای چپ من از ناحیه زیر زانو قطع شده و در حال حاضر پای مصنوعی به جای آن گذاشته ام خواهشمند است بفرمایید که این پا، مسح لازم دارد یا نه؟ ضمناً این پا در ناحیه زانو بیشتر از ۹۰ درجه خم نمی شود به همین دلیل نماز را نشسته می خوانم، آیا به وظیفه خود درست عمل کرده ام؟

ج) مسح این پا لازم نیست و اگر ایستاده نماز خواندن امکان ندارد نشسته خواندن اشکال ندارد ولی اگر امکان

دارد باید ایستاده نماز بخوانید ولو آن که رکوع را به حدّ کامل نتوانید انجام دهید.

۱۰.شخصی هستم که به واسطه بیماری نمی توانم خودم وضو بگیرم باید نایب بگیرم و نایب هم درخواست مزد و اجرت می کند، بفرمایید که وظیفه من چیست؟

ج) اگر برای شما امکان نائب گرفتن باشد و امکان دادن مزد نائب را داشته باشید واجب است که نائب بگیرید.

۱۱.این جانب جانبازی هستم که در آسایشگاه جانبازان زندگی می کنم، و برای وضو احتیاج به نایب دارم، حال سؤال من این است که اگر به واسطه کمی پرسنل و پرستار، گرفتن نایب مشکل باشد وظیفه ام چیست، وضو یا تیمّم؟

ج) اگر کسی نیست که شما را وضو بدهد و عرفاً مشکل است تیمّم کنید.

۱۲.این جانب به خاطر معلولیت نمی توانم خودم وضو بگیرم باید چند نفر من را کمک کنند و این کار مقداری برای هر دو طرف، خودم و وضو دهنده مشقّت دارد بفرمایید وظیفه من، وضو است یا تیمّم؟

ج) اگر عرفاً مشقّت وجود داشته باشد تیمّم کنید.

۱۳.شخصی است که اگر بخواهد وضوی ترتیبی بگیرد باید برای قسمتی از وضو نایب بگیرد ولی اگر وضوی ارتماسی بگیرد نیازی به نایب ندارد وظیفه اش چیست؟

ج) ارتماسی مقدّم است.

۱۴.این جانب اکثر موهای جلوی سرم سوخته است، و جهت ترمیم و استفاده از موی مصنوعی به دکتر مراجعه نموده ام، لطفاً حکم شرعی مسح و غسل موهای مصنوعی را بفرمایید؟

ج) اگر امکان مسح پوست باشد باید مسح شود و الّا حکم جبیره را دارد و بر روی موی مصنوعی مسح شود و در غسل هم اگر امکان شستن پوست سر نیست همان مو شسته شود.

۱۵.پوست دست، کنده و از بدن جدا نشده، ولی به آن چسبیده است، آیا در موقع وضو و غسل باید زیر آن را شست؟

ج) باید آن پوست را شست و اگر شستن زیر آن موجب مشقّت نیست باید شسته شود.

۱۶.آیا در وضو اگر کسی آفتابه را بگیرد و روی دستانم بریزد (با توجّه به این که دست راست من بر اثر شکستگی، گچ گرفته است) و من هم وضو بگیرم، آیا در وضویم اشکالی پیدا می شود یا خیر؟

ج) اگر راهی جز این گونه وضو گرفتن ندارید اشکال ندارد.

۱۷.شخصی که هر دو دستش تا مچ باند پیچی یا گچ گرفته شده، چگونه باید وضو بگیرد؟ همچنین برای این که از انگشتان و کف دست خود نمی تواند استفاده چگونه باید مسح بکشد؟

ج) آن مواضعی که باند پیچی یا گچ گرفته شده باید جبیره ای انجام شود و برای مسح از ساق دست استفاده شود.

۱۸.از جانبازان جنگ تحمیلی هستم، و دو انگشت شست و سبّابه و قسمتی از کف پای راست خویش را از دست داده ام، و تا کنون در موقع گرفتن وضو مسح پا را بر روی سه انگشت دیگر انجام داده ام، تکلیف اینجانب را بیان فرمایید.

ج) شما به وظیفه عمل فرمودید.

۱۹.بنده از ناحیه شکم مورد اصابت ترکش قرار گرفته ام و بر اثر جرّاحی، قسمتی از روده بزرگم را به سمت چپ شکمم دوخته اند و مدفوع از شکم خارج می گردد آیا خروج مدفوع و باد معده باعث باطل شدن وضو می گردد یا خیر؟

ج) موجب بطلان وضو می شود.

۲۰.جانبازی که به سلس گرفتار است در صورتی که بخواهد در نماز جماعت و جمعه شرکت کند، آیا می تواند در آسایش گاه وضو بگیرد یا تیمّم نماید و برای نماز بیرون آید یا باید در جای برگزاری نماز وضو بگیرد؟

ج) اگر امکان دارد که در زمان اقامه نماز وضو بگیرد باید در همان زمان وضو بگیرد و اگر امکان نداشته باشد نماز جماعت را بخواند و احتیاطاً نماز را با وضو اعاده کند.

۲۱.شخصی که دست وی زخم شده یا هر دو دست او شکسته یا آن را در جنگ از دست داده است، چگونه باید وضو و تیمّم بسازد و نماز بخواند؟

ج) کسی که دست او زخم شده باید وضوی جبیره ای بگیرد. و کسی که دست او شکسته اگر امکان دارد باید وضوی جبیره ای بگیرد و اگر امکان ندارد باید نائب بگیرد که کسی او را وضو دهد و اگر این هم امکان ندارد تیمّم کند و کسی که دست او قطع شده هر مقدار که از پایین تر از آرنج باقی مانده باید به عنوان وضو زیر آب بگیرد و با باقی مانده دست مسح کند.

۲۲.دست راست شخصی را گچ گرفته اند و نمی تواند پای راست و سر خود را نیز مسح کند، آیا می تواند سر و پای راست را با دست چپ مسح کند یا باید نایب بگیرد؟

ج) با دست چپ مسح سر و پای راست را هم مسح کند.

۲۳.شخصی پس از این که وضو می گیرد احساس می کند که بادی از او خارج شده است و پی در پی وضو می گیرد؛ به گونه ای که برای هر نماز، چند مرتبه وضو می گیرد، آیا این گونه مسایل و تلقین ها باعث بطلان وضو نمی شود؟

ج) به این گونه وسوسه های شیطانی توجّه نکنید و این گونه تلقین ها باعث بطلان وضو نمی شود و فقط اگر انسان یقین کند که بادی از معده ی او خارج شده (نه پرش های اطراف مقعد) وضو را باطل می کند.

۲۴.این جانب از جانبازان قطع نخاعی هستم و به دلیل وضعیت خاص، پس از وضو گرفتن و نماز خواندن، احتمال قوی

می دهم که قطره قطره از من ادرار خارج می شود، اگر متوجّه خروج آن نشوم، حکم وضو و نماز من چگونه است؟

ج) اگر امکان جلوگیری را ندارید وضو و نماز شما با همان حال صحیح است.

۲۵.آیا کسی که دست وی از مچ قطع شده است می تواند با دست مصنوعی مسح کند؟

ج) با دست دیگر مسح کند.

۲۶.پای چپ من از زیر زانو قطع شده است و در حال حاضر از پای مصنوعی استفاده می کنم، آیا مسح پای مصنوعی لازم است یا خیر؟ در ضمن این پا در ناحیه ی زانو بیش تر از ۹۰ درجه خم نمی شود و به همین دلیل، نماز را نشسته می خوانم، آیا به وظیفه ی خود درست عمل کرده ام؟

ج) پای مصنوعی لازم نیست مسح شود و در صورتی که نمی توانید ایستاده نماز بخوانید به وظیفه ی خود عمل کرده اید.

۲۷.گاهی در اعضایی که هنگام وضو شسته می شود زخمی است که با خون ریزی همراه می باشد و پس از شست و شو و آب کشیدن معمولاً از جای زخم مقداری خون بیرون می آید، این خون لخته می شود و پس از چند روز خشک می شود و به رنگ قهوه ای و سیاه در می آید، آیا این زخم باز هم حکم خون را دارد و نجس است؟ با توجّه به این

که اگر بخواهیم زخم یاد شده را باز کنیم خون ریزی می کند، در صورت نجس بودن، برای وضو گرفتن و غسل چه باید کرد؟

۲۸.اگر روی پا نجس باشد و فرد نتواند آن را برای مسح آب بکشد، وظیفه ی وی چیست؟

ج) باید مسح جبیره ای انجام دهد یعنی یک پارچه پاک روی پا بیندازد و روی آن را مسح کند.

۲۹.شخصی که از ناحیه ی پا مجروح شده و جراحت و شکستگی او به گونه ای است که آب برای وی زیان دارد، آیا می تواند پلاستیکی مانند جوراب را به عنوان مانع از رسیدن آب حمام در پا بکشد و غسل کند؟ آیا این غسل صحیح است؟

ج) این نحوه ی غسل را غسل جبیره ای می گویند و وظیفه شما این گونه غسل کردن است.

۳۰.در مواردی که جبیره، چند عضو وضو را به گونه ی کامل در بر گرفته است و پاره ای از زخم ها نجس می باشد و به خاطر شرایط سخت بیرونی؛ مانند: وصل سرُم گرفتن وضوی جبیره ای دارای سختی عمومی یا شخصی می باشد یا احتمال زیان برای زخم وجود دارد، تکلیف چیست؟ آیا در مواردی که وضوی جبیره ای دارای سختی عمومی یا شخصی یا زیان بار باشد، تیمّم کافی است؟

ج) اگر جبیره موجب مشقّت است تیمّم کافی است.

غسل و احکام آن

۱.اگر از شخصی بدون شهوت مَنی خارج شود آیا جنب می باشد یا خیر؟

ج) خروج مَنی موجب جنابت است و باید غسل جنابت کند.

۲.این جانب شخص زمین گیر و فلجی هستم که خود قادر به شستشو و انجام عمل غسل نمی باشم امّا در موقعی که دیگران مرا روی زمین خوابانیده و می شویند به همان شکل با ریختن آب به روی سر و گردن و طرف راست و چپ بدن، نیت غسل می کنم، آیا غسل با این وضع صحیح است؟

ج) صحیح است.

۳.کسی که تمام پای او گچ گرفته شده، جُنُب شود غسل بر او واجب است یا تیمّم و یا هر دو؟ و آیا می تواند داخل مسجد شود یا خیر؟

ج) غسل جبیره واجب است و احتیاطاً تیمّم هم بنماید و بعد از غسل و تیمم ورود به مسجد هم اشکال ندارد.

۴.کسی که در خود احساس شهوت می کند امّا به علّت عدم کنترل (به خاطر قطع نخاع) تشخیص نمی دهد که جُنُب شده یا نه؟ آیا چنین شخصی حکم جُنب دارد یا نه؟

ج) اگر رطوبتی از او خارج نشود یا شک دارد که رطوبت منی است حکم جنابت را ندارد و اگر قرائن ایجاد موجب اطمینان به خروج منی شود جنب هستند.

۵.برادران قطع نخاعی در کیسه مخصوص بول خود بعد از بیدار شدن از خواب، مادّه ای در میان بول خود می بینند و نمی دانند مَنی است یا چیز دیگر، وظیفه چیست؟ آیا باید غسل نمایند یا

ج) غسل واجب نیست.

۶.برادران قطع نخاعی، گاهی خواب مهیج با منظره ی مهیج می بینند، امّا به واسطه ی عدم کنترل نمی دانند که جُنب شده اند یا نه؟ آیا مکلّف به غسل هستند یا نه؟

ج) اگر رطوبتی را نمی بینند یا شک دارند که رطوبت منی است غسل واجب نیست.

۷.شخصی به علّت شکستگی پای چپش قادر به غسل نیست و گفته اند باید غسل جبیره ای بکنند بفرمایید غسل جبیره ای چگونه است؟

ج) باید یک پلاستیک روی پا بکشد و آب روی آن بریزد و همان کفایت می کند و اگر این هم امکان ندارد دست تر روی همان گچ یا باند بکشد.

۸.مَنی برادران جانباز قطع نخاعی در بیمارستان ها برای آزمایش یا تلقیح نمودن به همسرانشان جهت باروری نوزاد، با دستگاهی مخصوص گرفته می شود، آیا پس از گرفتن آن مَنی که در حالت بیهوشی انجام می شود، باید غسل نمایند؟

ج) غسل واجب است.

۹.آیا برادران جانباز قطع نخاعی پس از جماع باید غسل کنند؟ با توجّه به این که خارج شدن مَنی در آن مشهود نیست.

ج) اگر جماع حاصل می شود جنب شده است و باید غسل کند ولو آن که خروج منی مشهود نباشد.

۱۰.از شخصی به علّت بیماری، دائماً مَنی بیرون می آید، و نمی تواند خود را کنترل کند، آیا این شخص دائماً جُنب است؟

ج) دائماً جنب است و برای نماز باید غسل کند و زود نماز بخواند.

۱۱.در برخی از شکستگی ها استخوان آشکار می شود؛ در حالی که از بدن جدا نشده است، آیا مس آن نیاز به غسل دارد؟ در صورت جدا شدن استخوان، حکم آن چیست؟

ج) اگر از بدن جدا نشده مس آن غسل ندارد. و مس استخوان جدا شده از انسان زنده احتیاطاً غسل مس میت دارد.

۱۲.آیا عضو جدا شده از بدن انسان مُرده یا زنده- در هنگام دفن- به غسل نیاز دارد؟

ج) قطعه جدا شده از میت اگر مشتمل بر استخوان نباشد غسل ندارد ولی اگر مشتمل بر استخوان باشد غسل واجب است و استخوان جدا شده از میت هم احتیاطا غسل دارد و بنابر احتیاط واجب حکم قطعه جدا شده از فرد زنده همان حکم جدا شده از میت را دارد.

۱۳.بدن کسی که از دنیا رفته است پاک می باشد یا نجس؟

ج) تا قبل از غسل میت نجس است.

۱۴.در مطالعه ی علمی استخوان های مردگانی که آن ها را غسل نداد ه اند و فقط ضدّعفونی شده اند، در صورتی که مس شود، غسل مس میت واجب می گردد، حال، چنانچه نتوان همیشه غسل کرد، وظیفه چیست؟

ج) غسل مس میت واجب می شود و بهترین راه آن است که از دستکش استفاده شود.

۱۵.پزشکی که درگذشتگان را کالبد شکافی می کند و گاهی دست وی با آن ها تماس پیدا می کند، در چه صورتی غسل مس میت بر او واجب می شود؟

ج) اگر میت را غسل های سه گانه ندادند غسل مس میت واجب می شود.

مسّ میت و اعضای جدا شده

۱.اگر عضوی از بدن انسان قطع شود نجس است یا پاک؟

ج) نجس است.

۲.انسانی که از دنیا رفته آیا بدنش پاک است یا نجس؟

ج) قبل از غسل های سه گانه میت بدن میت نجس است.

۳.در چه صورتی غسل مسّ میت واجب می شود؟

ج) در صورتی که بدن میت سرد شده باشد و مس شود غسل مس میت واجب می شود.

۴.حکم استخوان انسانی که نمی دانیم متعلّق به مسلمان است یا کافر، چیست؟

ج) اگر مراد از حیث دفن باشد اگر در بلد مسلمین است باید دفن شود اگر مراد نجاست است آن هم اگر در بلد مسلمین است پاک و الّا نجس است و اگر مراد از حیث غسل مس میت است مس استخوان غسل مس میت ندارد. اگر بدون گوشت باشد گرچه احتیاط آن است که غسل مس میت انجام شود.

۵.بنده دانشجوی پزشکی هستم و ناچار به مطالعه علمی استخوان های مردگان به همین دلیل باید همیشه استخوان های مرده ای را که غسل نداده اند و فقط ضدّعفونی شده را مس نمایم و نمی توانم دائماً غسل کنم، اکنون بنده را رهنمایی بفرمایید.

ج) اگر با دستکش مس نمایید غسل واجب نیست.ضمنا اگر فقط استخوان است و گوشت به آن نچسبیده باشد بنابر احتیاط مستجب غسل مس میت نمایید.

۶.در هنگام تشریح یا پیوند بعضاً دستمان با عضو جدا شده از بدن انسان مُرده، و گاهی با عضو جدا شده از بدن انسان زنده تماس پیدا می کند، در چه صورتی باید غسل مسّ میت نمود؟

ج) اگر عضو جدا شده از میت مس شود غسل مس میت واجب است ولی اگر عضو جدا شده از انسان زنده باشد و عضو دارای استخوان است به احتیاط واجب باید غسل مس میت انجام دهد.

۷.این جانب پزشکی هستم که بعضاً باید افرادی را که از دنیا رفته اند، به دلایلی کالبد شکافی کنم. گاهی دستم هم با آن ها تماس پیدا می کند، حال سؤال من این است که شرط نجس شدن مُردار چیست؟

ج) اگر میت غسل داده نشده باشد بدن او نجس است و اگر به بدن او دست زده شود غسل مس میت واجب می شود مگر با دستکش باشد و بدن میت هم قبل از غسل حکم مردار را دارد.

حیض و نفاس و استحاضه

۱.اخیراً برخی از پزشکان، با تجویز قرص هایی مخصوص برای بانوانی که به سن یائسگی رسیده اند، عادت ماهیانه ی آنان را به نحوی تنظیم می کنند که مثل قبل از یائسگی، در هر ماه در تاریخ معین و به مدّت معین خون می بینند، و به عبارت دیگر، برای جلوگیری از مشکلات و بیماری هایی که قطع عادت ماهیانه برای بانوان پیش می آورد، عادت ماهانه را استمرار می دهند، چنین خونی از نظر شرعی حکم حیض را دارد یا حکم استحاضه؟

ج) اگر بعد از سن یائسگی است حکم استحاضه را دارد.

۲.با توجّه به استفاده از قرص و مدّت زمان حیض که در تاریخ معین هفت روز بوده است، عمل بستن لوله رحم را انجام داده ام، بعد از عمل مذکور، حیض در تاریخ معینی شروع شد، ولی از هفت روز بیشتر شد و حدود دوازده روز ادامه پیدا کرد، آیا اضافه مدّت که پنج روز می باشد، محکوم به استحاضه است یا خون ریزی قرح و جرح عمل؟ لطفاً راهنمایی فرمایید.

ج) خون بعد از ده روزحکم استحاضه را دارد ولی در مدّت سه روز بعد از هفت روز لازم است که هم اعمال حیض را مراعات کند و هم به استحاضه عمل کند

۳.غسل بعد از سقط جنین چیست؟ آیا غسل نفاس است، یا این که ذی روح بودن جنین برای تحقق نفاس شرط است؟

ج) ذی روح بودن جنین در نفاس شرط نیست و چنانچه جنین منعقد شده است و بچّه سقط شده باید غسل نفاس انجام شود.

۴.خونی که زن سزارینی می بیند، نفاس است یا استحاضه؟ (زیرا در سزارین بچّه را از پهلوی مادر خارج می کنند).

ج) خون نفاس است.

۵.عدّه ای از بانوان برای پیشگیری از بارداری، از ابزارهای داخل رحمی (I.U.D) استفاده می کنند، از نوع جدید این وسیله، معمولاً برای خانم هایی که عادت ماهانه سنگین دارند، برای کم کردن میزان خون ریزی نیز استفاده می شود، حال مسأله این است که خانمی، قبلاً دارای عادت ماهانه وقتیه و عددیه بوده، پس از کارگذاری این وسیله عادت خود را از دست داده است، به این صورت که بیش از یک ماه کاملاً پاک است، و بعد از آن مدّت ۱۵ تا ۲۰ روز یا کمتر و بیشتر فقط لک می بیند، و هیچ گاه سه روز پشت سر هم خون نمی بیند، به این صورت که مثلاً یک روز خون می بیند (به صورت رگه های خونی در ترشح)، سپس یک یا دو روز پاک است، دوباره

لک می بیند، و سپس چند روز پاک است، و دوباره لک می بیند، و دقیقاً هم نمی داند که کی کاملاً پاک خواهد شد. وظیفه این خانم از جهت انجام عبادات روزهایی که باید حیض حساب کند، و یا احتیاط نماید، و زمان مناسب برای غسل چگونه است؟ آیا همه این روزها را باید حیض قرار دهد، یا باید در تمام این روزها احتیاط نماید؟ و یا اصلاً هیچ کدام حیض محسوب نمی شود؟ لطفاً حکم را بیان فرمایید. هم چنین اگر فرضاً در وسط این ۲ روز یا ۳ روز، پشت سر هم لک بینی داشته باشد، و یا در صورتی که به فرض مجموع خون ها (به صورت مقدار کم و فقط لکه بینی، بدون این که سه روز اوّل پشت سر هم باشد) ۱۰ روز یا کمتر طول بکشد، چه حکمی دارد؟

ج) اگر سه روز متوالی آلوده باشد به طوری که هر وقت خود را وارسی می کند آلوده باشد حکم حیض را دارد و بعد از این سه روز تا ده روز اگر لک هم ببیند حکم حیض را دارد ولی اگر سه روز متوالی خون نمی بیند بلکه در روز یک مقدار لک می بیند و پاک می شود تمام این خون ها حکم استحاضه را دارد.

۶.رحم زنی را طی یک عمل جرّاحی برداشته اند، خونی که از مجرای عادی دفع خون خارج می شود، محکوم به حیض است یا استحاضه یا قروح و جروح؟

ج) ظاهراً خون قروح و جروح است مگر قرائنی وجود داشته باشد که یقین به حیض کند.

۷.خانم حامله ای که پس از ۲۰ هفته به علّت مرگ جنین اقدام به سقط درمانی کرده، چه غسلی دارد؟

ج) غسل نفاس باید انجام دهد.

تیمّم

۱.مورد تیمّم نیابتی در کجاست؟ و نحوه انجامش چگونه است؟

ج) اگر شخص خودش نتواند تیمّم کند باید کسی را جهت نیابت بگیرد که او را تیمّم دهد.

۲.کسی که مچ دستش با اختیار باز نمی شود بعد از زدن دو کف دست به زمین دست ها بلافاصله بسته می شود، آیا نایب می تواند دستش را باز کرده و خاک دستش را پاک کند و سپس صورت خود را مسح نماید؟

ج) اشکال ندارد.

۳.جانباز قطع نخاع که تنها به کمک نایب می تواند وضو یا تیمّم بگیرد، اگر گرفتن نایب ممکن نباشد تکلیفش برای نماز چیست؟

ج) هر طور می تواند وضو بگیرد و یا تیمم کند و اگر به هیچ وجه امکان تیمم و وضو ندارد حتی به صورت ناقص به همان صورت بدون طهارت نماز را بخواند و بهتر است وصیت کند تا نمازها را برای او دوباره اعاده کنند.

۴.این جانب نمیدانستم که آب برایم ضرر دارد بعد از وضو متوجه شدم که آب برای من ضرر داشته، آیا با این وضو میتوانم نماز بخوانم؟

۵.این جانب نمی دانستم که آب برایم ضرر دارد بعد از وضو متوجّه شدم که آب برای من ضرر داشته، آیا با این وضو می توانم نماز بخوانم

ج) گرچه ظاهرا بتواند با همان وضو نماز بخواند اما احتیاطا تیمم هم بنماید و سپس نماز را بخواند.

۶.اگر رساندن آب به قسمتی از اعضای وضو برای کسی ضرر داشته باشد باید وضو بگیرد یا تیمّم کند؟

ج) باید وضوی جبیره ای بگیرد.

۷.اگر شخصی احتمال بدهد که آب برای او ضرر دارد، آیا در صورت احتمال می تواند تیمّم کند؟

ج) اگر احتمال قوی می دهد باید تیمّم کند.

۸.این جانب یقین داشتم که استعمال آب برایم ضرر دارد لذا به جای وضو، تیمّم کردم ولی قبل از نماز فهمیدم آب برایم ضرر ندارد آیا با این تیمّم می توانم نماز بخوانم یا خیر؟

ج) باید وضو بگیرد و نماز بخواند.

۹.اگر کسی بترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود یا در مرض او شدّت حاصل شود یا دیرتر خوب شود وظیفه اش چیست؟

ج) اگر ترس عقلایی دارد باید تیمّم کند.

۱۰.شخصی که یک چشم او عمل شده و دکتر سفارش نموده که آب برای چشمش ضرر دارد و از تیمّم هم برای این که گرد و خاک به چشم او نرود خودداری کند، بدون وضو و تیمّم نمازش چه صورتی دارد؟

ج) باید تیمّم کند و دست را به سنگ بزند که خاک نداشته باشد.

۱۱.مجروحی که فلج است و از کمر به پایین حس ندارد و قادر به طهارت یا وضو گرفتن نیست ولی دست و صورتش سالم است آیا مجاز است تیمّم کند و نماز بخواند؟

ج) اگر امکان نائب گرفتن را هم ندارد تیمّم کند ولی اگر می تواند نائب بگیرد که در وضو او را کمک کند باید وضو بگیرد.

۱۲.کسی که پشت و کف دستش باند پیچی است، برای مسح در تیمّم آیا باید زارع را بر زمین بزند یا کف دست باند پیچی شده را؟

ج: حکم جبیره را دارد و لذا همان کف دست را با باند به زمین بزند.

ج) حکم جبیره را دارد و لذا همان کف دست را با باند به زمین بزند.

۱۳.چشم راست این جانب طوری ترکش خمپاره خورده که از حدقه بیرون آمده و فقط جای خالی آن باقی مانده، ولی به علّت ترشّحات و جراحاتی که هنوز خوب نشده، روی آن را بسته ام لطفاً بفرمایید چگونه وضو و تیمّم انجام دهم؟ آیا می توانم در تیمّم دست خود را از روی مانع به چشم بکشم؟

ج) اگر امکان وضوی جبیره ای دارد وضوی جبیره ای انجام دهد یعنی پارچه ای را بر روی آن قرار داده و صورت را بشوید و الّا تیمّم جبیره ای انجام دهد.

۱۴.این جانب جانبازی هستم که به هیچ صورت نمی توانم وضو بگیرم و تیمّم کنم وظیفه ام برای نماز چیست؟

ج) اگر امکان نائب گرفتن را دارید باید نائب بگیرید تا شما را وضو بدهد و یا تیمّم بدهد و اگر این هم امکان ندارد بدون طهارت نماز بخوانید.

۱۵.کسی که پایش شکسته است و گچ گرفته است، هنگام وضو یا غسل چه وظیفه ای دارد؟

ج) وضو و غسل جبیره ای انجام دهد.

۱۶.کسی که به علّت جراحات وارده به بعضی از اعضای وضو، مجبور است که تیمّم نماید، آیا می تواند برای بقا بر طهارت (با این که وقت نماز نرسیده است) تیمّم کند، و با آن تیمّم نماز بخواند، یا این که باید دوباره تیمّم کند؟

ج) اشکال ندارد وهمان تیمّم کفایت می کند.

۱۷.اگر در کف دست تیمّم کننده خون خشک شده ای باشد، و تطهیرش ممکن نباشد، آیا می تواند عین خون را بر طرف کرده، تیمّم کند، یا باید با پشت دست تیمّم کند؟

ج) هم با کف دست و هم با پشت آن تیمّم کند.

۱۸.تیمّم نیابتی چگونه و در کجا است؟

ج) در صورتی که خود شخص امکان تیمّم ندارد نائب باید او را تیمّم دهد.

۱۹.دسته ای از جانبازان عزیز فلج هستند و از کمر به پایین، حس و توان طهارت یا وضو را ندارند، ولی صورت و دست های آن ها سالم است، آیا چنین افرادی می توانند تیمّم کنند و نماز بخوانند؟

ج) اگر امکان وضو ندارند تیمّم کنند.

۲۰.کسی که پای وی شکسته شده است و هنگام وضو یا غسل آب برای پای او زیان ندارد، ولی گچی را که بر پای او بسته شده است را خراب کند و مشقت داشته باشد چه وظیفه ای دارد؟

ج) باید یک پارچه روی آن انداخته و روی پارچه را مسح نماید و غسل باید یک کیسه پلاستیکی روی آن کشیده و با کش یا نخ بسته و آب روی آن کیسه ریخته شود و غسل جبیره ای انجام دهد.

ص:۲۱۹...

احکام نماز مریض و جانباز

اشاره

...

...

قبله

۱.جانبازانی که مجبورند به رو خوابیده و در همان حال نماز بخوانند، (به حالت پشت و پهلو نمی توانند بخوابند) وظیفه شان برای نماز و قبله چه می باشد؟

ج) در صورتی که مجبور باشند به همان حال نماز بخوانند کفایت می کند ولی اگر امکان دارد که طوری بخوانند که صورت او رو بر قبله باشد باید او را به همان صورت بخوابانند.

۲.شخصی که یک چشمش را عمل جرّاحی نموده و دکتر سفارش کرده نباید سرت را تکان بدهی چون برای چشمت ضرر دارد و نباید وضو بگیری و تیمّم کنی، و بدون طهارت و بدون این که رو به قبله باشد نماز خوانده است آیا نمازش صحیح است؟

ج) اگر صرفا خاک برای چشم ضرر دارد باید تیمم بر روی سنگ بدون خاک کنند و اگر واقعاً هیچ گونه راهی برای تیمّم حتّی به این صورت که گفته شد نداشته باشد باید بدون طهارت نماز بخواند ولی باید قبله را مراعات کند و

با اشاره رکوع و سجود را انجام دهد و احتیاط مستحب آن است که نمازی را که بدون طهارت انجام داده اعاده یا قضا کند.

۳.شخصی است که اگر نماز را ایستاده بخواند، در حال رکوع و سجود از قبله منحرف می شود ولی اگر نشسته بخواند، منحرف نمی شود، کدام یک مقدّم است؟

ج) اگر انحراف به چپ و راست به مقدار مختصر است ایستاده نماز بخوانند ولی اگر بیش از راست و چپ است و یا پشت به قبله می شود نشسته نماز بخواند مقدّم است.

۴.کسی که روی تخت بیمارستان خوابیده و خود عاجز بوده و امکان تغییر جهت تخت به سوی قبله هم نیست، تکلیفش برای نماز چیست؟

ج) اگر کسی نیست که جهت قبله را برای او آماده کند به همان صورت نماز بخواند.

وقت و لباس نمازگزار

۱.آیا نجس بودن صندلی چرخ دار یا عصایی که به دست برادر جانباز است، برای نماز مانعی دارد یا خیر؟

ج) مانعی ندارد.

۲.اگر کسی با پا و دست مصنوعی نماز می خواند آیا نجس بودن دست یا پای مصنوعی مانع برای نماز می باشد یا خیر؟

ج) نماز صحیح است ولی اگر بتواند تطهیر کند احتیاط در تطهیر است.

۳.کسی که خوابیده نماز می خواند و ملحفه ای که روی اوست حکم ساتر عورت را دارد، در صورتی که ملحفه نجس باشد وظیفه اش برای نماز چیست؟

ج) در صورت امکان حتما باید از ملحفه پاک استفاده شود.

۴.شخصی که خوابیده نماز می خواند، در صورتی که ملحفه زیر پایش نجس باشد، آیا برای نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج) اشکال ندارد.

۵.برادران قطع نخاعی، در مواردی به واسطه نبود امکانات برای تطهیر، با بدن نجس نماز می خوانند، آیا این نماز صحیح است؟

ج:اگر امکان تطهیر ندارند به همان صورت نماز بخوانند و صحیح است.

ج) اگر امکان تطهیر ندارند به همان صورت نماز بخواند کفایت می کند.

۶.بیماری که در بیمارستان به طوری صدمه دیده که قادر به حرکت از روی تخت نیست و نمی تواند موقع قضای حاجت، خود را تطهیر نماید، و با این حال نماز می خواند، آیا بعد از این که خوب شد باید نمازهایش را قضا کند؟

ج) قضا و اعاده واجب نیست گرچه احتیاط در قضا می باشد.

۷.اگر برطرف کردن عین نجاست از بدن و لباس بیمار دارای مشقّت و زحمت باشد، چگونه باید نماز را به جا آورد؟

ج) با همان حال نماز بخواند.

واجبات نماز

۱.آیا کودکان کر و لال که از قدرت شنوایی و گویایی محرومند و با توجّه به این که در حال یادگیری هستند، نماز بر آن ها واجب است؟

ج) نماز بر آن ها واجب است و با حالت ایماء و اشاره نماز بخوانند و بعد که توانست نماز را با زبان بخواند به صورت عادی نماز بخواند.

۲.این جانب کف دو دستم بر اثر سوختگی تاول زده و در هنگام نماز نمی توانم دو کف دستم را بر زمین بگذارم، لطف کرده بفرمایید وظیفه ام در نماز چیست؟

ج) اگر امکان دارد پشت دست را به زمین بگذارد و الّا ذراع (از مچ تا آرنج) روی زمین قرار بگیرد.

۳.با توجه به این که برادران جانبازی که به طور نشسته یا خوابیده نماز میخوانند و رکوع و سجود را با اشاره انجام میدهند، در صورتی که شک بنمایند که آیا در حال رکوع هستند یا سجده تکلیفشان چیست؟

۴.با توجّه به این که برادران جانبازی که به طور نشسته یا خوابیده نماز می خوانند و رکوع و سجود را با اشاره انجام می دهند، در صورتی که شک بنمایند که آیا در حال رکوع هستند یا سجده تکلیفشان چیست؟

ج) اگر در اصل به جا آوردن رکوع شک دارند رکوع و دو سجده را به جا آورند و اما اگر یک بار اشاره کرده اند ولی شک دارند که این اشاره برای رکوع بوده و یا سجده بنا بگذارند که رکوع را به جا آورده اند و به نیت دو سجده دوباره با اشاره سر سجده را به جا آورند.

۴.جانبازان قطع نخاع از گردن فقط به مقدار کمی می توانند سرشان را تکان دهند آیا برای رکوع و سجده تکلیف ایشان چگونه است؟ صرف نیت کافی است یا مثلاً به هم زدن چشم ها و...؟

ج: اگر نمیتوانند سر را حرکت دهند با چشم اشاره کنند و کفایت میکند.

ج) اگر سر را نمی توانند تکان دهند با چشم اشاره کنند کفایت می کند.

۵.گاهی در پیشانی انسان جوش هایی پیدا می شود که هنگام سجده درد می گیرد آیا می توان در سجده صورت را کج روی مهر گذاشت؟ و اگر بعد از برداشتن سر از سجده، مهر آلوده به خون جوش ها شود نماز چه حکمی دارد؟

ج) اشکال ندارد که صورت را کمی کج نمایند و مُهر به پیشانی یا اطراف آن در صورت عدم امکان گذاشته شود و اگر مُهر نجس شود روی آن مُهر نمی شود سجده کرد و باید مقداری که نجس شده تراشیده شود.

۶.جانباز قطع نخاع که خود نمیتواند مهر را بر پیشانی بگذارد و کسی هم نیست که این کار را انجام دهد برای سجده تکلیف او چیست؟

۷.جانباز قطع نخاعی که خود نمی تواند مهر را بر پیشانی بگذارد و کسی هم نیست که این کار را انجام دهد برای سجده تکلیف او چیست؟۶.

ج) اگر کسی نیست که او را کمک کند مُهر گذاشتن به پیشانی از او ساقط است.

نماز جماعت

۱.با توجّه به این که بعضی از برادران جانباز، باید روی تخت یا چرخ نماز بخوانند، آیا این امر موجب به هم خوردن اتّصال صفوف در نماز جماعت نمی شود؟

ج) اتّصال به هم نمی خورد.

۲.این جانب جانباز هستم و از ناحیه دست راست مجروح می باشم و موقعی که امام جماعت می شوم. کف دست راستم به طور کامل روی زمین قرار نمی گیرد آیا می توانم امام جماعت باشم یا خیر؟

ج) نمی توانید امامت جماعت کنید.

۳.با توجّه به این که این جانب جانباز ۴۵ درصد (قطع پای چپ) هستم، آیا می توانم ضمن ملبّس شدن اقامه نماز و تبلیغ نمایم؟

ج) نمی توانید امامت جماعت کنید.

۴.آیـا امـام جمـاعت شـدن اشـخاص جانباز، اشـکال نـدارد؟ در این صورت، آیا این فتوا شامل معلولین مادرزاد هم می شود یا خیر؟

ج) کسانی که دارای عذر هستند و نمی توانند رکوع و سجده را به حالت عادی انجام دهند نمی توانند امامت جماعت کنند.

۵.آیا اقتدا به امام جماعتی که کفش طبّی پوشیده جایز است یا نه؟ آیا آن شخص می تواند عهده دار امامت جماعت شود؟

ج) اگر نوک انگشت بزرگ پا به زمین نمی رسد نمی تواند امامت جماعت باشد.

۶.جانباز قطع عضوی که امام جماعت است، آیا لازم است که به مأمومین اطّلاع دهد و بگوید که من جانباز هستم یا نه؟

ج) لازم است زیرا بسیاری از مراجع امامت جماعت ذوی الاعذار را جایز نمی دانند.

۷.این جـانب طلبه ام، و دست چپم از مرفق به پـایین، قطع شـده است، و بـا توجّه به این که روحانی هسـتم و برای تبلیغ به نقاط مختلف می روم، آیا می توانم امام جماعت باشم یا خیر؟

ج) نمی توانید امام جماعت باشید.

۸.روحانی جانباز که یک پایش از زیر زانو قطع شـده است، و الان با پای مصـنوعی به طور معمول نماز می خوانـد، آیا امامت جماعت، خواندن نماز استیجاری و نیابت در حج، تبرعاً یا به صورت اجیر شدن، توسط چنین شخصی جایز است یا خیر؟

ج) نمیتواند امامت جماعت شود ولی نیابت حج اشکال ندارد ولی برای نماز طواف باید نیابت هم بگیرد.

۹.آیا کسی که در نماز باید به چیزی تکیه کند، می تواند برای دیگران امام جماعت شود یا نه؟

ج) افراد دارای عذر که از انجام رکوع و سجده و قیام به صورت عادی عاجز هستند نمی توانند امامت جماعت کنند.

۱۰.در محله ما شخصی است که در کمرش خمیدگی دارد، و امام جماعت است، آیا به نظر حضرت عالی به وی می توان اقتدا کرد؟

ج) اگر خمیدگی کمر به مقداری نیست که به حد رکوع برسد اشکال ندارد.

نماز قضا

۱.شخصـی که مدّت دو یا سه روز بی هوش بوده آیا نمازهایی را که در این مدّت نخوانده لازم است قضایشان را به جا بیاورد یا خیر؟

ج) قضاء واجب نیست گر چه اگر قضاء کند مطابق احتیاط است.

۱۱.۲. شخصـی دچار سـکته مغزی شـده و به کلّی اختلال حواس پیـدا کرده، به طوری که خوب و بـد و کم و زیاد را درسـت تشـخیص نمی دهـد، این فرد نمازهـایش را که می خوانـد، گـاهی در دو رکعتی سـلام می دهـد، و گـاهی بعـد از اتمام نماز، دوباره شروع به خواندن حمد و سوره می کند و درست نمی تواند نمازهایش را بخواند، و بعد از چهار سال که با این وضع به سر می برد، فوت می کند، آیا نماز و روزه هایش را باید برای او قضا کرد یا نه؟

ج) قضا کردن نماز برای این شخص واجب نیست گرچه احتیاط بسیار خوب است.

ص:۲۳۵

احکام روزه

اشاره

...

...

چیزهایی که روزه را باطل می کند

۱.این جانب جانبازی هستم که در جبهه های حق علیه باطل، مبتلا به ناراحتی ریوی شده ام که در حال حاضر با مصرف دارو به زندگی خود ادامه می دهم حال با فرارسیدن ماه مبارک رمضان جهت رفع ناراحتی ریه، می بایست از «اسپری» استفاده نمایم با توجّه به این که این جانب روزه بوده آیا در مواقع فشار بیش از حدّ ناراحتی ریوی می توانم فقط از «اسپری» جهت تسکین استفاده نمایم و روزه خود را نگه دارم و افطار نکنم؟

ج) اگر اسپری تبدیل به مایع نشود روزه صحیح است.

۲.برادران قطع نخاعی به دستور پزشک باید هر ساعتی مقداری از مایعات بخورند، وظیفه آنان برای روزه چیست؟

ج)اگر دائما اینگونه هستند احتیاطا روزه را بگیرند و به مقدار نیاز مایعات بخورند و از مفطرات دیگر پرهیز کنند گر چه بعید نیست که روزه بر آنها واجب نباشد.

۳.استفاده بیماران روزه دار از کرم های واژینال در ماه رمضان چه حکمی دارد؟

ج) اشکال ندارد.

۴.آیا ریختن دارو (مانند قطره) در چشم، به هنگام روزه، عامل باطل شدن روزه است؟

ج) اگر به حلق نرسد روزه باطل نمی شود و الا باید روزه را بعدا قضا نمایند.

۵.آیا می توان به علّت ضعفی که در اثر روزه گرفتن به انسان دست می دهد، روزه نگرفت؟

ج) ضعف دلیل افطار روزه نمی شود و جایز نیست که روزه نگیرند.

۶.آیا معاینه زن حامله در حال روزه توسط ماما یا دکتر زنان، در صورتی که به ناچار باید دست را داخل فرج کنند؟ روزه را باطل می کند یا خیر؟

ج) روزه را باطل نمی کند.

کفّاره و قضای روزه

۱.دختری ۲۷ ساله هستم که از سن ۵ سالگی به بیماری رماتیسم مبتلا شده ام و تا کنون نیز به بیماری مبتلا هستم و به طور مستمر دارو می خورم و تحت نظر پزشک می باشم، در ضمن به بیماری اعصاب نیز مبتلا هستم، این حقیر از سن ۹ سالگی که روزه ماه رمضان بر دختران واجب می شود تا کنون که ۲۷ سال دارم نتوانسته ام (به علّت بیماری) روزه بگیرم آیا من باید کفّاره روزه هایی را که روزه نگرفته ام بدهم، در صورت مثبت بودن جواب بفرمایید چه چیز و چه مقدار؟ و به چه کسی باید بدهم؟

ج) برای هر روز که روزه نگرفته اید یک مد طعام یعنی ۷۵۰ گرم طعام یا نان باید به فقیر بدهید.

...

کسانی که روزه بر آن ها واجب نیست

۱.دختری که به حدّ بلوغ رسیده است، و به واسطه ضعف بنیه نمی تواند در ماه مبارک رمضان روزه بگیرد، و بعد از ماه رمضان تا سال دیگر نیز نمی تواند قضا کند، حکمش چیست؟

ج) اگر قدرت ندارد که روزه بگیرد و در تمام سال هم امکان روزه گرفتن ندارد قضا ندارد ولی باید برای هر روز یک مد طعام یعنی ۷۵۰ گرم نان کفّاره بدهد.

۲.این جانب دختری هستم که در اثر ضعف پا، به دکتر مراجعه کردم و نظر دکتر بر کم خونی بنده بود، به همین جهت از ترس مریض شدن، آن سال روزه نگرفتم، حال تکلیف این جانب چیست؟

ج) اگر در زمستان بتواند باید قضا کنید و اگر این خوف حتّی در باقی سال هم باشد قضا ندارد و باید برای هر روز یک مد طعام کفّاره بدهید.

۳.شخصی ناراحتی معده و ورم روده دارد و دلش هم می خواهد که روزه بگیرد، ولی در اثر ضعف و عدم قدرت و توانایی، نمی تواند روزه بگیرد تکلیفش چیست؟

ج) اگر قدرت لازم برای روزه گرفتن و قضای آن را ندارد باید برای هر روزه یک مد طعام یعنی ۷۵۰ گرم نان کفّاره بدهد.

۴.آیا افطار کردن روزه ماه مبارک رمضان و نگرفتن آن به اجازه دکتر است یا منوط به این است که خودش احتمال عقلایی درباره ضرر بدهد؟

۵.آیا افطار کردن روزه ماه مبارک رمضان و نگرفتن آن، به اجازه دکتر است یا منوط است به این که خودش احتمال عقلایی درباره ضرر بدهد؟

ج) اگر خود او احتمال قوی بدهد که روزه برای او ضرر دارد می تواند افطار کند حتی اگر این احتمال برای او از گفته دکتر حاصل شود.

۶.این جانب مبتلا به ضعف اعصابم، و به درستی نمی دانم که آیا روزه گرفتن واقعاً برایم ضرر دارد یا نه؟ لکن مقداری مشقّت به همراه دارد، و در حین روزه داشتن مقداری وضعیت عصبی ام خراب می شود، آیا روزه بر من واجب است؟

ج) اگر به این صورت است باید روزه بگیرید مگر مشقت شدید داشته باشد.

ص:۲۴۳

ازدواج و زناشویی

اشاره

...

عیب هایی که به واسطه آن ها می توان عقد ازدواج را بر هم زد

۱.پس از ازدواج معلوم شده که در میان پاهای زن آثار سوختگی قدیمی به طور خفیف بر جا مانده و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم است که دخول پیش از عمل جرّاحی ممکن نیست و در خصوص سلامتی زوجه، قبل از ازدواج هیچ مذاکره ای انجام نشده، آیا مورد از موارد فسخ است یا خیر؟

ج) سوختگی پاها موجب جواز فسخ نکاح نیست ولی اگر عمل زناشویی قبل از عمل جرّاحی امکان پذیر نباشد مرد می تواند عقد را فسخ کند.

۲.شخصی که بیماری ایدز دارد، آیا می توان دختر مسلمانی را به عقد او درآورد؟ اگر بعداً این موضوع برای زن او معلوم گردد، آیا حقّ فسخ نکاح را دارد؟

ج) اگر بداند که بیماری موجب هلاکت دختر می شود نمیتواند عقد کند ولی در صورت عقد حق فسخ برای زن نیست و در صورت عسر و حرج می تواند تقاضای طلاق از حاکم شرع نماید و اگر مرد طلاق ندهد حاکم شرع می تواند خود طلاق بدهد.

۳.اگر مردی با آگاهی از این که زنی به مرض برص گرفتار است، با او ازدواج کند، آیا عقد نام برده صحیح می باشد، و آیا بعد از عقد حقّ فسخ دارد؟

ج) عقد صحیح و حق فسخ هم ساقط است.

۴.اگر آمیزش برای زن ضرر داشته باشد، می تواند از قبول آن خودداری کند؟

ج) به مقدار ضرورت می تواند از قبول خودداری کند البته اگر زن از ابتدا بداند و مرد از این موضوع خبرنداشته است و زن هم به او اطلاع نداده است و عملا زن قادر به آمیزش نباشد مرد حق فسخ دارد.

نگاه و لمس و معاینه

اشاره

...

...

مراجعه به پزشک نامحرم

۱.آیا مراجعه زن به پزشک مرد، در صورتی که پزشک زن در آن رشته وجود داشته باشد جایز است؟ با این توضیح که غالباً به او نگاه می شود و گاهی هم از او معاینه به عمل می آید.

ج) جایز نیست مگر ناچارباشد.

۲.اگر پزشکِ حاذقِ زن نباشد، مراجعه زن به پزشک مرد، چه حکمی دارد؟

ج) اگر امکان درمان با پزشک زن نباشد و ضرورت عرفی جهت مراجعه به پزشک مرد صدق کند اشکال ندارد.

۳.آمپول زدن توسط مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

ج) جایز نیست مگر ضرورتی اقتضاء کند.

۴.آیا به طور کلّی رفتن مرد نزد دکتر زن و یا مراجعه مرد به آمپول زن خانم اشکال شرعی دارد یا نه؟ اگر دکتر و آمپول زن مرد در دسترس نباشد چطور؟

ج) مراجعه به غیر مماثل برای این گونه موارد جایز نیست مگر ضرورت و اضطرار باشد.

۵.با توجّه به این که اغلب پزشکان مرد حاذق تر از پزشکان زن می باشند به طور کلّی استفاده مرد از پزشک زن و استفاده زن از پزشک مرد حتّی برای بیماری های تناسلی چه حکمی دارد؟

ج) مراجعه به پزشک غیر مماثل در صورتی که احتیاج به نظر و لمس حرام داشته باشد جایز نیست مگر اضطراری پیش آید.

۶.گاهی پزشک معالج، لازم می بیند که بخشی از بدن زن نامحرم را ببیند و یا لمس کند و ممکن است آنجا، از جاهای حساس باشد (جز آلت تناسلی) آیا این کار در هنگام معاینه و یا معالجه بیمار جایز است؟ با توجّه به توضیحات ذیل:

اولاً: با وجود پزشک زن هر چند با پرداخت ویزیت گران.

ج) اگر ضرورتی نباشد جایز نیست.

ثانیاً: بیماری چندان مهم نیست ولی به هرحال او مریض شده و به پزشک مراجعه کرده است.

ج) اگر ضرورت نباشد حرام است.

ثالثاً: اگر پزشک بخواهد به آلت تناسلی نگاه کند حکم آن چیست؟

ج) اگر ضرورت قطعیه ای اقتضاء نکند جایز نیست.

۷.موی سر برخی بانوان در شرایطی می ریزد آیا آن ها می توانند برای درمان به پزشک مرد مراجعه کنند و موهای خود را به او

نشان دهند؟ اگر فقط به قصد زیبایی مراجعه کنند چه حکمی دارد؟

ج) اگر ضرورتی باشد اشکال ندارد و مراجعه به مرد نامحرم به قصد زیبایی حرام است

۸.در مسائلی مانند: گلودرد که بین زن و مرد مشترک است، آیا لازم است حتماً دانشجویان با بیماران هم جنس خود آموزش ببینند؟

ج) لازم است که بیماران هم جنس آموزش ببینند.

...

...

معاینه و درمان

۱.یکی از معایناتی که امروزه در هر بیماری (به خصوص در بیماری های ادراری - تناسلی) جزو معاینات اصلی اوّلیه به شمار می آید عملی به نام «توشه رکتال» (یک نوع معاینه ی نظری و لمسی از طریق مقعد) است که این معاینات گاهی به علّت احتیاط در جهت تشخیص یا ردّ برخی بیماری ها انجام می شود و گاهی نیز در تشخیص برخی بیماری ها بسیار مؤثّر است و روش کم خرج و ساده ای به نظر می آید.

با این توضیحات آیا پزشک مرد مجاز است چنین معاینه ای را جهت آموزش (به وسیله ی دانشجویان) و یا تشخیص احتمالی یا قطعی در مورد بیمار مرد انجام دهد؟ اگر با عدم انجام آن، متوجّه بیماری و راه درمان وی نشود، آیا مسئول است؟

ج) اگر راهی جز این راه وجود ندارد و ضرورت هم اقتضاء می کند که به این نحو معاینه شود اشکال ندارد.

۲.حکم شرعی مشاهده و لمس موهای خانم بیمار، جهت معاینه توسّط پزشک مرد، در صورت لزوم، چیست؟

ج) در صورت اضطرار و ضرورت و این که پزشک مماثل هم وجود نداشته باشد اشکال ندارد.

۳.به طور کلّی در صورت لزوم، لمس بدن خانم بیمار از روی لباس چه صورتی دارد؟ (چه پزشک خانم در دسترس باشد و چه نباشد).

ج) اگر موجب ریبه و فتنه نشود اشکال ندارد.

ازدواج

۱.آیا افراد دو جنسی بعد از اخذ مجوز از پزشکی قانونی و قبل از جراحی تغییر جنسیت اجازه ازدواج دارند؟

ج) تا ملحق به یکی از دو جنس مرد یا زن نشوند ازدواج جایز نیست.

۲.آیا شخص مبتلا به بیماری ایدز می تواند با شخص سالم ازدواج کند؟

ج) نظر به این که موجب ضرر قطعی به فرد مقابل می شود جایز نیست.

...

دندان پزشکی

اشاره

...

دندان پزشکی

۱.خونی که پس از کشیدن دندان در محلّ آن باقی می ماند و روی دستمال اثر می گذارد ولی آب دهان را رنگین نمی کند چه حکمی دارد؟ آیا غذا خوردن در این صورت اشکال دارد؟ یا ظرفی که با آن غذا می خوریم نجس می شود؟

ج) این مقدار خون در آب دهان مستهلک می شود و لذا خوردن آن اشکال ندارد و ظرف هم اگر عین خون در آن دیده نشود پاک است.

۲.در صورتی که در هنگام احرام در سفر حج افرادی دچار دندان درد شدیدی گردند، کشیدن دندان برای چنین فردی و همچنین دندان پزشکی که دندان او را می کشد چه حکمی دارد؟

ج) اگر راهی جز کشیدن نیست می توانند بکشند و کفّاره آن را باید بدهند.

۳.دندان هایی که به علّت بیماری لثه دچار لقّی هستند و در اثر کوچکترین ضربه می افتند، آیا در صورت اصابت ضربه از سوی فردی، دیه به آن تعلّق می گیرد و دیه ی این گونه دندان ها مثل دندان طبیعی است؟

ج) اگر کنده شدن دندان به شخص ضربه زننده نسبت داده شود دیه آن را باید بدهد و الّا دیه به عهده او نیست.

۴.آیا به دندان هایی که در اثر ضربه خوردن سیاه می شوند ولی با معالجه ی ریشه، ظاهراً شبیه دندان طبیعی می گردند، دیه کامل تعلّق می گیرد؟

ج) ثلث دیه آن دندان دیه اوست.

۵.گاهی در هنگام درمان دندان هایی که پوسیدگی آن نزدیک عصب دندان است، در اثر خطای سهوی دندان پزشک، عصب دندان از بین می رود که این مسأله به گونه ی غالب به کاهش عمر دندان می انجامد و باعث هزینه ی افزوده ای برای درمان می گردد، آیا خطای سهوی و عملی دندان پزشک، موجب ضمان و مدیون شدن دندان پزشک می شود؟

ج) باید دیه آن را پزشک پرداخت کند مگر ابراء ذمه کند و سهل انگاری هم نکرده باشد.

۶.گاهی به دلایل مختلف مانند: خطای سهوی، ضعف علمی و عملی، تعجیل و خستگی در هنگام درمان، صرفه جویی در موادّ و زمان درمان، نگرفتن عکس که توسط برخی از دندان پزشکان در هنگام پر کردن و عصب کشی انجام می شود، درمان پذیرفته شده ای از نظر علمی روی دندان انجام نمی شود و گاهی منجر به کاهش عمر دندان، جرّاحی و در نهایت، کشیدن دندان می شود. با این توضیح، آیا دندان پزشک گناه کار و ضامن است؟

ج) اگر ضرر و زیان مستند به دکتر باشد دندان پزشک ضامن است.

۷.در صورتی که معالجه ی دندان بیمار به صورت مناسب انجام نپذیرد، آیا دندان پزشک موظّف است تفاوت هزینه ی درمان مناسب و درمان انجام گرفته را به بیمار بپردازد؟

ج) قطعاً اگر وظیفه را به نحو مناسب انجام نداده باید هزینه ها را به مقداری که حقّ او نیست مسترد کند.

۸.گاهی بیمارانی که مسن هستند و تعداد کمی دندان در دهان دارند به دندان پزشک مراجعه می کنند و درخواست کشیدن دندان های مانده و کار گذاشتن دندان مصنوعی کامل (متحرّک) می کنند. با توجّه به این که گاهی بنا به تشخیص علمی دندان پزشک، امکان ماندن تعدادی از دندان های موجود و جایگزینی دندان های مصنوعی، تنها در جاهای بدون دندان (پارسیل) وجود دارد، آیا بنا به درخواست و رعایت بیمار به دلایلی؛ مانند: کاهش هزینه، دندان پزشک با عدم اعتقاد به این شیوه مجاز به کشیدن دندان های یاد شده و برگزیدن این شیوه ی درمان می باشد؟ در صورت کشیدن دندان ها، آیا ضامن است و موجب دیه می گردد؟

ج) با وصف مذکور پزشک ضامن نیست.

۹.در صورتی که دنـدان پزشـک بـا اصـرار و رضـایت بیمـار، دنـدانی که ترمیم پـذیر است بکشـد، آیـا دنـدان پزشـک ضامن پرداخت دیه ی دندان می گردد؟

ج) اگر با درخواست خود بیمار بوده و با رضایت انجام شد پزشک ضامن نیست.

۱۰.کسانی که به علّت بیماری لثه دچار لقّی دنـدان هسـتند و دندان آن ها در اثر کوچک ترین ضـربه می افتد، آیا در صورت ضربه خوردن به آن از سوی فردی، دیه به آن تعلّق می گیرد؟ آیا دیه ی این گونه دندان ها مانند دندان طبیعی است؟

ج) باید ارش داده شود.

۱۱.اگر کسـی به دندان ساز سفارش ساخت دندان مصنوعی بدهد و وجهی را نیز به عنوان پیش قسط پرداخت نماید، اگر پس از ساخت، دندان به لثه هایش نخورد می تواند پول خود را پس بگیرد؟ یا دندانساز حق دارد بقیه پول خود را طلب کند؟

ج) دندان ساز حقّ دریافت بقیه پول را ندارد و باید پول پیش قسط را نیز عودت دهد و یا دندان مناسب بیمار را درست کند.

۱۲.در دندان پزشـکی وسـیله ای مورد اسـتفاده قرار می گیرد به نام «توربین» که توسط آن پوسـیدگی های دندان را تراش می دهند و در هنگام تراش از قسمتی از همین وسیله به طور خودکار آب بر روی دندان و محلّ تراش پاشیده می شود. با ذکر این نکته که منبع

آب مذکور در بعضی از یونیت ها (دستگاه های دندان پزشکی) متّصل به آب کُر و در بعضی متّصل به آب قلیل می باشد، بفرمایید:

در هنگام کار با توربین مذکور، در صورت آلوده به خون بودن محیط دهان، ترشّحات خارج شده از محیط دهان بیمار که بر لباس و بدن دندان پزشک و خود بیمار برخورد می کند در هر کدام از یونیت های متّصل به آب کُر و آب قلیل چه حکمی دارد؟

ج) در صورتی که ترشحات آلوده به خون باشد در هر دو صورت نجس است.

۱۳.فرموده اند دهان وقتی که خونی شد اگر عین آن زایل شود پاک است، بفرمایید که آیا دندان مصنوعی که در یک طرف دهان است و طرف دیگر دهان خونی شده و به دندان مصنوعی نرسیده همین حکم را دارد یا نه؟

ج) دهان پاک است ولی اگر خون به دندان مصنوعی رسیده باشد نجس شده است و الا نجس نیست.

۱۴.هنگام معاینه و درمان دهان و دندان بیماران از وسایلی از قبیل «آیینه و سوند» به دفعات متوالی استفاده می گردد، از سویی در هنگام درمان معمولاً وسیله ای به نام ساکشن (مکنده) بزاق و ترشّحات آلوده به خون احتمالی موجود در دهان را خارج می کند با توجّه به توضیح فوق:

الف)ورود مجدد و مکرر وسیله ای که در اثر ترشّحات آلوده به خون دهان خود بیمار نجس گردیده به داخل دهان او، چه حکمی دارد؟ با توجّه به این که تطهیر مکرر آن وسیله، کاری دشوار است.

ج) وارد کردن این وسایل حتی اگر نجس باشد منعی ندارد ولی مکلّف نباید چیز نجس را بخورد زیرا خوردن شیء نجس حرام است.

ب) وارد نمودن وسیله ای که از لحاظ ظاهری در مواد ضدّعفونی و تمیز کننده قرار گرفته، ولی قبلاً آلوده به خون گردیده و با آب تطهیر نشده است، به دهان بیمار چه حکمی دارد؟

ج) اشکال ندارد ولی بیمار نباید نجاست را بخورد.

۱۵.همچنان که در توضیح المسائل آمده است اگر بدن یا لباس نمازگزار، کم تر از درهم به خون آلوده باشد نماز صحیح است، آیا خون مترشّحه از دهان بیمار به بدن یا لباس دندان پزشک نیز حکم همین خون را دارد؟

ج) اگر کمتر از درهم باشد در نماز عفو شده است و الا نماز با این خون بر بدن یا لباس صحیح نیست.

۱۶.آیا لازم است توافق نهایی راجع به هزینه درمان دندان پزشکی قبل از شروع معالجات صورت پذیرد؟

ج: برای پرهیز از درگیری و ناراحتی بهتر است اینگونه باشد.

۱۷.گاهی بیماری به دلیل دندان درد شدید و یا بالا بودن هزینه درمان اصرار بر کشیده شدن دندان آسیب دیده، توسّط دندان پزشک می کنند، در چنین مواردی با علم به این که می توان چنین دندانی را درمان نمود، کشیدن دندان به صرف رضایت و اصرار بیمار جایز میدر توضیح المسائل آمده است: از مکروهات ایام روزه داری، کشیدن دندان و هر کاری است که به واسطه آن از دهان خون بیاید و دیگر این که بی جهت آب یا چیزی روان در دهان کردن می باشد، با توجّه به مسأله مذکور، آیا دندان پزشک نیز که به واسطه عمل او از دهان بیمار خون جاری گشته و یا حین مداوا با وسیله ای آب به محیط دهان بیمار وارد می کند، مرتکب فعل مکروهی گردیده است؟

ج) شخص مکلّف روزه دار مرتکب کراهت شده است نه دندان پزشک

۱۸.گاهی در هنگام درمان دندان هایی که پوسیدگی آن ها نزدیک عصب دندان است، در اثر خطای سهوی دندان پزشک، عصب دندان از بین می رود که این مسأله معمولاً منجر به کاهش عمر دندان و در بر داشتن هزینه درمانی اضافی برای بیمار می گردد. آیا این خطای سهوی و عملی دندان پزشک، موجب ضمان و مدیون شدن دندان پزشک می گردد؟

ج) اگر قبلاً ابراء ذمّه نکنند مدیون هستند.

۱۹.گاهی بیماران به دلیل کاهش هزینه درمانی و یا صرفاً زیبایی ظاهری دندان خود، راه های درمانی خاصّی را به دندان پزشک پیشنهاد می کنند، که نهایتاً ممکن است باعث کشیدن و یا کاهش عمر دندان ها گردد. آیا دندان پزشک با علم به این مسأله، شرعاً مجاز است از درمان ارجح خودداری کند و به دلیل مذکور بنا به رضایت و خواست بیمار، درمانی را که از نظر علمی ارجح نمی باشد، اتخاذ نماید. آیا در این مورد ضامن است؟

ج) اگر با رضایت بیمار و درخواست او باشد ضمانی متوجّه پزشک نیست.

۲۰.گاهی به دلایل مختلف از قبیل خطای سهوی، خستگی حین درمان، صرفه جویی در مواد و زمان درمان و... که توسط بعضی دندان پزشکان در حین پر کردن و عصب کشی انجام می گیرد، دندان کاملاً درمان قابل قبولی از نظر علمی نمی شود و بعضاً منجر به کاهش عمر دندان، انجام جرّاحی و یا نهایتاً کشیده شدن دندان می گردد. با توضیح فوق، آیا پزشک گنا هکار و ضامن است؟

ج) اگر سهل انگاری نکند و ابراء ذمّه قبل از انجام اعمال پزشکی کرده باشد ضامن نیست ولی اگر ابراء نکرده ضامن است و در صورتی که در این کارها تقصیری داشته باشد گناهکار هم می باشد.

۲۱.در صورتی که معالجه دندان بیمار به صورت مناسب انجام نپذیرد، آیا دندان پزشک موظّف است مابه التفاوت هزینه درمان مناسب و درمان انجام گرفته را به بیمار مسترد دارد؟

ج) در صورتی که این کار از بی توجّهی و تقصیر پزشک صورت گرفته است ضامن است.

۲۲.گاهی بیمارانی که مسن بوده و تعداد کمی دندان در دهان دارند به دندان پزشک مراجعه می کنند و درخواست کشیدن دندان های باقی مانده و گذاردن دندان مصنوعی کامل می کنند. با توجّه به این که بعضاً بنا به تشخیص علمی دندان پزشک امکان باقی ماندن تعدادی از دندان های موجود و جایگزینی دندان های مصنوعی صرفاً در محل های بی دندان (پارسیل) وجود دارد. آیا بنا به درخواست و رعایت بیمار به دلایل کاهش هزینه و... دندان پزشک شرعاً مجاز به کشیدن چنین دندان هایی و اتخاذ چنین شیوه ی درمانی می باشد؟ آیا ضامن نیست و موجب دیه نمی گردد؟

ج) اگر خود آن ها درخواست می کنند پزشک ضامن نیست و دیه هم ندارد.

۲۳.در صورت کشیدن دندانی که قابل تعمیر است - با اصرار و رضایت بیمار - آیا دندان پزشک ضامن پرداخت دیه دندان می گردد؟

ج) ضامن نیست و دیه هم ندارد.

۲۴.اگر در اثر ضربه، تاج دندان دچار شکستگی شده باشد، با توجّه به این که در حال حاضر با معالجه ریشه و گذاشتن تاج مصنوعی ظاهراً درمان می شود، چه حکمی دارد؟

ج) چنانچه ضربه توسط فرد دیگری باشد و عرفا دکتر معالجه را به خوبی انجام داده باشد اشکال ندارد.

۲۵.مستدعی است میزان دیه دندان ها و ثنایا (قدامی) و آسیاهای کوچک و بزرگ (خلف ها) را جداگانه معین فرمایید؟

ج) دندان های قدامی هر کدام پنجاه دینار و دندان های کناری از آسیای کوچک و بزرگ ۲۵ دینار دیه دارد.

۲۶.در صورتی که کسی در هنگام اِحرام دچار دندان درد شدیدی شود، کشیدن دندان وی چه حکمی دارد؟ همچنین، آیا دندان پزشکی که دندان او را می کشد، باید کفّاره بپردازد؟

ج) کشیدن آن اشکال ندارد ولی کفّاره آن به احتیاط مستحب یک گوسفند است و این حکم شامل دندان پزشک نمی شود.

گواهی پزشکی

۱.برخی از افراد به پزشکان مراجعه و از آن ها تقاضای گواهی پزشکی برای محلِّ کار و... می نمایند؛ مثلاً ذکر می کنند سرما خورده بودند و دو روز به اداره نرفته اند، آیا در صورت اطمینان به صحّت گفتار می توان گواهی صادر کرد؟

ج) اگر طبیب اطمینان دارد که ایشان بیمار بوده دادن گواهی اشکال ندارد.

۲.صدور گواهی نادرست، برای بیمار سهواً یا عمداً از طرف پزشک چه حکمی دارد؟

ج) در صورت عمد حرام است و اگر موجب خسارت باشد پزشک ضامن هم می شود.

۳.صدور گواهی نادرست از طرف پزشک برای بیمار، به سهو باشد یا به عمد، چه حکمی دارد؟

ج) اگر به عمد باشد حرام است و در هر دو حال چنانچه موجب خسارت باشد ضمانت آور است.

...

...

ختنه و حجامت

۱.گاهی برای ختنه کردن بچه ها در اتاق عمل سرپایی و تحت بی حسی موضعی، دست وپای بیمار را می بندند و یا در مواجهه با فریاد شدید بچّه، او را می زنند و یا دهانش را می گیرند، در حالی که با عمل بی هوشی به راحتی می توان در اتاق عمل و بدون اذیت آن ها را ختنه نمود، در این موارد چه باید کرد؟

ج) اگر امکان دارد که ختنه بدون درد یا با بی هوشی و بدون ضرر انجام بگیرد باید انجام شود.

۲.انجام تحقیق و پژوهش پیرامون حجامت و فصد (و سایر موضوعات پزشکی مشابه که در روایات موجود می باشد) مطابق با استانداردهای علمی بین المللی و بررسی آماری نتایج حاصل از آن از نظر شرعی چه وجهی دارد؟

ج) آنچه که از نظر شرعی ثابت باشد نتایج تحقیقات به دست آمده هیچ چیزی را نمی تواند تغییر دهد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹